

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## هشدار می دهیم!

خطر تجاوز امپریالیسم آمریکا و مزدورانش

از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است

در صفحه ۲

## آمریکا در تدارک ایجاد

کانوهای جدید تجاوز در مرزهای ایران است

سرنگونی جمهوری اسلام ایران در راستا اهداف تجاوزکارانه آمریکا در منطقه است

کودتاچیان آمریکایی ترکیه از یک طرف مدتهاست که باندهای سلطنت طلب را تقویت می کنند و از طرف دیگر به مرزهای شرقی خود ، حالت کاملاً نظامی بخشیدند .

در صفحه ۵

باین جنایت رسیدگی کنید

مهرانگیز مسعودی

بصرف پایبندی

به اعتقادش

در تهران اعدام شد

مهرانگیز رفیقی بود که در زندگی خود به عقاید مردم مسلمان عمیقاً احترام می گذاشت .

مغرضین او را به دروغ ضد اسلام معرفی کردند .

در صفحه ۱۹

## گرایش های مثبت در شناخت

مضمون شوراهای کارگری

در جمهوری اسلامی ایران

شوراهایی که در کارخانها ، کارگاهها و مراکز خدماتی شکل گرفته است ، از استثنائات که بگذریم دارای ساختی دمکراتیک اند که از کارگران این واحدها تشکیل یافته و عمدتاً دارای مضمون سندیکایی است و وظایف سندیکایی ( صنفی ) را برعهده دارند .

در صفحه ۶

## تصمیمات تاریخی بلنوم مرداد

گام سرگ رهبری سازمان در دفاع از انقلاب و تعیین وظایف مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر

اسناد تاریخی بلنوم های اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ در این شماره انتشار یافته است

در صفحه ۱۳

## مصاحبه رفیق جمشید طاهری پور

عضو هیات سیاسی و کمیته مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

پیرامون توطئه کشتگر - هلیل رودی

در صفحه ۱۱

کمیته های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت )

اقدام نفاق افکنانه و توطئه گرانه کشتگر - هلیل رودی

در صفحه ۱۰

را محکوم می کنند

## آزمونها و گزینش های تازه نخست وزیر

ولایتی وزیر امور خارجه ، ناطق نوری وزیر کشور و توکلی سخنگوی دولت شد

در صفحه ۲۱

## متحد شویم!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را درهم کوبیم

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# هشدار می دهیم!

## خطر تجاوز امپریالیسم امریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی مجاور به میهنمان جدی است

هم میهنان مبارز و انقلابی!

اطلاعات و شواهد موجود بطور بسیار حدی حاکی از آن است که امپریالیسم امریکا با شکست‌های اخیر ارتش تجاوزگر صدام و با شکست نقشه خائنه و جنایتکارانه بنی‌صدر و رجوی و همه باند‌های ضدانقلابی و سلطنت‌طلب - اکنون برای نابودی انقلاب ما و سرنگونی جمهوری اسلامی نقشه جدیدی طرح‌ریزی کرده است.

امپریالیسم امریکا می‌خواهد یک بار دیگر توطئه اشغال بخش مهمی از خاک میهن ما و تشکیل یک دولت ضدانقلابی در مناطقی که نقشه اشغال آن را کشیده است امتحان کند. این همان توطئه‌ای است که هدف اصلی تجاوز صدام به خاک ایران بود اما مقاومت دلیرانه و یکپارچه خلق ما آن را درهم شکست.

در مرداد ماه سال گذشته، زمانی که بیش از یک ماه به آغاز هجوم گسترده رژیم صدام به میهن باقی مانده بود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بنا به وظیفه ملی میهنی و انقلابی خود طی اعلامیه‌ای از خطر تجاوز قریب‌الوقوع ارتش صدام به ایران و نقشه گسیل نیروهای ضدانقلابی سلطنت‌طلب و وابسته به امریکا به مناطق اشغالی با وضوح تمام پرده برداشت. متأسفانه در آن زمان چون بنی‌صدر در رأس فرماندهی کل‌قوا بود، به این هشدارهای ما و همه نیروهای مدافع انقلاب و مدافع استقلال و آزادی ایران توجه نشد و به همین علت بخشی از خاک میهن ما به اشغال جنایتکاران مزدور صدام درآمد و این جنگ بدین شکل به ما تحمیل شد.

اکنون یک بار دیگر سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به تکوین یک توطئه تجاوزکارانه جدید به خلق قهرمان ایران هشدار می‌دهد. تمام شواهد نشان می‌دهد پس از شکست توطئه براندازی جمهوری اسلامی از طریق توسل به جنایتکارانه‌ترین عملیات تروریستی اکنون دوباره امپریالیسم امریکا و دولت‌های ارتجاعی مجاور مجدداً آماده می‌شوند تا از جانب جنوب - جنوب شرقی و شمال غربی وارد خاک ما شوند و مناطق وسیعی را به اشغال خود درآورند. و اگر بتوانند یک دولت دست‌نشانده متشکل از ضدانقلابیون فراری در این مناطق برای خود تشکیل دهند.

تمام شواهد نشان می‌دهد که شکست‌های جبران‌ناپذیر و پیاپی ارتش صدام در جبهه‌های کرخه‌نور، آبادان، بستان و گیلانغرب که ثمره خامس‌آفرینی‌های رزمندگان مسلح ماست امپریالیسم امریکا و دیگر رژیم‌های ارتجاعی را به فکر تدارک توطئه تجاوزکارانه جدیدی انداخته است.

دولت ریگان طرح عملیات اشغال برق‌آسای نواحی نفت‌خیز جنوب ایران را که در زمان کارتر تهیه شده بود تکمیل کرده است. برای این عملیات اسم رمز "تریپ وایر" انتخاب شده است و مانور نظامی اخیر امریکا و تقویت نیروهای "تجاوز سریع" آن در منطقه خلیج فارس و

دریای عمان به منظور تمرین و تدارک طرح اشغال جنوب ایران صورت گرفته است. الکساندر هیگ در کمال وقاحت اعلان کرده است که برای روی کار آوردن دولتی در ایران که طرفدار ارزش‌های غربی باشد از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد.

وزیر دفاع دولت ریگان اخیراً به ترکیه رفته است و از دولت ارتجاعی ترکیه خواسته است که علیه انقلاب ایران و انقلاب افغانستان نقش فعال‌تری برعهده بگیرد دولت امریکا از همه کوشش‌های ژنرال‌های ترک برای تدارک حمله به ایران و بسیج و سازماندهی افسران ارتش شاه و دیگر ضدانقلابیون فراری وسیعاً حمایت می‌کند. هم اکنون در پادگان‌های ارتش ترکیه دهها هزار از این نیروهای سلطنت‌طلب به هزینه دولت امریکا و ترکیه و کمک‌های مالی بیدریغ سرمایه‌داران فراری ایران نگهداری می‌شوند. روستاهای مرزی ترکیه حالت کاملاً نظامی به خود گرفته و سکنه غیرنظامی آن تخلیه شده‌اند. مردم مرزنشین ایران نیز در اوج نگرانی اموال و ربه‌های خود را از محل‌هایی که در معرض خطر قرار دارند خارج می‌کنند. دار و دسته ضدانقلابی قاسملوی خائن با پایگاه‌های ضدانقلابیون فراری در ترکیه مرزها را منظم دارند. قاسملو اخیراً گفته است که با عضویت در "شورای مقاومت ملی" امکانات وسیعی بدست آورده است. خوانین مرتجع آذربایجان غربی، کردستان و کرمانشاهان نیز با دولت‌های عراق و ترکیه نزدیک‌ترین روابط را برقرار کرده‌اند.

سفر الکساندر هیگ وزیر خارجه امریکا به پاکستان که به علت حوادث لهستان به تاخیر افتاد، قرار است در آینده نزدیک انجام شود. این مسافرت دو هدف دارد: کمک‌های بیشتر به مزدوران افغانی و پاکستانی علیه انقلاب افغانستان و کمک‌های بیشتر به پاکستان برای به پایان بردن تدارکات نظامی برای تهاجم به ایران در منطقه سیستان و بلوچستان. امپریالیسم امریکا به حکام نظامی پاکستان ۳/۲ میلیارد دلار کمک کرده است. دولت پاکستان در مرزهای خود با ایران از ماهها پیش به این طرف مشغول ساختن راه‌های ارتباطی و استحکامات نظامی بوده است. بخش مهمی از ضدانقلابیون ایران نیز در پاکستان گردآمده و به تمرینات و تدارکات نظامی مشغولند. خوانین مرتجع سیستان و بلوچستان هم با دولت پاکستان و هم با مرتجعین آنسوی خلیج فارس مناسبات تنگاتنگی برقرار کرده‌اند.

دو هفته قبل کنان اورن رئیس دولت فاشیست ترکیه به پاکستان رفت و با ضیاءالحسق رئیس دولت فاشیست پاکستان که هر دو از شناخته‌شده‌ترین رژیم‌های امریکایی منطقه بشمار می‌روند، ملاقات و راجع به هماهنگی نقشه‌های تجاوزکارانه علیه میهن ما مذاکره کرده است. آخرین تصمیم مشترک دولت‌های امریکا، ترکیه، عربستان، پاکستان و شیوخ مرتجع خلیج فارس برای هجوم به ایران و اشغال مناطق جنوبی و غربی ایران حاکی از آن بوده است که این نقشه برای زمستان امسال به اجرا گذاشته می‌شود. تسریع و تشدید فعالیت دیپلماتیک و نظامی مرتجعین منطقه در یک ماهه اخیر کاملاً هشداردهنده است.

بقیه در صفحه ۳

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

بقیه از صفحه ۲

هم میهنان آگاه و مبارز!

اکنون که توطئه مشترک مجاهدین، لیبرال‌ها و سلطنت‌طلبان و همه گروهکهای ضدانقلابی با شکست مواجه شده است، اکنون که جنگ تحمیلی صدام می‌رود که به سود ما به پایان پیروزمذخود نزدیک شود، اکنون که انقلاب ما می‌رود که کام‌های بسیار مهمی به سود توده‌های وسیع مردم محروم و زحمتکش بردارد، بزرگ‌مالکی و کلان‌سرمایه‌داری را براندازد و غارتگری سرمایه‌داران و فئودالها را مهار کند، اکنون که پایه‌های انقلاب ما می‌رود که با بدست آوردن پیروزی‌های بسیار مهمی بر سرمایه‌داری و فئودالیسم مستحکم گردد، امپریالیسم آمریکا و مرتجعین کشورهای مجاور و همه دستجات ضدانقلابی داخلی مسلماً بیکار ننشسته‌اند و بیکار هم نخواهند نشست. همه دشمنان خلق ما برای اینکه جلوی انقلاب ما را بگیرند، بخصوص برای اینکه نگذارند انقلاب ریش‌ساف پایگاه‌های اجتماعی مهم آنها، یعنی سرمایه‌داران بزرگ و فئودال‌ها را از دل جامعه بکنند و برای مردم زحمتکش کاری بکنند، دست به دست هم می‌دهند که بر ما هجوم بیاورند، قسمتی از خاک ما را اشغال کنند. میهنان ما دستخوش تجزیه سازند. این نقشه‌ای است که در زمان کارتر تهیه شده و اکنون تکمیل گردیده است. ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) نسبت به خطر اجرای این نقشه به همه نیروهای مبارز و انقلابی، به میلیونها مردم مبارز و زحمتکش میهن و به دولت جمهوری اسلامی هشدار می‌دهیم.

هم میهنان آگاه و انقلابی!

اکنون که دشمنان داخلی و خارجی ما از توطئه و تجاوز علیه انقلاب ما و میهن انقلابی ما دست بر نمی‌دارند وظیفه ما چیست؟ آیا وظیفه‌ای مهمتر و حیاتی‌تر از دفاع از این میهن انقلابی سراغ داریم؟ امپریالیست‌ها بسرکردگی امریکای جنایتکار و همه رژیم‌های ارتجاعی منطقه قصد دامن زدن به تجاوز به حریم میهن ما را دارند در برابر این توطئه وظیفه یکایک ماست که به هر طریق که می‌توانیم و در هر حدی که از عهده ما ساخته است، در راه حفظ استقلال، یکپارچگی و تمامیت میهنان و دفاع از دستاوردهای انقلابمان در راه سرفرازی و سعادت مردمان بکوشیم. بایستیم و تا پای جان با نثار همه هستی خود پیروزی‌هایی را که بر انقلاب بدست آورده‌ایم، حفظ کنیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را با هر مرام و عقیده‌ای که باشند فرا می‌خواند صفوف خود را فشرده‌تر سازند. دشمن اصلی امپریالیسم آمریکا و عمال جنایتکار آن را از یاد نبریم و همانگونه که اسام خمینی رهبر انقلاب بارها تأکید کرده‌اند از هرگونه تفرقه و دشمنی بیرهزیم و راهی در پیش نگیریم که خواست و نیاز دشمنان ماست. اتحاد رمز پیروزی ماست. رمز شکست ناپذیری ماست. ما از همه نیروهای مدافع انقلاب و پشتیبان خط ضد امپریالیستی و مردمی اسام خمینی مصرا نه می‌خواهیم که از یاد نبرند که اگر امروز ما دست به دست یکدیگر ندهیم، و همه نیروهایمان را برای مقابله با این توطئه تجاوزگرانه امریکایی بکار نندیم، تاریخ قضاوت سختی درباره ما خواهد داشت. اگر همه با هم متحد باشیم آمریکا و همه دشمنان انقلاب را حتما شکست خواهیم داد. مایه کمال تأسف ماست که می‌بینیم چه در میان مسئولین جمهوری اسلامی و چه در میان سایر نیروهای مدافع انقلاب کسانی یافت می‌شوند که علیرغم خطراتی که بطور بسیار جدی انقلاب ما را تهدید می‌کند دست از تفرقه‌جویی و کینه‌پرانی علیه یاران صدیق انقلاب نمی‌شویند. ما فدائیان خلق (اکثریت) با تمام نیرو در سراسر ایران در هر کجا که باشیم از هیچ کوششی برای نزدیک کردن فشرده‌کردن و متحد کردن همه نیروهای مدافع انقلاب دریغ نخواهیم کرد. ما از همه مدافعان انقلاب می‌طلبیم که در این لحظات حساس که سرنوشت میهن‌مان مطرح است، برای مقابله با دشمنان انقلاب و استقلال و آزادی‌مان متحد شوند و توطئه عوامل دشمن را برای دامن زدن به تفرقه و نفاق میان مردم و منحرف کردن توجه آنان از خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند در نطفه ناکام گردانند.

خطر تشدید تجاوز نظامی به میهن ما جدی است در چنین شرایطی دفاع ملی و آمادگی و هشباری همه ما مهمترین وظیفه ماست ما در آغاز

جنگ عراق با ایران از همگان خواستیم که به بسیج بیوندند متأسفانه در ماههای بعد بدون توجه به این امر بسیار مهم که دفاع از میهن انقلابی وظیفه و دین هر عنصر انقلابی است که باید ادا کند، جز مسلمانان بیرو خط امام سایر انقلابیون را از پیوستن به بسیج محروم ساختند. با این سیاست سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و سایر انقلابیون از پیوستن به بسیج مستضعفین محروم شده‌اند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) انحصاری کردن بسیج را سیاستی نادرست می‌داند و از مقامات مسئول انتظار دارد که با اتخاذ یک سیاست صحیح از سایر مدافعین انقلاب دعوت کنند با هر مرام و عقیده‌ای که باشند به بسیج بیوندند ما تأکید داریم که تا دیر نشده ضروری است که این سد را بردارید درهای بسیج را به روی نیروهای راستین انقلابی بکشایید. امید و آرزوی خلق، خلق قهرمان ماست که ارتشی واقعا ۲۰ میلیونی داشته باشد. ارتشی که تمام خلق را دربرگیرد.

دفاع در برابر تجاوز، نیروهای مسلح قوی می‌خواهد. تهیه سلاح‌های پیشرفته و کارساز از منابعی که برای ما وابستگی اقتصادی و سیاسی و نظامی بوجود نیآورد، برای ادامه دفاع از استقلالمان ضرورت حیاتی دارد. سازمان ما روی ضرورت اتخاذ یک سیاست صحیح و مستقل و منسجم در تهیه سلاح‌های ضرور برای دفاع از میهن انقلابی‌مان تأکید جدی دارد. واقعیت این است که سلاح‌های سنگین ارتش ایران عمدتاً از امریکا و انگلیس تهیه شده است. این کشورها امروز بزرگترین دشمنان ما هستند. آنها به ما اسلحه نخواهند داد. اگر هم بدهند استقلال ما را گروگان می‌خواهند. آنها وقتی به ما اسلحه می‌دهند که ایران مال آنها باشد. ارتش ما باید تقویت شود. سپاه باید تقویت شود. پاسداران باید به سلاح سنگین مجهز شوند. اینها همه ضرورت‌هایی غیرقابل چشم‌پوشی است. مردم می‌خواهند که نیروهای مسلح ما نیرومند باشند. مردم انتظار دارند به همه درنگ‌ها و تردیدها در زمینه تهیه بدون قید و شرط سلاح‌های نیرومند از کشورهایی که مدافع انقلاب و استقلال ما هستند پایان داده شود. هر تاخیری در این زمینه زیان‌های بسیار جدی خواهد آورد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بدین وسیله اعلام می‌کند که همه فدائیان خلق (اکثریت) در سراسر ایران آماده‌اند که چه در جبهه‌ها و چه در پشت جبهه‌ها به مرم‌ترین وظایف خود برای دفاع در برابر تجاوز عمل کنند. فدائیان خلق در هر کجا که باشند پیوستن به خدمت وظیفه و قرارگرفتن تحت فرماندهی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را وظیفه خود می‌شمارند. آنها از دیگران نیز دعوت می‌کنند که این وظیفه میهنی را انجام دهند. فدائیان خلق (اکثریت) شرکت در دفاع مسلحانه از انقلاب و جمهوری را حق و وظیفه انقلابی خود و همه نیروهای انقلابی می‌دانند. فدائیان خلق (اکثریت) موکدا می‌خواهند که کلیه محرومیت‌های قانونی و غیرقانونی در راه پیوستن همه نیروها در دفاع از میهن از میان برده شود.

هم میهنان مبارز!

انقلاب ما لحظات حساسی را پشت سر می‌نهد. توطئه جدید امپریالیست‌ها و مرتجعین در حال تکوین است. خلق ما بی‌گمان توان آن را دارد که این توطئه را نیز درهم شکنند. دست در دست یکدیگر بگذاریم با هر مرام و عقیده‌ای که هستیم، چه در جبهه‌های جنگ، چه در جبهه‌های تولید، چه در سایر سنگرهایی که هستیم انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را که ثمره خون دهها هزار شهید ماست برپا و سرفراز نگاه داریم. امروز تاریخ از تک تک ما فداکاری و جان‌بازی می‌طلبد، عزم و شور انقلابی می‌طلبد. اتحاد و یکپارچگی می‌طلبد. همه با هم حول رهبری اسام خمینی متحد شویم و همه توطئه‌های تجاوزگزارانه امپریالیست‌ها و مرتجعین را درهم شکنیم.

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه

استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

پیروزباد انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

شنبه ۲۸ آذرماه ۱۳۶۰

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

### الحاق بلندی های جولان نمونه خودسری، جنگ طلبی و تجاوز امپریالیسم و صهیونیسم

چند روز پیش دولت صهیونیستی اسرائیل قانونی از "کشت" (پارلمان تل آویو) گذراند که بر پایه آن بلندی های جولان بخشی از خاک اسرائیل اعلام شد این بلندی ها را که جزئی از سرزمین سوریه بشمار میرود، رژیم صهیونیستی در جنگ علیه اعراب در سال ۱۳۴۶ (ژوئن ۱۹۶۷) به تصرف خود درآورد. تصمیم "ضمیمه سازی" بلندی های جولان را باید به عنوان "پیامد منطقی" پس از تجاوزکارانه اسرائیل علیه کشورهای عرب تلقی کرد که تاکنون در خودداری از ترک سرزمین های اشغالی جنگ سال ۱۳۴۶، ناسیس و تشویق ماندگاه های یهودی نشین در این مناطق اعلام بخش غربی "قدس" به عنوان "بایتحت" جاودانی و بخش نایدیبر اسرائیل و غیره ابرتاب یافته است. نصادف نیست که اسرائیل تحریکات و دسیسه پردازی های کثونی خود را به ویژه متوجه سوریه ساخته است. چه این کشور همواره خاری در چشم یابید و آزمند اسرائیل برای مقابله با جنبش آزادی بخش خلق های عرب و در درجه نخست نهضت مقاومت فلسطین بوده است کارزار اعراب آمریکا و اسرائیل علیه نیروهای پاسدار صلح سوری در لبنان سفیرهای تهدیدآمیز

جند روز پیش دولت صهیونیستی اسرائیل قانونی از "کشت" (پارلمان تل آویو) گذراند که بر پایه آن بلندی های جولان بخشی از خاک اسرائیل اعلام شد این بلندی ها را که جزئی از سرزمین سوریه بشمار میرود، رژیم صهیونیستی در جنگ علیه اعراب در سال ۱۳۴۶ (ژوئن ۱۹۶۷) به تصرف خود درآورد. تصمیم "ضمیمه سازی" بلندی های جولان را باید به عنوان "پیامد منطقی" پس از تجاوزکارانه اسرائیل علیه کشورهای عرب تلقی کرد که تاکنون در خودداری از ترک سرزمین های اشغالی جنگ سال ۱۳۴۶، ناسیس و تشویق ماندگاه های یهودی نشین در این مناطق اعلام بخش غربی "قدس" به عنوان "بایتحت" جاودانی و بخش نایدیبر اسرائیل و غیره ابرتاب یافته است. نصادف نیست که اسرائیل تحریکات و دسیسه پردازی های کثونی خود را به ویژه متوجه سوریه ساخته است. چه این کشور همواره خاری در چشم یابید و آزمند اسرائیل برای مقابله با جنبش آزادی بخش خلق های عرب و در درجه نخست نهضت مقاومت فلسطین بوده است کارزار اعراب آمریکا و اسرائیل علیه نیروهای پاسدار صلح سوری در لبنان سفیرهای تهدیدآمیز

آورد. از سوی دیگر اسرائیل تنائی "کمپ دیوید" را که زیر نظارت ایالات متحده صورت گرفته است، "بایه قانونی" این آخرین دسیسه خود قرار داده است اسحق شامیر، وزیر خارجه اسرائیل در این زمینه گفت:

از آنجا که قرارداد (کمپ دیوید) از بلندی های جولان نامی نمی برد نمی توان به ضمیمه سازی آنها اعتراضی داشت

از سوی دیگر، "واشنگتن پست" روز شنبه ۲۸ آذرماه ۶۰ (۱۹ دسامبر ۸۱) گزارش داد که ایالات متحده قبلا از تصمیم "تل آویو" درباره ضمیمه سازی بلندی های جولان آگاه شده بود ولی گامی برای جلوگیری از آن نبردند. به نوشته این روزنامه: "شیمون پرس رهبر حزب کارگر اسرائیل یک هفته پیش از تصمیم اسرائیل به مقامات بلندی پایه دولت آمریکا در این باره هشدار داده بود. "واشنگتن پست" می افزاید:

"بدینسان ایالات متحده آمریکا بایست مسئولیت کامل اقدام اسرائیل را بپذیرد"

اگر نیازی به اثبات همدستی و عوام فریبی "واشنگتن پست" می بود اعتراف خود محافظان امپریالیستی آمریکا بار دیگر چنین برهانی را عرضه می دارد.

اشغال جولان و گسترش مبارزه با صهیونیسم

پس از تصمیم تجاوزگرانه صهیونیست ها در مورد اعمال قوانین اسرائیل در ارتفاعات جولان ساکنین این منطقه، به ویژه در مجدالشمس دست به اعتصاب و تظاهرات زدند دانش آموزان از حضور در کلاس ها خودداری کردند و دکان ها به عنوان اعتراض تعطیل شدند. از سوی دیگر دولت سوریه ضمن تعرض دیپلماتیک برای محکوم کردن اقدام غیرقانونی اسرائیل در سازمان ملل که مغایر مصوبات این سازمان و شورای امنیت نیز هست، و نیز طرد پارلمان اسرائیل از کنفرانس بین المجالس، با هشیاری آمادگی خود را برای مقابله احتمالی افزایش می دهد. سوریه با اتحاد شوروی معاهده دفاعی متقابل دارد و همانطور که حافظ اسد در یک مصاحبه مطبوعاتی تأکید کرده است "اتحاد شوروی همچنان به عنوان یک دوست صمیمی با دگر دوستان خود با ما خواهد ماند و تجربه جنگ اکتبر این مسئله را ثابت کرد، زیرا اتحاد شوروی در صف اعراب ایستاد و در آن جنگ مقادیر زیادی اسلحه و مهمات در اختیار سوریه و مقر قرار داد" (اطلاعات شنبه ۲۸ آذر)

افکار عمومی جهان و نیروهای ترقی خواه و صلح دوست به شدت اقدام تجاوزگرانه اسرائیل را محکوم می کنند. بنا بر گفته مقامات رسمی الجزایر، این کشور تمام قدرت و توان خود را در اختیار سوریه قرار خواهد داد سایر اعضای جنبه پایداری نیز در حمایت از سوریه می کوشند اقدامات خود را هماهنگ نمایند. همچنین کشورهای مرفعی عرب

می کوشند با اقدامات خود و با یگاری عمومی احساسات عمومی توده های عرب در اجلاس وزیران خارجه ۲۱ کشور عضو اتحادیه عرب که به دعوت سوریه تشکیل می شود تصمیماتی همگانی علیه اسرائیل اتخاذ کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز هرچند خود درگیر جنگ با رژیم متجاوز عراق است، با این وجود قاطعانه در کنار خلق سوریه ایستاده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه این هفته تأکید کردند

"اگر بخواهیم دست اسرائیل را ببندیم باید دست آمریکا را ببندیم برای بستن دست آمریکا نباید عمل کرد تنها حرف زدن کافی نیست و برای شکست اسرائیل و آمریکا در منطقه کافی است یک ماه کشورهای خلیج فارس نفت خود را به استعمارگران ندهند و نفروشد."

در همین رابطه وزارت امور خارجه نیز "ضمن محکوم نمودن اقدام تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی حمایت کامل خود را از ملت مسلمان و برادر سوریه اعلام نمود" و ضرورت تشکیل جبهه متحد اسلامی - ضد امپریالیستی - ضد صهیونیستی را بار دیگر مطرح کرده است مسلماً همکاری فعال و هماهنگ ایران با کشورهای عضو جنبه پایداری در گسترش دامنه پایداری در مقابل این اقدام امپریالیستی - صهیونیستی و به شکست کشاندن آن بسیار موثر خواهد بود.

### دوستان و دشمنان انقلاب افغانستان چه کسانی هستند؟

مواضع نیروها و رژیم های مختلف منطقه درباره انقلاب آوریل ۱۹۷۸ افغانستان علیرغم ناهمگونی های سطحی از همان زمان پیروزی اولیه انقلاب، در دو جهت کاملاً مختلف و متضاد جریان داشت. از یک سو رژیم های سرسپرده و نیروهای ارتجاعی

سوریه، الجزایر، ویتنام و... به همراه همسازانها و احزاب مرفعی و پیشرو منطقه، به حمایت از انقلاب افغانستان پرداختند از همان بدو پیروزی در افغانستان، مرتجعین برای حفظ منافع و مصالح خویش هر بار به توطئه های دیگر نشستند و هر بار که خلق افغانستان توطئه های را درهم می شکست و پای خود را آگاهتر واز آن رو مصمم تر بر زمین دفاع از انقلاب می گوید، قلب انقلاب منطقه عمیق تر می زند. جنگ اعلام نشده ای علیه اراده خلقی آغاز شده بود. بزرگ جنایتکار زمان

امریکای جهانخوار به همراه طیفی از مرتجعین، دست در دست مائوئیست های خیانت پیشه چین با اتکا به اقدامات مخرب ضدانقلاب داخلی به اصطلاح "جهاهدین افغانی" می کوشیدند تا از تثبیت انقلاب افغانستان جلوگیری کرده و مانع از تعمیق انقلاب در آن کشور گردند. نیروهای انقلابی منطقه که از همان زمان به درستی دریافته بودند که انقلاب افغانستان جزئی از روند انقلاب در جهان و منطقه است، به حمایتی همه جانبه از آن انقلاب پرداختند. پیام های همبستگی دولت های مرفعی و



روزنامه صبح آزادگان در تاریخ نوزدهم آذر ۱۳۶۰ نوشت:

"... واین برگز" (وزیر دفاع آمریکا) به پایاندرو گفت است ترکیه که دومین نیروی زمینی بزرگ سازمان ناتو را بعد از آمریکا در اختیار دارد به کمک‌های نظامی اضافی آمریکا احتیاج دارد. واین برگز، اضافه کرده است ترکیه برای مقابله با تهدید در آسیای مرکزی که از اشغال افغانستان به وسیله شوروی و سقوط نظم داخلی در ایران ناشی می‌شود به این کمک‌های اضافی نیازمند است"

روزنامه اطلاعات در تاریخ دوشنبه بیست و سوم آذر در تیتیر اول خود خبر از طرح سری آمریکا برای حمله نظامی به جنوب ایران داد. روزنامه اطلاعات به نقل از خبرگزاری تاس نوشت:

"نشریه ساندی تایمز چاپ لندن در شماره اخیر خود نوشت که آمریکا برای حمله نظامی به سرزمین‌های جنوبی ایران یک طرح سری تهیه کرده است به نوشته این نشریه طرح سری آمریکا که نام رمز آن "تربیب وایر" است توسط الکساندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا برای دفاع از منافع این کشور در خاورمیانه تهیه شده و از سوی ریگان و مشاوران نزدیک وی مورد تصویب قرار گرفته است... بر اساس گزارش ساندی تایمز در طرح "تربیب وایر" ورود نیروهای آمریکا به کشورهای ترکیه، پاکستان، کشورهای خلیج فارس، مصر، سودان، سومالی و کنیا که به عنوان خط دفاعی آمریکا تلقی می‌شوند، پیش‌بینی شده است"

هنگامی که این خبرها در کنار اخبار مسافرت ژنرال کان اورن رئیس شورای نظامی حاکم بر ترکیه و مسافرت سلطان بن عبدالعزیز وزیر دفاع عربستان سعودی به پاکستان و سایر حرکتاتی که همگی دال بر تشدید حرکات

## آمریکا در تدارک ایجاد کانونهای جدید تجاوز در مرزهای ایران است

### • توطئه در مرز ترکیه

پس از پیروزی انقلاب در ایران آمریکا موافقت‌نامه‌ای تحت عنوان "همکاری در زمینه دفاع مشترک" با ترکیه منعقد ساخت. به گفته نیویورک تایمز "تجدید موافقت‌نامه با دولت ترکیه اهمیت زیادی دارد زیرا پایگاه‌های موجود در خاک ترکیه می‌توانند برای عملیات احتمالی در ایران و افغانستان مورد استفاده قرار گیرند. در حال حاضر حدود ۳۰ مرکز نظامی و جاسوسی آمریکا با بیش از هفتاد هزار وجود دارد"

واین برگز در ملاقات با سردهسته کودتاچیان ترکیه گفته است:

"حکومت نظامی که از سال گذشته به دنبال یک کودتای بدون خونریزی قدرت را بدست گرفت به انتظارات بزرگ ما پاسخ داده است"

و ژنرال اورن با اشاره به لزوم تقویت نیروهای مسلح ترکیه توسط آمریکا اظهار داشت: "در این صورت می‌توانیم نقش بهتری در منطقه و جهان به عهده گیریم"

رژیم آمریکایی حاکم بر ترکیه جهت ایفای نقش بهتر مسدودت‌هاست باند‌های ضدانقلابی سلطنت‌طلب را در مرزهای خود با ایران تقویت می‌کند. به اصطلاح "ارتش رهایی‌بخش ایران" (آرا) از امکانات فراوانی در خاک ترکیه برخوردار است که از آنجا عملیات راهزنانه علیه انقلاب ما را سازمان می‌دهند. عمال پالیزبان،

تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه امپریالیسم آمریکا در منطقه است گذاشته شود. برای ما بسیار جدی و هشداردهنده خواهد بود زیرا شکست انقلاب ایران در راس اهداف تجاوزکارانه امپریالیسم در منطقه قرار دارد. امپریالیسم آمریکا با هر شکست هارتر و دیوانه‌تر می‌شود. بیش از پیش به ماجراجویی نظامی دست می‌زند. امپریالیسم آمریکا در حال حاضر بیش از پانصد هزار نظامی را در چهارصد پایگاه نظامی در نقاط گوناگون جهان متمرکز کرده است و به‌ویژه تلاش دارد پایگاه‌های نظامی خود را در منطقه خاورمیانه و اقیانوس هند گسترش دهد.

امپریالیسم آمریکا ۲۵ میلیارد دلار جهت افزایش حضور نظامی خود در اقیانوس هند برای پنج سال آینده اختصاص داده است. استقرار "نیروهای واکنش سریع" در خاورمیانه مراحل نهایی خود را طی می‌کند. شمار این نیروها که در بخش گسترده‌ای از آسیا و آفریقا مستقر می‌شوند نهایتاً به ۳۲۵ هزار خواهد رسید. به علاوه در اوایل اردیبهشت سال آینده قرار است صهیونیست‌ها از شبه‌جزیره سینا خارج شوند و "نیروهای چند ملیتی" که عمدتاً آمریکایی هستند جایگزین آنها گردند.

فقرارداد "اتحاد استراتژیک" که اخیراً بین آمریکا و اسرائیل منعقد شده راه را برای گسترش پایگاه‌های پنتاگون و انبار سلاح نیروهای واکنش سریع در خاک اسرائیل بازتر کرده است. از سوی دیگر برای استقرار دائمی ناوگان پنجم آمریکا در اقیانوس هند طرح‌هایی با هزینه‌های

بسیاری از کشورهای منطقه را در این منطقه رهبری را در این منطقه (خاورمیانه) برعهده داریم و آن را ادامه خواهیم داد

بدیهی است که آمریکا برای حفظ نقش رهبری راه دیگری جز توطئه و تجاوز علیه خلق‌های منطقه نمی‌شناسد.

"ژورف کرافیت" وابسته مطبوعاتی کاخ سفید از دوستان بسیار مورد اعتماد آمریکا در اطراف ایران نام برده است که می‌توانند با پشتیبانی از ضدانقلابیون ایران اوضاع این کشور را تغییر دهند. پیش از آن کیسینجر در جریان تشکیل کنفرانس طائف از ضرورت همکاری پاکستان و آمریکا در جهت ایجاد اشتشاش در منطقه و تأمین یک جمهوری اسلامی بلوچ! سخن گفته بود.

\* \* \*

آریانا، اویسی و بیوک‌تابتی و سایر کارگردانان رژیم گذشته در ترکیه به خیال خام خود نقشه گسترش تشنج و ایجاد منطقه آزاد شده را در سر می‌پروراندند. عناصر ضدانقلابی در آنکارا و استانبول در انجمن "ایران آزاد" گرد می‌آیند. پرسیدنی است اگر رژیم حاکم بر ترکیه در اجرای نقشه‌های تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا، قصد تجاوز به ایران را ندارد پس چگونه کشور خود را به پناهگاه اشرار و ضدانقلابیون ایرانی مبدل ساخته و پایگاه ایرانی مبدل در اختیار ژنرال‌های فراری رژیم سرنگون‌شده قرار داده است. رژیم صدام نیز قبل از تجاوز آشکار به ایران، کشور خود را به پایگاه ضدانقلابیون ایرانی مبدل و در مرزهای غربی و جنوب کشور از عملیات خرابکارا آنها به هر وسیله ممکن حمایت می‌نمود.

### • توطئه در مرز پاکستان

اگر ترکیه دز گذشته نقش حلقه رابط بین سنتو و ناتو را بازی می‌کرد، پاکستان نیز وظیفه ایجاد ارتباط بین سنتو و سنتو را برعهده داشت. اما در سالهای ۷۰ پاکستان در سیاست خارجی خود گام‌های مثبتی برداشت و از بلوک تجاوزگر سنتو و سنتو خارج شد و به جنبش عدم تعهد پیوست. پس از انقلاب افغانستان و ایران واشنگتن شریک قدیمی خود در مرز دو کشور انقلابی را به یاد آورد. کشیدن پای

پاکستان به طرح‌های استراتژیک واشنگتن در خاورمیانه پس از حوادث تابستان ۱۹۷۷ که منجر به روی‌کار آمدن صیاء‌الحق گردید، سرعت گرفت. پس از روی کار آمدن ریگان دولت آمریکا قراردادی برای پرداخت ۳ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی در شش سال آینده با پاکستان امضاء کرد. این معامله ۴۰ فروند شکاری بمبافکن اف-۱۶، تانک‌ها و زره‌پوش‌های مدرن، موشک و خودروهایی تویپدار و هلی‌کوپترهای تهاجمی را

بقیه در صفحه ۲۲

## مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا



# گرایش های مثبت در شناخت مضمون شوراهای کارگری در جمهوری اسلامی ایران

ما نکرات در مورد اهمیت و ضرورت تحکیم شوراهای واحدهای تولیدی و خدماتی به مثابه شکل های آزاد و داوطلبانه کارگران صاحب کسب کرده ایم. آنچه اکنون می باید مورد دقت نظر قرار گیرد گرایش های مثبت و سالمی است که در مجموعه حاکمیت جمهوری اسلامی و بطور کلی در طیف نیروهای پیرو خط امام، دربرخورد با این شکل ها و در ارزیابی از مضمون واقعی آنها دیده می شود.

جنبش شورایی در کارخانه ها، کارگاه ها و واحدهای خدماتی، صرف نظر از موارد استثنایی و یا تصادفی در کلیت خود، جنبشی است با سرشت توده ای، کارگری و در وجه غالب سندیکایی (صنعی) شوراهایی که در کارخانه ها کارگاه ها و مراکز خدماتی شکل گرفته است، از استثنائات که بگذریم دارای ساختی دموکراتیک که ترکیب غالب آنها از حجت طبقاتی از کارگران این واحدها تشکیل یافته و عمدتاً دارای مضمون سندیکایی است و وظایف سندیکایی (صنعی) را بر عهده دارند، و در واقع از زمره سازمان های صنعی (سندیکایی) طبقه کارگر کشورمان بشمار می آیند.

ما بخصوص بر این امر تاکید داریم که همه وظایفی که شوراهای واحدهای تولیدی و خدماتی از آستانه انقلاب تا کنون انجام داده اند، اعم از وظایفی که مربوط به شرکت در انقلاب ضد استبدادی، ضد سلطنتی ضد امپریالیستی و مردمی ما بود، یا وظایفی که در زمینه دفاع از حقوق صنعی و رفاهی کارگران و بهبود شرایط کار و زندگی آنان بود و یا وظایف مربوط

اغتشاش هایی از این دست است. زیر تاثیر درک معشوش از مفهوم شوراهای کارخانه چه از سوی مسئولین امور و چه از سوی سباده ها و محافل منسب به خط امام، نظیر انجمن های اسلامی، محوی صنفی (سندیکایی) شوراهای موجود در کلیت و جامعیت آن کماکان و با لجاجت نفی و انکار می شد و هرگونه تلاشی از جانب شوراهای در زمینه دفاع از حقوق صنعی و رفاهی کارگران زیر عنوان خط راه طلبی مورد تحقیر فرار می گرفت

## گرایش درست در ارزیابی از مضمون شوراهای کارخانه در حال رشد است

مواضعی که احزاب از سوی همه ما صالحان سازنده (شریح کارگری حزب جمهوری اسلامی) و روزنامه جمهوری اسلامی اتخاذ شده است، با نگر آن است که گرایش به ارزیابی واقع بینانه از ترکیب و مضمون عمده موجود شوراهای واحدهای تولیدی و خدماتی که در ابتدای مقاله تیر آن را گرایشی مثبت و سالم ارزیابی نمودیم تا محدود نیرومند و بالنده است.

نشریه صالحان سازنده در شماره ۵۰ مورخ ۱۰ آذر ۶۰، در مقاله مشروحي تاکید نموده است که شوراهای همان انجمن های صنعی مورد نظر در اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی بوده و در عمل به همه وظایف سندیکایی نیز پاسخ می گویند. همچنین روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۷۳۰ مورخ ۱۷ آذر ۶۰ در مقاله ای با عنوان "همه با هم قانون را رعایت و اجرا نماییم"، شوراهای را بر اساس قانون نمایندگان صنعی محام خود "دانسته و خواستار آن شده است که ارگان ها و مقامات احزابی کشور به هنگام برخورد با مسائل صنعی مربوط به کارگران و کارکنان تنها با شوراهای وارد مذاکره شوند. به بیان دیگر به عقیده نویسندگان مقاله های مذکور در هفته نامه صالحان سازنده و روزنامه جمهوری اسلامی،

برای آنکه شوراهای بتوانند به مثابه شکل های توده ای و مردمی کارگران، وثیقه معتبر و نیرومندی در دفاع از انقلاب در برابر دشمنان و نیز مبارزه پیگیر در راه تثبیت، تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب باشند، باید واقعیت مضمون سندیکایی آنها را با تمام جامعیت و کلیت شان ملاک ارزیابی در برخورد با این شکل ها قرار داد و همان ها را بطور صریح و بی خدشه از نظر قانونی تثبیت نمود.

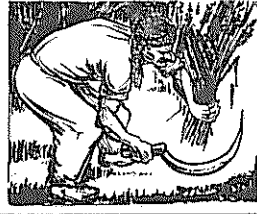
شوراهای سازمان های صنعی کارگران و دیگر کارکنان واحدهای تولیدی و خدماتی هستند. این برداشتی مثبت از محتوی واقعی شوراهای واحدهای تولیدی و خدماتی میسر است. ما امیدواریم که این گرایش مثبت و واقع بینانه به سطح مسئولین امور در وزارت کار که دست اندرکار تثبیت قانونی شوراهای هستند نیز تعمیم یابد و در برخورد روزمره آنها با امر تشکیل های کارگری (شوراهای سندیکایی) تاثیر مثبت برجای گذارد. بدون درک صحیح و همه جانبه از واقعیت ترکیب اعضای تشکیل دهنده شوراهای ار یک سو و واقعیت مضمون سندیکایی (صنعی) این شکل ها با همه حجات متنوع فعالیت آنها از سوی دیگر نمی توان شوراهای واحدهای تولیدی و خدماتی میهنان را با همه توان ظرفیت انقلابی شان و با همه سهم و نقش مهمی که در دفاع از دستاوردهای انقلاب و در مبارزه به خاطر تحکیم و گسترش آن دارند، مشروعیت قانونی بخشید.

## شوراهای وثیقه مطمئن پاسخ در خور کارگران به وظایف انقلابی شان است

شرکت همه جانبه و موثر طبقه کارگر در میدان های گوناگون دفاع از انقلاب و در مبارزه به خاطر گسترش دامنه آن، بخصوص در مرحله فعلی که مرحله پیشرفت و تعمیق کیفی انقلاب است، با مبارزه روزمره این طبقه به خاطر بهبود شرایط کار و زندگی پیوندناگسستی دارد. بدون کترین شبهه کارگران کشور ما باید مبارزه در راه تأمین

پر توان باد جنبش طبقه کارگر  
پشت از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

## دهقانان کردستان برای اجرای بند جود علیه ضد انقلاب بیامی خیزند



بیشتر به ما ضربه بزنند منظور دیگری ندارید به همین جهت حرکات شما خلاف مصالح !! خلق کرد است و ما از کار شما جلوگیری می‌کنیم "

با اینهمه در مواردی نیز در اثر پیگیری و مقاومت شدید زحمتکشان روستاها ، قاسملو مجبوره عقب‌نشینی شد و زمین‌ها را به صورت اجاره به دهقانان واگذار کرد نکته مهمی که در اینجا باید ذکر کرد این است که در اکثر این زمین‌هایی که توسط دهقانان مصادره شده و یا به صورتی که اشاره رفت از طرف ضدانقلاب مسلح بدانان اجاره داده شده ، بیش از یک سال زراعی روی آنها کار نشده است ، زیرا روشن است برای کار روی چنین زمین‌هایی نیاز به حداقل امکانات جهت کاشت داشت و برداشت از قبیل کود و بذر ، سوخت و وام و ... می‌باشد که در شرایط ویژه کردستان و محاصره اقتصادی و مشکلات وگرانی سرسام‌آور ، دهقانان زحمتکش به هیچ‌وجه قادر به تأمین چنین امکاناتی نیستند و بخصوص حضور ضدانقلاب مسلح این امکان را نیز از آنان سلب کرده است که بتوانند همانند دهقانان دیگر مناطق کشور از کمک‌ها و یآوری‌های ارگان‌های انقلابی نظیر جهادسازندگی و هیئت‌های هفت نفره بهره‌مند شوند. به همین جهت حرکت‌های انقلابی دهقانان در جهت مصادره زمین‌های بزرگ‌مالکان حداکثر پس از یک سال زراعی در عمل با شکست روبرو شده است این وضع گذشته از تبلیغات و سمپاشی‌های ضدانقلاب و فتوادلها اثرات یاس‌آوری نیز بر روحیه دهقانان باقی گذاشته است فقر و تنگدستی آنها را

در اقداماتی از این دست مواردی را می‌توان ذکر کرد که باند قاسملو زمین‌های خرده‌مالکان را به دلیل مخالفت آنها با اقدامات و سیاست‌های ضدانقلابی ، مصادره کرده و به وابستگان خود اجاره داده است . اما در همان حال در بسیاری از روستاهای تحت نفوذ قاسملو فتوادل‌های خون‌آشام با پشتیبانی همین باند ضدانقلابی با آزادی کامل به استثمار و غارت دهقانان زحمتکش می‌پردازند . تمام تلاش قاسملو بر سر ترس دهقانان برای جلب شدن به سیاست‌های ضدانقلابی و فراهم آوردن امکانات مساعد مادی برای دستجات مسلحش بوده و هست . حجت روشنی که برای اثبات این حقیقت می‌توان ذکر کرد اقدامات سرکوبگرانه‌ای است که باند قاسملو علیه جنبش دهقانان کرد بدان دست زده است که از جمله آن سرکوب دهقانان "گرم" در یانه و حمامیان و "داربسر" در بوکان را می‌توان نام برد . در این روستاها دهقانان کرد برای بهبود وضعیت فلاکت‌بار خود و رهایی از ستم و غارت و استثمار بزرگ‌مالکان در شوراها ی ده متشکل شدند و مبادرت به مصادره اراضی بزرگ‌مالکان و فتوادلها نمودند . اما بلافاصله با سرکوب شدید از جانب باند قاسملو مواحه شدند . شوراها منحل و اعضای فعال آن دستگیر و زندانی شدند و روستائیان مورد ارباب قرار گرفتند . قاسملو در توجیه اقدامات سرکوبگرانه خود خطاب به دهقانان کرد اعلام داشت :

شما دهقانان در این شرایط جز اینکه وحدت !! خلق کرد را بهم بزنید و کاری کنید که دولت

نفاق ملی ، عمده‌ساختن مسئله ملی و تشدید جنگ ضدانقلابی علیه جمهوری اسلامی ایران به منظور براندازی آن ، در مجموع به جنبش دهقانان کرد علیه بزرگ مالکی ضربات جدی وارد آورد و این جنبش را از مسیر خود منحرف ساخت در حالی که جنبش دهقانی کردستان در اوائل انقلاب به سرعت رو به شکوفایی داشت و می‌رفت که پاره‌های دستاوردهای پراکنده را تحکیم بخشد و به صورت یک جنبش وسیع درآید ، به دلیل شرایط یادشده بزودی از مسیر خود منحرف شد و بعدها نیز نتوانست هم‌سطح و پا به پای جنبش انقلابی دهقانان وزحمتکشان روستاها در دیگر نقاط کشور پیش برود و نتیجتاً به حرکات پراکنده و خاص محدود ماند . برای شناخت دقیق جنبش دهقانی کردکردستان بهتر است آن را در دو بخش مورد بررسی قرار دهیم :

### جنبش دهقانان کرد در مناطق تحت نفوذ ضدانقلاب

ضدانقلاب مسلح و عمدتاً باند ضدانقلابی قاسملو، در مواردی به دلیل خصومت و خرده‌حساب‌هایی که با فلان زمیندار بزرگ ، فتوادل و یا خرده‌مالک داشت و یا پیدا می‌کرد زمین‌هایشان را به اصطلاح مصادره و در اختیار روستائیان طرفدار خویش قرار داد . شکل واگذاری این زمین‌ها ، بیشتر به صورت اجاره ( ۱۰ - ۲۰ ) یعنی اخذ ۲۰ درصد محصول بوده است . هدف ضدانقلاب مسلح و عمدتاً باند ضدانقلابی قاسملو از این کار ، اساساً نفوذ سیاسی در میان روستائیان و تأمین مالی باندها و دستجات مورد نظر خود بود .

در طول نزدیک به سه سالی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد ، کردستان این پاره پلازده میهنمان درگیر یکی از تلخ‌ترین و غم‌انگیزترین جنگ‌ها و تصادمات داخلی بوده است . اثرات نامطلوب این جنگ‌ها بر روند تثبیت و تعمیق انقلاب و برزندگی سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی مردم رنج‌دیده این خطه ، به‌ویژه دهقانان زحمتکش کرد ، حقیقتی آشکارتر از آن است که به توضیح نیازمند باشد . درحالی‌که در اکثر نقاط کشور مساله مبارزه با بقایای فتوادل‌یسم و بطورکلی بزرگ مالکی محور اصلی مبارزات دهقانان بود ، در شرایطی که اجرای بندهای " ج " و " د " قانون اصلاحات ارضی به خواست همگانی و مشترک دهقانان میهنمان تبدیل شده بود ، و حول این شعار میلیونها زحمتکش روستا و همه دهقانان میهن علیه بزرگ مالکی به مبارزه برخاسته بودند ، بیچیدگی اوضاع سیاسی و برجسته‌تر شدن و لاینحل ماندن مساله ملی در کردستان به جنبش دهقانان کرد علیه بزرگ مالکی آسیب جدی رساند و به آن ویژگی‌های معینی بخشید . حضور وسیع ضدانقلاب مسلح ، زد و بند آشکار باند قاسملو و جریان مائوئیستی کومه‌له با سران ایلات و عشایر ، فتوادلها و خوانین کردستان و سراسر کشور مانع از رشد و اعتلای جنبش دهقانان کرد گردید . سرکوب جنبش دهقانان کرد علیه بقایای فتوادل‌یسم و کلا بزرگ مالکی ، ممانعت از فعالیت ارگان‌های انقلابی در روستاها تحت فشار گذاشتن نیروهای سازمان و حزب توده ایران و ممانعت سرکوبگرانه فعالیت‌های انقلابی آنان دامن‌زدن به خصومت و

گسترش داده سردرگمی آنها را باعث شده و آنها را به طعمه‌هایی مناسب جهت اعمال جنایتکارانه ضدانقلابیون رنگارنگ در منطقه تبدیل کرده است . روشن است تا زمانی که حاکمیت جمهوری اسلامی در منطقه برقرار نشود این مشکل حل نخواهد شد ، لذا تبلیغات و روشنگری‌های نیروهای انقلابی و ارگان‌های مردمی در رابطه با دهقانان زحمتکش این مناطق باید علاوه بر مساله ضرورت مصادره زمین‌های زمینداران بزرگ و فتوادلها و روشن‌ساختن این مساله نیز باشد که بدون کوتاه کردن دست ضدانقلاب و استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی دهقانان قادر به تأمین امکانات کشت و بهره‌برداری از این زمین‌ها نخواهند بود اما درک و پذیرش این امر طرف دهقانان نیاز به تجدیدنظر کلی در ارزیابی‌های جمهوری اسلامی نسبت به مساله ملی در کل کشور خصوصاً در کردستان دارد تا آن زمان که حساب زحمتکشان آواره و در بدر خلق کرد از دار و دسته‌های ضدانقلاب و جنایتکار جدا نشود . تا آن زمان که بر بستر عنینت موجود در منطقه طرحی به اجرا در نیاید و واقعیات ، مورد توجه قرار نگیرد ، راه برای سردم‌فروشی‌های ضدانقلاب مسلح همچنان باز خواهد بود چرا که بیاد داشته باشیم دولت لیبرال موقت نیز به نام جمهوری اسلامی به حمایت و مسلح کردن خوانین و فتوادلها پرداخته بود . اکنون ارگان‌ها و نهادها انقلابی باید در عمل نشان دهند که سیاست آنها در قبال مسائل ارضی و ملی همان سیاست دولت موقت نیست و آنها بطور جدی از زحمتکشان روستاهای کردستان در مقابل فتوادلها خوانین و ضدانقلاب مسلح دفاع خواهند کرد . مسلماً پیش‌سرد این سیاست واقع‌بینانه که ضرورتاً باید با در نظر گرفتن خواست‌های منطقی و اصولی توده‌های خلق کرد همراه باشد ، روندی طولانی است که احتیاج به کار گسترده ، فیه در صفحه ۸

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بقیه از صفحه ۷

### دهقانان کردستان برای . . .

صمیمانه و بدون وقفه و اتحاد عمل با نیروهای معتقد به انقلاب خواهد داشت که هم اکنون جلوه‌هایی از آن در اطراف سنندج، دیواندره و سقز دیده می‌شود.

پ: جنبش دهقانان کرد در مناطق تحت حاکمیت جمهوری اسلامی:

بعد از درگیری‌های خونین بهار ۵۹ که سرانجام منجر به استقرار حاکمیت دولت در مناطق سنندج، دیواندره و سقز می‌شود، بانو و کامیاران گردید، برای ارکان‌های انقلابی خیلی زود روشن شد که برخلاف نظر و تبلیغات لیبرال‌ها، فتوای این مناطق نه تنها از دوستان انقلاب و اسلام مردمی امام خمینی نیستند بلکه در صف بدترین دشمنان آن نیز قرار دارند. به همین جهت سرپا اقدام به شناسایی فتوای ودالها و مقدار زمین‌هایشان نموده و حتی تئو چند از آنان را دستگیر و زندانی کردند. مدتی بعد در سنندج هیات هفت نفری واگذاری زمین تشکیل شد که در ماههای اولیه به تماس نزدیکتر با دهقانان زحمتکش و تحقیق و بررسی در روستاها جهت شناسایی مالکان بزرگ پرداخت و در بخشی از روستاها نیز شوراهای اسلامی تشکیل داده زمین‌های تئو چند از فتوای ودالها را مصادره و در اختیار دهقانان قرار دادند اما از آنجایی که این اقدامات انقلابی و مردمی منافع خوانین و موجودیت ضدانقلاب مسلح را در معرض تهدید جدی قرار داده بود باند قاسطو و کومهله و دیگر دستجات مسلح ضدانقلابی علیه هیات‌های هفت نفری مبارزه جنایتکارانه‌ای را آغاز کردند و علیه آنها دست به جنایات تازه‌ای زدند که قتل جنایتکارانه دو تن از اعضای هیات هفت نفره سنندج یک نمونه آن است. زیر تاثیر اعمالی از این قبیل متأسفانه هیات اعلام کرد که تا برقراری امنیت در منطقه و همکاری فعال روستائیان با نیروهای جمهوری اسلامی کار خود را تعطیل خواهند

توانست نظر دهقانان را در رابطه با تحویل مازاد محصولات به سیلوا جذب کرده و از استقبال نسبی آنان برخوردار گردد.

دهقانان کرد متشکل می‌شوند

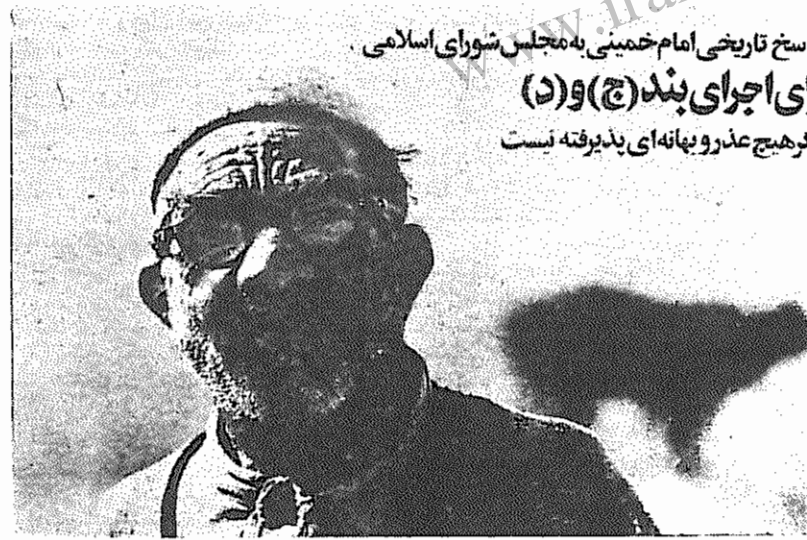
تشکلهایی را که در روستاهای این مناطق وجود دارد، می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: اول و مهتر از همه شوراهایی که توسط خود دهقانان و در رابطه با مصادره اراضی بزرگ مالکان بوجود آمده‌اند. این شوراهای تحت شدیدترین فشارهای ضدانقلاب مسلح به‌ویژه باند قاسطو قرار دارند و به عناوین مختلف از جمله همدستی با دولت به اصطلاح "تضعیف صفوف خلق کرد" و "اتهامات گوناگون دیگر سرکوب می‌شوند و از نفوذ آنها در میان روستائیان با روش‌های سرکوبگرانه جلوگیری بعمل می‌آید. این شوراهای عمدتاً از دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین تشکیل شده اما برای پیشبرد کارشان محتاج به تایید ریش‌سفیدان ده که بیشتر از دهقانان مرفه

هستند می‌باشند. دوم شوراهایی که از طرف روستائیان و با توصیه ارکان‌های انقلابی نظیر جهاد و سپاه تشکیل شده و فعالیت‌هایش بیشتر در عرصه توزیع احتیاجاتی از قبیل سوخت و ارزاق عمومی می‌باشد بیشتر افراد این شوراهای از طرف ریش‌سفیدان و روحانیون ده انتصاب شده‌اند و غالباً تحت فشار ضدانقلاب مسلح قرار گرفته و متهم به همکاری با دولت هستند.

سوم شوراهایی است که از طرف باند ضدانقلاب مسلح و از عوامل آنها تشکیل شده‌اند این شوراهای در مناطق تحت نفوذ ضدانقلاب شکل گرفته است. وظایف این شوراهای ظاهراً رسیدگی به امور روستا و در واقع بسیج دهقانان زحمتکش برای مقابله با جمهوری اسلامی خریداری اسلحه، جمع‌آوری مالیات و بطور کلی پیشبرد سیاست‌های ضدانقلاب می‌باشد. ترکیب طبقاتی این شوراهای از دهقانان مرفه و متوسط که عمدتاً فریب‌خوردگان و یا از عوامل ضدانقلاب‌اند، تشکیل شده است.

در پایان باید روی این مسأله تأکید نمود که در شرایط کنونی که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی با کمک نیروهای مردمی و انقلابی کردستان تا حدود زیادی توانسته‌اند ضدانقلاب مسلح را به عقب رانده و بخش‌های وسیعی از کردستان را تحت حاکمیت انقلاب درآورند، اقدامی سریع و بی‌وقفه از طرف دولت در جهت تجدیدنظر در سیاست برخورد با مسأله ملی رفع محاصره اقتصادی کردستان که فشار آن بیش از همه بر دوش زحمتکشان کرد قرار دارد، مبارزه قاطع با فتوای ودالها و بزرگ‌زمینداران و اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی تا مبنی هرچه سریع‌تر امکانات کشت برای دهقانان و انجام اقدامات وسیع رفاهی و عمرانی توسط جهاد اولین و ضروری‌ترین گام‌هایی است که باید در جهت رفع ستم سالیان و کاهش رنج‌های بی‌شمار این خلق ستمدیده و محروم و وحدت صفوف خلق‌های ایران علیه امریکا و عوامل گوناگون آن برداشته شود.

با پاسخ تاریخی امام خمینی به مجلس شورای اسلامی  
برای اجرای بند (ج) و (د)  
دیگر هیچ عذر و بهانه‌ای پذیرفته نیست



دهقانان زحمتکش:

با افزایش تولیدات خود کشتزارها را به سنگری دیگر

علیه امپریالیزم امریکا و رژیم جنایتکار صدام تبدیل کنید

اما علیرغم همه این وقایع و تصمیمات هیئت‌های هفت نفره جنبش دهقانی این مناطق رو به اعتلاء است در محور سقز - بوکان چندی پیش ارکان‌های انقلاب دست به مصادره و واگذاری حدود ۲۰۰ هکتار از زمین‌های بزرگ مالکان منحل‌ه اسماعیل عباسی پسر عباسی، ستانور انتصابی شاه، زدند و بطور کلی می‌توان گفت که پس از استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی در این مناطق فعالیت ارکان‌های انقلابی به صورت تشکیل هیات‌های هفت نفره عمدتاً از عناصر بومی و شوراهای اسلامی در روستاها که این شوراهای جهت تأمین و توزیع سوخت و ارزاق عمومی و اقدامات عمرانی مثل تعمیر و ساختن راه‌های روستایی حمام، مدرسه درمانگاه و غیره فعالیت دارند متمرکز بوده است. اقداماتی نظیر توزیع (گرچه محدود و ناکافی) امکانات کشت مثل بذر، کود سوخت و ام و در اختیار گذاشتن تراکتور و کمباین از طریق شوراهای نیز عملی می‌گردد. همچنین این نکته قابل ذکر است که امسال به علت بارندگی بموقع و به میزان کافی، وضع محصولات کشاورزی در کردستان خوب بود و دولت جمهوری اسلامی



پس از تشکیل شورای نظامی نجات ملی و اعلام حالت فوق العاده در سراسر لهستان که به دنبال تشدید حرکات ضدانقلابی رهبران " اتحادیه همبستگی " و گروهک ضدانقلابی " لهستان مستقل " ! صورت گرفت توجه محافل اجتماعی در سراسر جهان بیش از پیش ، به اوضاع لهستان جلب شد . در میان انواع اظهارنظرهایی که در روزهای اخیر در رسانه های گروهی جهان انعکاس یافته است ، دو موضع گیری متضاد کاملاً مشهود است . یکی موضع گیری خصمانه و کینه توزانه محافل امپریالیستی که تلاش دارند با دفاع از اقدامات ضدانقلابی " اتحادیه همبستگی " و دامن زدن به تشنج اوضاع در لهستان زمینه مناسبی جهت پیشبرد سیاست های جنگ طلبانه و تجاوزکارانه امپریالیسم در سراسر جهان ایجاد نمایند و روند مبارزه در راه صلح و تشنج زادایی و تأمین حقوق ملت ها را که جامعه کشورهای سوسیالیستی بزرگترین پرچمدار آن است متوقف و مسایقه تسلیحاتی و گسترش پایگاه های تجاوزکار نظامی امپریالیسم را تشدید نمایند دیگری موضع آن دسته از کشورها و محافل اجتماعی است که ضمن محکوم ساختن اقدامات مداخله گرانگانه امپریالیسم آمریکا و متحدین اروپائیش در امور داخلی لهستان از اقدامات قانونی دولت جهت سرکوب ضدانقلابیون " اتحادیه همبستگی " و استقرار قانونیت و بازگرداندن اوضاع به حال عادی قاطعانه پشتیبانی کرده و در شرایط موجود آن را یگانه راه حل برای جلوگیری از سقوط لهستان بدمان ارتجاع بین المللی می دانند .

بر اساس خبرگزاری پاپ لهستان اوضاع در اکثر مناطق لهستان به حالت عادی در می آید . مامورین انتظامی در مقابل با عناصر ضدانقلابی بیش از پیش از همکاری زحمتکشان برخوردار می شوند در کرانه دریای بالتیک و برخی نواحی دیگر وخامت اوضاع بطور کلی از بین رفته است . اکثریت قاطع موسسات و نهادها وظایف تولیدی خود را انجام می دهند . در کار تأمین نقد کشور اختلالی مشاهده نشده است . خدمات شهرداری در شرایط دشوار زمستان

که فرامی رسد شرایط ضرور را برای رفاه ساکنان شهرها فراهم می سازند . بر بنیان فرمان اعلام حکومت نظامی ، محرکین آشوب و بلوا به دادگاه های جنایی جلب می شوند . " ماجوسکی " سر دسته گروهک ضدانقلابی " لهستان مستقل " بازداشت گردیده است . وی پیش از این در مصاحبه با مجله اشپیکل چاپ آلمان غربی اظهار داشت بود که کفدراسیون او هدف خود را

دستورهایی برای جنگ پارتیزانی در صورت اعلام حکومت نظامی بود که می بایست به جنگ همگانی کشانده شود نویسندگان این دستورالعمل اقدامات ترور افراد و قتل آنها را یکی از اشکال مبارزه مسلحانه نامیده اند . بنا به دستور همبستگی در صورتی که نیروهای انتظامی به محوطه موسسات داخل شوند می بایست یاریکاد ساخت و موسسات را به آتش کشید !

واکنشی نسبت به اعلام حکومت نظامی در آن کشور است " ریگان سردسته جنایتکاران امریکایی که با علاقه تمام وقایع لهستان را تعقیب می کرد و معتقد بود که این وقایع ضربه ای بر پیکر کمونیسم جهانی است ، اخیراً از سرگاردن شورای نجات ملی اظهار ناراحتی و نگرانی کرده است ! متحدین امپریالیسم آمریکا در اروپا و سایر نقاط جهان نسبت به رویدادهای لهستان

کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه از اقدامات قانونی دولت لهستان پشتیبانی می کنند

در مقابل اقدامات تحریک آمیز و مداخله گرانه امپریالیسم آمریکا و سایر متحدین آن علیه اقدامات قانونی دولت لهستان برای جلوگیری از جنگ و خونریزی در کشور ، موج پشتیبانی کشورهای سوسیالیستی و نیروهای ترقیخواه جهان از اقدامات لهستان رو به افزایش است . روزنامه ترورد ارگان اتحادیه های کارگری شوروی از کارگران لهستان خواست با تروریسم اعتصاب " اتحادیه همبستگی " مقابله نمایند . ترود ضمن تقیح زمینه های از دست داده به وسیله اتحادیه های غیر ارگان کارگران لهستان خواست است برای بهبود اوضاع اقتصادی فلج شده کشور دست در دست هم دهند . دولت شوروی ضمن پشتیبانی قاطع از اقدامات دولت یاروزلسکی اعلام نمود : این اقدام برای جلوگیری از جنگ داخلی لهستان و پایان دادن به خشونت نیروهای ضد سوسیالیست در این کشور ضروری بوده است

دولت های مجارستان و چکسلواکی حمایت خود را از اقدام دولت لهستان اعلام داشتند . دولت یوگوسلاوی در نخستین واکنش رسمی در قبال رویدادهای لهستان اظهار امیدواری کرد که ملت لهستان و کادر رهبری این کشور قادر باشند در میان خود یک راه صلح آمیز مسائل داخلی شان بیابند . احزاب کمونیست پرتغال و فرانسه اقدامات قانونی دولت لهستان را مورد پشتیبانی قرار دادند . اومانیته ارگان حزب کمونیست فرانسه نوشت : زیاده طلبی های اتحادیه همبستگی امید ( امید برای حل تفاهم آمیز مشکلات ) را که در لهستان بوجود آمده بود از بین برد

### بازتاب رویدادهای لهستان در مطبوعات ایران

تاکنون دولت جمهوری اسلامی ایران از موضع گیری رسمی پیرامون رویدادهای لهستان خودداری کرده است

## دشمنان انقلاب ایران از ضد انقلابیون لهستان حمایت می کنند

همان واکنش خصمانه آمریکا را دنبال می نمایند . پارلمان اروپا پنجشنبه گذشته به پیروی از کنگره آمریکا با صدور قطعنامه ای خواستار لغو حکومت نظامی در لهستان شد . همچنین پارلمان آلمان غربی طی تصویب قطعنامه ای از مسئولان نظامی لهستان خواست افراد بازداشت شده را آزاد نمایند . این قطعنامه همچنین لهستان را به قطع کمک مالی تهدید کرده است . پس از انتشار خبر بازداشت "لخ والس" وزارت امور خارجه آمریکا خواستار آزادی وی شد .

برونو کرایسکی صدراعظم اتریش و از حامیان سرسخت صهیونیسم در اروپا اظهار داشت که اوضاع لهستان کنونی شدیدترین تهدید برای صلح جهانی از زمان جنگ دوم به بعد است ! سوزوکی نخست وزیر ژاپن در مورد رویدادهای لهستان گفت : ممکن است ژاپن مجبور شود کمک اقتصادی خود به لهستان را مورد بررسی مجدد قرار دهد . دولت استرالیا نیز در همین رابطه اعلام نمود که اعتبار ۱۲۵ میلیون دلاری لهستان تا فرارسیدن آرماس و سر وسامان گرفتن اوضاع در این کشور و عدم مداخله شوروی به حالت تعلیق در خواهد آمد .

در روزهای گذشته ضدانقلابیون " اتحادیه همبستگی " کوشیدند شهرهای " گدانسک " و " کاتوویس " را به آشوب بکشانند . آشوبگران به نمایندگان نیروهای نظامی حمله ور شدند در نتیجه اقدامات جهت سرکوب آشوبگران در کاتوویس هفت نفر غیرنظامی کشته و ۳۹ نفر مجروح شدند . در گدانسک نیز ۱۶۰ نفر از ماموران انتظامی و ۱۶۴ نفر غیرنظامی در نتیجه آشوبها مجروح شدند .

### انعکاس وقایع لهستان در کشورها و محافل امپریالیستی

کنگره آمریکا در نخستین واکنش در قبال رویدادهای لهستان با تصویب قطعنامه ای برقراری حالت فوق العاده را با وجود اینکه شورای دولتی خلق لهستان این اقدام را مطابق قانون اساسی بعمل آورده محکوم نمود ! قطعنامه کنگره آمریکا به خوبی ثابت می کند که واشنگتن دلش می خواست سیر حوادث لهستان را در جهت رویارویی و خونریزی سوق بدهد . و همچنین نمایشگر آن است که توسعه احیاء قانون و نظم و آرامش در لهستان باب طبع کنگره آمریکا نیست متعاقب آن چارلز بری سی رئیس کمیته روابط خارجی سنای آمریکا اعلام نمود : آمریکا ارسال مواد غذایی برای لهستان را قطع کرده است و این اقدام

در این می بیند که در لهستان به حکومت کمونیست ها پایان داده شود در آخرین جلسات همبستگی در " رادون " و " گدانسک " در بسیاری از نقاط از گذر به مرحله قطعی بدست گرفتن حکومت صحبت می شد . " مایوسکی " یکی از رهبران همبستگی ورشو می گفت و قتش فرارسیده به مذاکرات با دولت پایان داده شود . " گولای " سردسته همبستگی دهات گفته بود حکومت هنوز نفس می کشد ما باید دهانش را ببندیم این وقت کارش تمام می شود . " رولسکی " سردسته همبستگی شهر " بوگدوش مدعی بود به هیچ وجه نباید با سازمان دادن توافق ملی موافقت کرد او می گفت مبارزه برای بدست گرفتن حکومت باید با رویارویی مسلحانه پایان یابد روزنامه " ژوتربولنسکی " مدارکی درج کرده است مبنی بر اینکه افراطیون عضو " اتحادیه همبستگی " برای براندازی حکومت و ترور مسلحانه آماده می شوند این روزنامه قسمت هایی از دستورالعملی را که نیروهای نظامی ورشو در مرکز " اتحادیه همبستگی " بدست آورده اند ، چاپ نموده است در این دستورالعمل منجمله دستور داده شده بود که سربازان باید افسران خود را برکنار کنند و در اولین فرصت بطور مسلحانه در نزدیکترین شعبه همبستگی حاضر شوند . دستورالعمل شامل راهنمایی ها و

\*

## کمیته‌های ایالتی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اقدام نفاق افکنانه و توطئه‌گرانه کشتگر-هلیل رودی را محکوم می‌کنند

همانگونه که در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان اعلام شده است عناصری که به سرپرستی علی‌کشتگر و دوست او دکتر هلیل‌رودی علیه سازمان به اقدامات توطئه‌گرانه دست زده‌اند که برای اینکه بتوانند عنوان "سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" را به سود خود جعل کنند، و این توهم را در اذهان بوجود آورند که گویا موفق شده‌اند سازمان را بشکنند به این دروغ بزرگ متوسل شده‌اند که گویا کمیته‌های ایالتی سازمان نمایندگانی انتخاب کرده‌اند و برای شرکت در این توطئه به تهران فرستاده‌اند. این یک دروغ عاقرانه و مضحک است این عناصر نه کمیته مرکزی را از اهداف و نقشه‌های خود مطلع ساخته‌اند و نه هیچیک از کمیته‌های ایالتی سازمان را. کمیته‌های ایالتی همصدا با کمیته مرکزی سازمان در سراسر ایران این شیوه توطئه‌گرانه و ماهیت ضدانقلابی عدل این عناصر را محکوم می‌کنند.

### اعلامیه کمیته ایالتی تهران

توطئه نفاق‌افکنانه‌ای که علیه سازمان فدائیان خلق ایسراسر (اکثریت) طرح و در جریان اجرا شکست خورد. اقدامی نلیسه منافع و وحدت مردم و در راستای مظالم و منافع محافل امپریالیستی است این اقدام توطئه‌گرانه درست در لحظاتی صورت می‌گیرد که نطفه‌های توطئه جدید امریکا برای تحریک دیگر کشورهای ارتجاعی منطقه به مداخله مسلحانه به مین انقلابی ماو تشدید اقدامات قهرآمیز برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران در حال شکل‌گیری است.

در چنین شرایط بسیار خطیر، جدی، حساس و در آستانه شکل‌گیری نطفه توطئه جدید دشمنان خارجی و داخلی انقلاب است که دسته هلیل‌رودی - کشتگر با برافراشتن پرچم‌های دروغین تخم تفرقه و نفاق می‌افشانند، اعتماد مردم را به سازمان‌های انقلابی می‌شکنند در کنار مرتدین کهن، برچندار نوین صدمیت با جنس کمونیستی ایران می‌شوند...

چه کسانی از توطئه‌آنان شاد و چه نیروهایی از اقدام ضدانقلابی آنان زبان می‌بینند؟ انقلاب بزرگ ایران این آموزش جدی را به مردم داده است که افراد و نیروها براساس کردار و ماهیت حامیانشان مورد قضاوت قرار می‌گیرند نه بر اساس گفته‌هایشان. ما به عناصر صادقی که در دام توطئه‌گران افتاده‌اند، هشدار می‌دهیم و به آنان اخطار می‌کنیم که حمایت بایک‌زهرایی، آغاز سلسله اقدامات حمایت‌کننده‌ای است که طراحان توطئه پیش رو دارند، بدون شک پاریس‌نشینان فراری، راست‌گرایان مذهبی، و احزاب نوپسان و انجمن‌نشینان مهدیه و حجتیه آماده‌اند به استقبال بیابند.

### اعضا و هواداران سازمان!

به دور کمیته مرکزی رزمنده و پرافتخار سازمان حلقه زینم و از کوشش‌های مجدانه آن در راه افتخار و سرکوب توطئه‌های امپریالیسم و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران قاطعانه حمایت کنیم. به دور کمیته مرکزی پرافتخار سازمان گردآئیم و از تلاش‌های سانه‌روزی آن در راه نامی صفوف سازمان و پاکیزگی آن در راه شکست کسامل اهداف توطئه‌گران و نفاق‌افکنان، در راه رهانیدن در دام‌افتادگان و بازگرداندن آنان به سنگر انقلاب و سنگر سازمان و در راه ارشاد تنگ‌نظران کم‌کرده راه با ایمان استوار و عزم آهنین حمایت کنیم.

کمیته ایالتی تهران  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۶ آذرماه ۱۳۶۰

### اعلامیه کمیته ایالتی خوزستان

اخیرا عده معدودی از اعضا، شاخه خوزستان که به دروغ نام "سازمان فدائیان خلق ایران - شاخه خوزستان" بر خود نهاده‌اند، با انتشار اعلامیه‌ای تحت عنوان "بیانه ۱۶ آذر..." گامی تاریخی در راه وحدت اصولی... حمایت حویبی را از فراکسیونست‌ها (دار و دسته کشتگر - هلیل‌رودی) اعلام کردند. اعمال فراکسیونیستی و سازمان‌شکنانه اس بازی‌خوردگان که از ماهها پیش دور از جسم اعضا و رهبری شاخه خوزستان داشت. سرانجام با حمایت آنان از مواضع جدایی‌طلبانه هلیل‌رودی - کشتگر به ایام ناخوشبار خود رسید.

فراکسیونست در سازمانی انقلابی و بیرولتی، آن هم در چنان لحظات حساس و سرنوشت‌سار، حرکت از موضعی راست و خدمت به دشمنان انقلاب است. جدایی و تکلیف در سازمان‌های انقلابی و بیرولتی شیوه‌ای است که تنها و تنها کام دشمنان انقلاب و دشمنان طبقه کارگر را سرس می‌کند.

گرایشی که در صف رزمنده یکی از سرگرتیس مدافعین انقلاب شکاف می‌اندازد. نیروها را از سنگر مبارزه سرون می‌کند. از یکبار با دشمن بار می‌دارد و آنان را به بحث پیرامون غیرواقعی‌ترین و نارواترین تحریقاتی که خود ساخته و پرداخته می‌کند، در چنین لحظات سرنوشت‌ساری، مسلما گرایشی انقلابی نیست. بیایه نفاق‌افکنان و سازمان‌شکنان در حالی مدعی تشکیل اجلاسی مرکب از نمایندگان کادرهای رهبری ایالات و از آن‌جمله کمیته ایالتی شاخه خوزستان شده‌اند که کمیته ایالتی شاخه خوزستان کم‌ترین اطلاعی از وجود این خاصصلاح اجلاس نداشته است.

ما همه اعضا و هواداران را به تحکیم وحدت رزمنده خویش در جهت پیشبرد مواضع اصولی سازمان فرا می‌خوانیم. ما همه اعضا و هواداران را فرا می‌خوانیم با هرچه بیگیتر به انجام وظایف خطیر انقلابی خویش در مبارزه با دشمن به دفاع از انقلاب اهتمام ورزید.

کمیته ایالتی خوزستان - سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
بیست و هشتم آذرماه ۱۳۶۰

## اطلاعیه هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

طبق قطعنامه پلنوم ۲۰ آذر ۱۳۶۰ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق (اکثریت) به هیبت‌الله معینی چاغروند عضو کمیته مرکزی سازمان و علی‌محمد فرخنده‌جهرمی ملقب به کشتگر مشاور کمیته مرکزی یک هفته فرصت داده شده بود که به‌عواقب وخیم اقدامات نفاق‌افکنانه و توطئه‌گرانه خود بیانده‌بشد و از راهی که می‌روند برگردند و در سازمان راه غلبه بر اشتباهات، ضعف‌ها و انحرافات فکری خود را درپیش گیرند. متاسفانه نامبردگان به این دعوت توجهی نکردند و در ادامه راهی که می‌روند اصرار ورزیدند و نشان دادند که خود را شایسته این احساس مسئولیت و این حد از اعتمادی که سازمان نسبت به آنها ابراز می‌دارد نمی‌دانند.

هیات سیاسی کمیته مرکزی بنا به مسئولیتی که کمیته مرکزی برعهده وی

هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
شبیه  
۲۸ آذرماه ۱۳۶۰

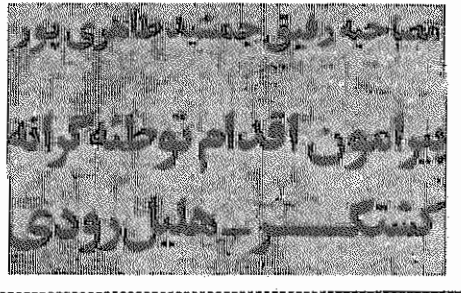
داخل به سوی رهبری سازمان و حزب توده ایران است. این عوضی گرفتن جنبه و صریحتر بگویم منحرف کردن نیروها از جنبه اصلی مبارزه است آنچه که کشتگر و هلیل رودی از زبان عمل خود فریاد می‌زنند آن است که نیروهایمان را از مبارزه ضدامپریالیستی خارج کنیم و سازمان را در این جنبه منحل اعلام کنیم. از وظایفی که در عرصه پیکار ضدامپریالیستی و طبقاتی کنونی داریم دست بشوئیم و به آن کاری مشغول شویم که خیلی مورد علاقه این آقایان است: درازگویی و بحث و جدل‌های بی سرانجام و در یک کلام تبدیل سازمان از یک گردان رزمنده پیشاهنگ طبقه کارگر به مجمع و باشگاه بحث‌های روشنفکرانه و آکادمیک؟!

این توطئه، که عملاً اخلال در شرکت سازمان در پیکار ضدامپریالیستی و طبقاتی جاری است بطور قاطع در کل تشکیلات با شکست جانانه‌ای روبرو شد با اینکه آنها در خوزستان جایی که بیش از هر زمانی شرایط مصلحتی که مافعالتر از همیشه در پیکار با تجاوزگران آمریکایی - صدامی شرکت کنیم، موفق شدند تیراز ارگان سازمان را به

حداقل برسانند کوشیدند تعدادی از رفقا را در درون اتاق‌ها و با بحث‌های روشنفکرانه سرگرم کنند و از مبارزه بازدارند. آنها رفقای ما را به‌ویژه در خوزستان و اصفهان و می‌داشتند که در کورار مبارزه حاد طبقاتی به سر و کله یکدیگر بزنند و بخود بقولانند که الیانسکی و پونوماریف دو جناح در حزب کمونیست شوروی هستند که با هم اختلاف دارند. جالب است اگر به شما توجه بدهم که دعوی این آقایان با ما خیلی شبیه دعوی بنی‌صدر با اسام خمینی و پیروان عدیق او است. بنی‌صدر هم که تازه پس از پیروزی انقلاب سر و کله‌اش در میان نیروهای پیرو خط امام پیدا شده بود، وقتی که دید نمی‌تواند جلوی پیشرفت انقلاب را بگیرد، وقتی همه تیرهایش علیه خط امام به سنگ خورد، آمد و گفت باید رفتارندوم بشود، تا معلوم شود مردم خط امام را قبول دارند یا من را، غافل از اینکه توده‌های میلیونی مردم خط امام را در عرصه پیکارهای سنگین از جانبازی‌های ۱۵ خرداد تا قهرمانی‌های بی‌نظیر میدان شهدا، از آزمون‌های سخت روزهای قیام تا روزهای تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا از روزهای درهم شکستن توطئه طیس و نوزه تا روزهای جنگ تحمیلی آمریکایی - صدامی و... شناخته و آن را پذیرفته‌اند.

کشتگر - هلیل رودی هم همین داستا، بنی‌صدر را می‌کوشند در سازمان پیاده کنند، گفتند سازمان ما هستیم، ا کمیته مرکزی منحل. بایند در کنگره تعیین تکلیف کنیم و خوشترگی‌هایی از این قبیل، آنها فراموش کرده‌اند که این سازمان و رهبری آن در چه مسیر سخت و پرتاب و تابی ساخته و شناخته شده است آنها این حقیقت را می‌خواهند عمدا فراموش کنند که این رهبری در روزهای پرشکوه قیام در فرجام پیروزمند نبرد با اقلیت، در بزانبو در آوردن مدافعان جنگ کردستان، در رسوا ساختن و منزوی کردن طرفداران تر "ارتجاع حاکم" در ورشکست ساختن دشمنان انترناسیونالیسم، در دستاوردهای پلنوم آذر ماه ۵۹، اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰، شناخته و برگزیده شد

من یادم می‌آید که نخستین آموزشی که به ما در آن سالهای ۵۰ - ۵۱ در سازمان می‌دادند توجه به مردم و پای‌بندی به مصالح آنها بود. برای فدائیان خلق (اکثریت) این آموزش همواره یک منبع و مایه الهام بوده است، ما نشان داده‌ایم که هرگاه چیزی را در خود مفایر



پس از توضیحات رفیق فرخ نگهدار پیرامون برخی جنبه‌های انحراف فکری کشتگر - هلیل‌رودی و همفکران که با انتشار جزوه‌ای سازمان را ترک گفته‌اند رفیق جمشید طاهری بپور عضو هیات سیاسی و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مصاحبه با نشریه گار در پاسخ به سئوالات طرح‌شده از جانب هیئت تحریریه گار جوانب دیگری از مواضع رهبری سازمان را در قبال عمل توطئه‌گرانه و نفاق‌افکنانه کشتگر - هلیل‌رودی توضیح داد.

ما مدافع "وحدت اصولی" هستیم و در راه تأمین وحدت دست به این کار زده‌ایم، چطور است که از سازمانتان جدا شدید و در برابر آن بساط پهن کردید. مردم می‌پرسند شما که می‌گویید ما برای وصل کردن آدمیم چرا کارتان همایش شده است فصل کردن؟!

مردم ادعای وحدت‌طلبی آنها را دروغین می‌دانند. زیرا می‌بینند بعضی آنکه با رفقایشان اختلاف پیدا کردند بدون کمترین تحملی، دار و دسته درست کردند، علیه رهبری و سازمانشان دست به کاری زدند که شناخته شده‌ترین دشمنان طبقه کارگر به آنها "صدآفرین" می‌گویند. مردم بدستی به آنها می‌گویند شما که نتوانستید چند ماه رفقایان را به دلیل اختلافاتی که با آنها پیدا کرده بودید تحمل کنید، چطور می‌خواهید وحدت همه پیروان طبقه کارگر و وحدت همه مردم را تأمین کنید؟ مردم نه تنها حرف آنها را باور نمی‌کنند، بلکه به آنها می‌گویند شما عملاً تیغ دشمن را تیز می‌کنید!

مردم متوجه‌اند که چه کسانی اختلاف و چنددستگی را دامن می‌زنند و چرا دامن می‌زنند. مردم این سخن اسام خمینی را قبول دارند که گفته است حالا که دشمنان انقلاب از هر کاری مایوس شده‌اند می‌خواهند اختلاف بیاندازند مردم می‌بینند آنچه این آقایان در سازمان ما انجام دادند، در عمل عین همان کاری است که تفاله‌های آمریکا در درون نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی انجام می‌دهند. این البته عمق بیوستگی سازمان را با انقلاب نشان می‌دهد. سازمان اکثریت آنچنان با انقلاب ایران پیوند خورده است و آنچنان جز جدایی‌ناپذیر این انقلاب است که هرگونه توطئه علیه انقلاب ایران به شکلی متوجه سازمان ما نیز هست.

بیا قید قدری مشخص‌تر و با منطق ساده دو دوتا، چهارتا به عمل این آقایان نگاه بکنیم، علاوه بر آنچه گفتیم اینها بجای آنکه حساسیت موقعیت را درک کنند و از همه دعوت کنند که همه قلم‌ها و مسلسل‌ها را بیش از پیش به سوی آمریکا و پایگاه‌های داخلی آن نشانه روند، دعوت کرده‌اند که با تمام نیرو علیه حزب توده ایران و سازمان ما بجنگند و خودشان نیز اولین تیرها را شلیک کرده‌اند. این یعنی آنکه به جای پرداختن به وظایف سیاسی و انقلابی که به‌ویژه در این مرحله برعهده ماست، بی‌اثرب روی یکدیگر تیغ بکشیم. این دعوت به مبارزه با آمریکا نیست، برگرداندن سمت و سوی مبارزه به

سؤال - در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان عمل کشتگر - هلیل‌رودی توطئه‌گرانه توصیف شده است در این مورد چه توضیحی دارید؟

جواب - امروز بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب توطئه نفاق و چند دستگی است، کافی است نگاهی به انقلاب ایران در آن مختصاتی که اکنون داراست بیاندازیم و ببینیم که تا چه پایه شعار محوری امروز انقلاب، شعار وحدت است. در حالیکه اندیشه و کردار کشتگر - هلیل‌رودی و همفکرانشان بطور آشکار در جهت نفاق و پراکندگی و چند دستگی است، آنها در یکی از حساس‌ترین مراحل حیات انقلاب ایران در وضعیتی که انقلاب علیه کلان سرمایه‌داری و بزرگ مالکی خیز برداشته است و غارتگران هر لحظه علیه انقلاب توطئه‌جدیدی سازمانی‌کنند، در شرایطی که انقلاب از هر سو در محاصره آمریکا و ارتجاع منطقه است در شرایط تشدید تجاوزات نظامی از سوی رژیم صدام، در شرایطی که امکان تجاوز آمریکا و مزدورانش از کشورهای ارتجاعی مجاور یک احتمال جدی و واقعی است زیر شعار "وحدت اصولی" ! علم دشمنی و مقابله آشکار با پیگیرترین مدافعان انقلاب، حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را برافراشته‌اند.

عصاره بیانیه توطئه‌گران که بدون اطلاع رهبری و کادرها و مسئولین سازمان در ۱۶ آذر انتشار یافت، اندیشه و رهنمود محوری این بیانیه که البته حسب‌المعمول با زوروق‌هایی تحت عنوان "اصول" پیچیده و پوشانده شده است، اشاعه دشمنی با حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می‌باشد. این بیانیه دعوت همگانی به کارشکنی، مقابله و دشمنی با روند برگشت‌ناپذیر وحدت سازمان و حزب است. این واقعیت را با هیچ ترفندی نمی‌توان پوشاند.

ما همراه با مردم در انقلاب آموخته‌ایم که در تحلیل نهایی، صحت و سقم ادعاها را با عمل افراد و جریان‌ها بسنجیم. مردم روی عمل افراد و جریان‌ها دوری می‌کنند و به مصداق دو صد گفته چون نیم کردار نیست، هر چقدر هم بخواهند داد و هوار راه بیاندازند و شعارهای دلپسند بدهند و کلمات و جملات انقلابی بکار برند باز هم عمل توطئه‌گران است که معرف آنهاست.

مردم در عمل کشتگر - هلیل‌رودی تفرقه و پراکندگی و دامن‌زدن به دشمنی و نفاق را می‌بینند مردم از آنها می‌پرسند شما که می‌گویید

بقیه از صفحه ۱۱

### مصاحبه رفیق جمشید طاهری پور

مصالح مردم تشخیص داده‌ایم. این شجاعت را داشته‌ایم که بدون لحظه‌ای درنگ مصالح مردم را بر مصالح گروهی ترجیح داده و اولی را انتخاب کنیم.

کشتگر - هلیل‌رودی این را در شرایطی که یک انقلاب به این عظمت را پشت سر گذاشته‌اند، هنوز نمی‌فهمند و در عمل نمونه برجسته آن کسانی هستند که برای حفظ غلای خود حاضرند چشم بر مصالح مردم و انقلاب فرو بندند. هیچکس نمی‌تواند اثبات کند که صرهمزدن به وحدت سازمان، صرهمزدن به حزب توده ایران صرهمزدن به اعتماد مردم نسبت به جنبش اصلی کارگری، ایجاد تردید نسبت به حقیقت امر وحدت حزب و سازمان مصلحت انقلاب است حالا می‌خواهد هر قدر قسم و آیه بیاورد و اندیشه و عمل نفاق‌افکنانه خود را در زوروق‌های الوان بپسیند این را هیچ آدم عاقل و بی‌سیله پیله‌ای نمی‌تواند قبول کند.

سؤال - بخش مهمی از بیانیه توطئه‌گران توضیح این مسأله است که گویا در سازمان سائترالیزم - دمکراتیک وجود ندارد نظر شما چیست؟

جواب - همواره چنین جریان‌هایی وقتی خود را در اقلیت می‌بینند، وقتی می‌بینند که خطشان را نمی‌خوانند و آن را قبول ندارند، می‌گویند دیکتاتوری است شعار دموکراسی و آزادی انتقاد سومی دهند و از فقدان دموکراسی در درون سازمان می‌نالند. واقعیت این است که منظور این آقایان از دمکراسی، وادار کردن سازمان به بازکردن درهایش به روی هر انحرافی از حمله نظرات انحرافی و نفاق‌افکنانه ایشان است.

در اساسنامه سازمان ما چون هر سازمان اصول کمونیستی سائترالیزم - دمکراتیک با مفهوم نسبی و با دقت علمی تعریف شده است اولین اصل سائترالیزم - دمکراتیک، رعایت انضاط حزبی، اجرای دستورات و تصمیمات حزبی و تبعیت اقلیت از اکثریت است. این آقایان بعضی اینکه با رهبری اختلاف پیدا کردند ا برادما به این طرف به‌ویژه، شروع کردند به دسه‌بندی در درون تشکیلات مخفیانه شروع به سازماندهی کردند از پیشبرد مواضع رهبری سازمان در حوزه‌های تحت مسئولیت خود خودداری کردند و به جای آن مواضع انحرافی خود را تبلیغ و ترویج نمودند.

آنها پرستشنامه‌هایی انحرافی در درون تشکیلات توزیع کردند و رهنمودهایی دادند که چگونه علیه سازمان مبارزه شود رهبری را بی - اعتبار سازند. آنها پنهان از رهبری نظرات خود را تدوین کردند و محفیان در درون تشکیلات توزیع نمودند. دومین اصل سائترالیزم - دمکراتیک انتخابی بودن ارگان‌های رهبری و مسئولین است این اصل نیز در مورد ارگان‌های رهبری بلااستثناء صورت گرفته و در مورد ارگان‌های دیگر نیز غالباً نیز چنین بوده است البته می‌دانید که انتخابی بودن مسئولان به زمان نیاز دارد. تا رفقای که با همدیگر کار می‌کنند.

همدیگر را در تمام جهات با دقت بشناسند این وقت می‌خواهد علاوه بر این سازمانی مثل سازمان ما که از یک دوره کار صد در صد مخفی بیرون آمده است، و یک‌دفعه در فاصله کمتر از ۲ سال تعداد زیادی را در خود بدیرفته است. برای آنکه همه ارگان‌هایی انتخابی شوند به زمان احتیاج است. تنها آدمی که ریگ در کفش دارد این را نمی‌تواند بفهمد. با وجود این سازمان ما در این زمینه نیز با کام‌های بسیار بسیار بلندی به پیش‌رفته است.

سومین اصل، گزارش‌دهی منظم از بالا به پائین و از پائین به بالا است. شما اطلاع دارید که از تمامی قفقنامه‌های پلنوم و مصوبات مرکز همه رفقا اطلاع دارند. ما همواره پس از تقریباً هر پلنومی، گزارش کامل آن را به تشکیلات داده‌ایم. سیستم گزارش‌گیری هم در سازمان ما مقدماتش به پایان رسیده و آخرین تمهیدات و تصمیمات در این زمینه در همین اواخر فراهم آمد آنها تنها بلدندان‌هایم بزنند و لجن بپسراکنند رهبری سازمان همواره از این اندیشه دفاع کرده

آنها می‌توانستند با قبول اساسنامه در سازمان بمانند و مواضع خود را با استفاده از همه امکانات سازمان با سایر رفقای تشکیلات در میان گذاشته و مورد بحث قرار دهند. اما آنها و به آن شکل نفاق‌افکنانه و توطئه‌گرانه سازمان را ترک کردند و در سطح جنبش دست به خرابکاری زدند.

است که تصمیم‌گیری در مورد سرنوشت سازمان در وحدت با حزب توده ایران، منوط به اراده‌ای بالاتر از کمیته مرکزی سازمان است. پای‌بندی بدین امر به هیچ‌وجه به معنای آن نیست که رهبری سازمان خود را در سمرترین عرصه هدایت ایدئولوژیک - سیاسی سازمان در سطح جنبش منحل‌اعلام نماید در حالیکه آنها خواستار انحلال وظایف رهبری در اساسی‌ترین عرصه‌های پیکار بودند.

سائترالیزم - دمکراتیک که آنها ادعا می‌کنند ضد سائترالیزم و ضد دمکراسی است. سائترالیزم دمکراتیک آنها وقتی خواهد پیاده بود. فراکسیسم و منحل‌کردن یک سازمان از آب درمی‌آید.

سائترالیزم - دمکراتیک آنها از مضمون و محتوای انقلابی تهی است و معجوسی است از فردگرایی روشنفکران خرده‌بورژوا به اضافه تلقی لیبرالی از دمکراسی و آزادی انتقاد.

این فکر در عرصه سیاست نیز به آزادیخواهی دروغین نمی‌صدر متمایل بود و در افضای این حقیقت که آزادیخواهی دروغین بی‌صدر و سرکاف، حمایتی است برای سلب آزادی از توده‌های وسیع مردم از خود لرزل نمان می‌داد. دلم می‌خواهد با اسناد به نقل‌قولی از مقاله س - سورولیس " که در شماره چهارم آموزش‌هایی از انقلاب و سوبالیسم تحت عنوان " انضاط حزبی " آمده است پاسخ را به این سؤال شما بیان دهم.

" حزب کمونیست، وحدت اراده و عمل است بنابراین در درون آن هیچ فراکسیون یا گروهی

که سازمان را به فساد گشاند همستگی آن را متزلزل گرداند و کار هماهنگ آن را فلج سازد، نمی‌تواند وجود داشته باشد. حزب در صفوف خود و بالاتر از همه با قانونیت بخشیدن بد این اعمال تحت لوای دروغین "آزادی بحث" قاطعانه مخالفت کرده است"

من به تمام رفقا توصیه می‌کنم که برای درک مضمون و محتوی صدماتینی ادعای توطئه‌گران در زمینه قبول سائترالیزم - دمکراتیک برای فهم دروغین بودن دفاع آنها از سائترالیزم - دمکراتیک، این مقاله و مقاله " اصول لنینی حزب و مبارزات، زندگی حزبی " اثر " و. آشانین را در این شماره آموزش‌هایی از انقلاب و سوبالیسم حتما مطالعه بکنند.

سؤال - اعلام نام معینی، کشتگر و هلیل‌رودی در اعلامیه کمیته مرکزی سازمان خشم و اعتراض همفکران آنها را برانگیخته است در این مورد نظر شما چیست؟

جواب - نمی‌دانم چرا اینها اینقدر از اینکه جنبش آنها را بشناسد واهمه دارند؟ اگر آنها " رهبران واقعی " جنبش باشند چه بهتر از این که مردم " نام و نشان " رهبران خود را بدانند و اگر آنها نخواهند نام و حیثیت و همه اعتبار سازمان برافتخار فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) را وسیله پوشانیدن نام و نشان خود سازند نه تنها وظیفه ما بلکه وظیفه هر عنصر انقلابی است که با این نقشه مخالفت کند و اجازه ندهد هر کس هوس کرد به میراث جنبش دستبرد زند خود را در این کار آزاد بیابد.

آنها نام سازمان و نام نشریات آن را جعل کردند و خود را به جای رهبری سازمان به جنبش معرفی کردند. سازمان ما سازمانی است علنی و قانونی و رهبری آن شناخته شده است بنابراین حق و وظیفه رهبری سازمان است که عاملین جعل نام و عناوین سازمان را برای زدودن هرگونه اغتشاشی از افکار عمومی معرفی کند. اگر آنها نام و عناوین دیگری بر خود می‌نهادند مسأله طور دیگری بود. ما نمی‌توانستیم و نباید از اعلام این مسأله خودداری می‌کردیم که معینی عضو سابق کمیته مرکزی از این پس خود مسئول کارهای خویش است و در سازمان ما سمتی ندارد.

برخلاف این توطئه‌گران سازمان ما هیچ دلیلی برای پنهان کردن نام و نشان رهبری خود ندارد ظاهراً توطئه‌گران مدعی رد بینش چریکی هستند و جمهوری اسلامی ایران را یک همه‌پسوری ضدامپریالیست و مردمی می‌شناسند. بنابراین چرا و چگونه می‌خواهند مردم را گرد یک رهبری بی‌نام و نشان جمع کنند؟!

در پایان می‌خواهم یک بار دیگر بر مواضع و مسئولیت‌های رهبری سازمان در حفظ و یکپارچگی سازمان، در عازره بدون ترلز در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران تاکید ورزم و اظهار امیدواری کنم که همه کسانی که بدون مطالعه و در نتیجه اشتباهات و خطاهای حدی فکری و سازمانی سازمان خود را اینگونه نارفقانه و غیردروستانه ترک کردند، به ماهیت و سرانجام تلخ اقداماتشان بماندیند. خود را تصحیح کنند از خود انتقاد نمایند و راه سازمان خود را دریابند و با سرافرواری به آغوش سازمان بازگردند دست ما برای فزودن دست‌هایمان دراز است.

## پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خله‌های ایران

## تصمیمات تاریخی پلنوم مرداد

گام سترگ رهبری سازمان در دفاع از انقلاب و تعیین وظایف مبارزه در راه وحدت پیشاهنگ طبقه کارگر ایران

انقلاب ایران در تابستان و پاییز امسال یکی از حادثترین دوره‌های پیکار مرگ و زندگی را از سر گذراند. همانگونه که پیش‌بینی می‌شد، انقلاب بر جنایتکارانه‌ترین دسیسه‌های دشمنان درونی و بیرونی خود پیروزی‌هایی بس درخشان حاصل کرد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز جزیی لاینفک از همین انقلاب بوده و هست. جزیی با همان ویژگی‌هایی که انقلاب دارد. در این پاییز و زمستان سازمان ما نیز بسان انقلاب ما در دو جبهه رزمیده است، در جبهه درونی با عناصری که توطئه‌گرانه می‌کوشیدند سازمان را از راهی که می‌رود، راهی که به سود انقلاب است، راهی که به سود مردم زحمتکش ماست بازدارند و به انزوا بکشانند. و در جبهه بیرونی با کینه‌توزترین دشمنان طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش بسرکردگی امپریالیسم امریکا و مزدورانش که برای ازپای درآوردن انقلاب از هیچ جنایتی در حق خلق ما فروگذار نکردند. و همانگونه که پیش‌بینی می‌شد سازمان ما در هر دو جبهه رزم خود چنان پیروزی‌هایی به گف آورد که برای دشمنان آن هرگز بدین گونه پیش‌بینی‌پذیر نبود. مواضع درست، محکم و عمیقاً روشنگرانه سازمان که در پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات انقلاب به یاری همه نیروهای مدافع انقلاب شتافت همه جنبش را در غلبه بر خصم و چیرگی بر دشواری‌ها یاری داده است. شماره‌های ۶ ماهه اخیر نشریه کار زبان گویای این داوری ماست.

تصمیمات درست، دقیق و عمیقاً حقیقت‌جویانه و وحدت‌طلبانه پلنوم ۷ تا ۹ مرداد ۱۳۶۰ کمیته مرکزی سازمان که در عرصه یکی از حادثترین پیکارهای عقیدتی حول مسأله وحدت به یاری همه نیروهای پیگیر و صدیق و سالم مدافع سوسیالیسم علمی شتافته است، مهمترین پیروزی ما در میدان رزم درونی ماست. قطعنامه اصلی این پلنوم که تماماً به وظایف مبارزه در راه وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اختصاص یافته است، زبان گویای پیروزی سازمان ما در عرصه رزم درونی خویش است. اکنون زمان آن است که با انتشار عین اسناد تاریخی پلنوم ۷ تا ۹ مرداد ۱۳۶۰ پیشداوری همه مبارزان راه سوسیالیسم علمی، پیروان راستین راه طبقه کارگر پشتوانه سترگ صحت آن گردد.

### تفاوت قطع نامه پلنوم اسفند و پلنوم مرداد

بعدها پلنوم اسفندماه ۱۳۵۹ که در قطعنامه آن مبارزه در راه وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و وظیفه‌های مرم اعلام شد، هیئت سیاسی کمیته مرکزی مسئولیت تعیین وظایفی را عهده‌دار شد که صدور قطعنامه پلنوم پانزده اسفندماه برعهده رهبری سازمان قرار می‌داد. هیئت سیاسی روز ۶ خرداد قرار تصویب کرد که این وظایف را معین می‌ساخت. هیئت سیاسی این قرار را برای اعضای کمیته مرکزی سازمان و کمیته‌های ایالتی و کمیسیون‌های مرکزی هم‌طراز فرستاد که نظرات و پیشنهادها خود را ارائه دهند تا - پس از تبادل نظرهای ضرور در سطح کمیته مرکزی و در نظر آوردن نظرات و پیشنهادها واصل شده - طرح قطعنامه تازه‌ای در زمینه وظایف مبارزه در راه وحدت حزب و سازمان تهیه شود و به پلنوم کمیته مرکزی سازمان ارائه شود! هیئت سیاسی نظرات و پیشنهادها واصله از حاکم رفقای کمیته مرکزی و کمیته‌های ایالتی را بررسی کرد. این نظرات و پیشنهادها به روشنی نشان می‌داد که در فاصله پلنوم اسفند تا پایان بهار سال جاری به تدریج بحث‌ها و زوایای تازه‌ای در ارزیابی مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جنبش کمونیستی ایران و همچنین سمت اصلی و مضمون اصلی تحول آیدئولوژیک سازمان در سطح رهبری سازمان گسترش یافته است.

قطعنامه پلنوم اسفند در همین زمینه می‌پذیرفت که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر دو سازمان‌های مارکسیستی - لنینیستی هستند زیرا هر دو اصول جهانشمول

مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و انطباق خلاق آن با شرایط مشخص دوران ما گذر اعلامیه‌های جلسات مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری سال‌های ۱۹۵۷، ۱۹۶۰ و به‌ویژه در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری منعقد در مسکو ۱۹۶۹ انعکاس یافته است " را می‌پذیرد و راهنمای عمل خود قرار می‌دهند. ولی در عین حال پلنوم هدف از وحدت را تشکیل حزب طبقه کارگر ایران اعلام می‌کرد.

طی بحث‌ها و بررسی‌هایی که در فاصله اسفند تا اواخر بهار ۶۰ در سطح رهبری سازمان گسترش می‌یافت، بیش از پیش این مسئله مورد توجه قرار می‌گرفت که حکم اول قطعنامه پلنوم اسفند برامون تصدیق هویت مارکسیستی - لنینیستی حزب و سازمان لزوماً ماهیت کارگری حزب و سازمان و تعلق آنان به طبقه کارگر را تصدیق می‌کند. لذا اگر مفهوم شعار تشکیل حزب طبقه کارگر به معنای نفی ماهیت کارگری حزب و سازمان باشد - که هست - آنگاه طرح این شعار نمی‌تواند در تقابل با حکم اول قطعنامه ۱۵ اسفند قرار نگیرد.

طرح این مباحث در سطح رهبری سازمان زمینه‌ساز جمع‌بندی‌های دقیق‌تر و ارائه ارزیابی‌های تازه‌ای از مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جنبش کمونیستی ایران و لزوماً برپه وحدت آن را به همسراه داشتست در آستانه مرداد از یک سو نیاز جدی وجود داشت که مباحث مربوط به جایگاه و موقعیت حزب و سازمان در جنبش کمونیستی ایران، و در این رابطه مباحث مربوط به برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر ایران تعمیق رود و در سطح رهبری سازمان حول آنها وحدت نظر فوam گیرد تا بر

اساس آن خط مشی وحدت حزب و سازمان معین گردد. و از سوی دیگر نظر به نیازهای انقلاب و وظایف عاجل رهبری سازمان در عرصه پیکار انقلابی موجود لازم بود که همه گام‌های ممکن در - وحدت عمل و همفکری و نزدیکی حزب و سازمان به منظور شرکت فعال‌تر در دفاع از انقلاب و دساوردهای آن برداشته شود. از یک سو ضرورت حفظ وحدت رهبری سازمان ایجاب می‌کرد که قبل از تعمیق ضرور این مباحث از طرح آنها در قطعنامه پلنوم که لزوماً به اظهار نظری شناورده و غیرمتفق منجر می‌گردید و به وحدت رهبری آسیب می‌رساند، خودداری شود. و از سوی دیگر نیازهای جنبش و برداشتن گام‌های عملی در جهت وحدت عمل و همفکری حزب و سازمان ایجاب می‌کرد که پلنوم هر چه زودتر فرا خوانده شود و برامون آن اتخاذ تصمیم کند.

هیئت سیاسی سازمان با توجه به نیازهای عاجل جنبش انقلابی و وظایف سازمان در پیکار به‌خاطر تنبیه، تحکیم و گسترش انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی ایران و با توجه به اینکه اتحاد عمل و نزدیکی پیروان سوسیالیسم علمی شرط و نمونه‌ای است برای به هم‌تسردگی صفوف همه مردم و همچنین با توجه به سطح پیشرفت بحث‌ها در سازمان و ضرورت ادامه و تعمیق آنها در زمینه شناخت جایگاه حزب و سازمان و برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر که شرط حتمی و خدنه‌ناپذیر بایستی به وجدان علمی و حفظ وحدت رهبری است، در اواخر تیرماه طرح قطعنامه‌ای را برای ارائه به پلنوم کمیته مرکزی سازمان تصویب نمود که طی آن پیشرفت مباحث برامون ارزیابی مقام



بقیه از صفحه ۱۳

## گام سترگ رهبری سازمان در دفاع از انقلاب و تعیین ...

و موقعیت حزب و سازمان و روایای تازه در برخورد با برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر را مسدود می‌کرد و تاکید می‌کرد که این مباحث باید به بحث و مشاوره بسیار گذاشته شود و عمیق رود.

قطعنامه اسفند ماهیت پروتاریائی حزب و سازمان و تعلق طبقاتی آنان را مکتوم می‌گذاشت و خواهان تشکیل چنین حزبی بود، حزبی که به لحاظ ماهیت طبقاتی بسان حزب توده ایران نیست و بسان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم نیست. از آنجا که مباحث در سطح رهبری سازمان بیرونی همین مسئله صحت این ارزیابی را مشخصاً به زیر علامت سؤال کشیده بود، هیئت ساسی پس از مشاوره با تمام رفقای کشته مرکزی و مسئولین ایالات، گنجاندن یک ارزیابی فطعی درباره مقام و موقعیت حزب و سازمان و همچنین اظهار نظر قطعی روی برنامه و اساسنامه حزب طبقه کارگر را ماموریت تشخیص داد و در طرح قطعنامه بلوم پیشنهاد کرد که مباحث فوق با شرکت رفقای حزب تعمیق رود و تا به نتیجه‌های برخورد از ار علمت انقلابی منتهی گردد.

نظری که بلوم را به اظهار نظر فوری روی ارزیابی و موقعیت حزب و سازمان و برنامه حزب طبقه کارگر فرا می‌خواند نظر درستی بود. این شیوه نه توأم بود با بغین علمی و نه توأم بود با مصالح حفظ وحدت رهبری سازمان. نظری که می‌گفت بلوم را به تعویق اندازد تا این مباحث تعمیق رود و نتایج قطعی به دست آید نظر درستی بود. زیرا این تاخیر به علت تعویق اتحاد عمل و مشاوره و همکاری حزب و سازمان، تاخیری نبود مصالح انقلاب و مصالح سازمان نبود. ناسا این تاخیر مشخصاً موجب تاخیر شرکت موثر حزب توده ایران در همان مباحث بود. تصمیم درست آن بود که بلوم فرا خوانده شود، اتحاد عمل و مشاوره حزب و سازمان را مجاز دارد و شرکت موثر حزب و سازمان را در حل تمامی مسایل نظری و عملی وحدت را تصویب کند. هم از این نظر بود که بلوم به درستی اعلام کرد.

"کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت" حل تمامی مسایل نظری و عملی مربوط به تدارک وحدت میان حزب و سازمان را وظیفه‌های مشترک تلقی می‌کند. لذا ضروری است تمام گوشه‌های نظری و عملی مربوط به این امر - که تا امروز بطور جداگانه از جانب حزب و یا سازمان صورت می‌گرفت، از طریق بسط مناسبات میان حزب و سازمان و مشارکت موثر طرفین صورت گیرد.

مسایل مربوط به برنامه حزب طبقه کارگر و اساسنامه آن، ارزیابی مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جنبش کمونیستی ایران و دیگر مسایل فی‌مابین می‌تواند و باید از طریق شرکت موثر حزب توده ایران حل و فصل گردد.

همه کسانی که با این تصمیم مخالفتند، همه کسانی که با این راه رسیدن به وحدت نظرسر مخالفند، هیچ راه منطقی، خردمندانه و موثر دیگری ندارند که ارائه دهند. تنها این راه است که بر دیالکتیک وحدت استوار است. آنانکه ضرورت شرکت موثر حزب را نمی‌کنند، هم مستبدانه و ضد دموکراتیک، اظهار نظر میکنند و هم تفرقه‌جویانه و سکتاریستی.

همه کسانی که با این تصمیم به این علت مخالفتند که این تصمیم مسئله تشکیل حزب طبقه کارگر را که در بلوم اسفند مورد تاکید قرار گرفته بود، به مسئله‌ای قابل بحث در سازمان و میان حزب و سازمان مبدل کرده است، کسانی هستند که از قبل خود را در بحث‌ها و مشاوره‌هایی که صورت می‌گیرد، بازنده می‌یابند بازنده‌هایی که نمی‌خواهند و یا بهتر بگوئیم منافعتان ایجاب نمی‌کند نتیجه بحث را بپذیرند و به آن گردن بندند. کسانی که با این تصمیم لوجوانه عناد کرده‌اند: راحتاً گفته‌اند که یا بدون هیچ بحث و گفتگوئی کمیته مرکزی سازمان اعلام کند که حزب توده ایران حزب طبقه کارگر ایران نیست و سازمان هم این ویژگی را ندارد و باید چنین حزبی تشکیل شود و یا در غیر این صورت از سازمان جدا خواهند شد. این است معنای منطقی و خردی که آقایان مدافع آنند. این شیوه برخورد یک سر سوزن هم با شیوه برخورد کمونیست‌ها شباهت ندارد. این شیوه، شیوه خرده‌بورژوازی روستنفری است که خیال می‌کنند تمام دنیا بابت گنجانیدن آنها به‌کار است.

این حرف کاملاً باوه و دروغ ناخداوری است که بلوم مرداد درباره موقعیت حزب و سازمان در جنبش کمونیستی و همچنین برنامه حزب طبقه کارگر اظهار نظر کرده است. قطعنامه به‌صراحت اعلام کرده است این مباحث مفتوح‌اند و باید از طریق شرکت موثر حزب حل و فصل گردند. این دروغ کاملاً مفروضه‌ای بوده است که برخی عناصر مطرود در سازمان با بهره‌برداری از کسبای نسخ قطعنامه شایع کرده‌اند که کویا بلوم مرداد درباره مسایل فوق اظهار نظر کرده است.

کمیته مرکزی سازمان با احساس نهایت مسئولیت نسبت به اهمیت حفظ وحدت رهبری و پایبندی به وجدان علمی و ملاحظه حقوق حزب و سازمان در شرکت در حل مسایلی که لزوماً مشترکند، بر این تصمیم صحنه نهاد و آن را یگانه راه اصولی، متضمن مقصود و منطبق بر حد تکامل کیفی سازمان و شرایط عینی جامعه برای دستیابی به وحدتی استوار می‌شاسد.

### اتحاد عمل، هم وظیفه مبرم

### و انقلابی ماست و هم راهگشای وحدت ماست

انقلاب ایران هنوز دوران تثبیت و تحکیم خود را می‌پوشد. مهم‌ترین و عاجل‌ترین نیاز پیشرفت این پروسه، گسترش اتحاد عمل و همکاری موثر نیروهای مدافع انقلاب است. روش بیرونی سوسیالیسم علمی باید نمونه‌ای باشد برای تمام نیروهای خلق. ما باید نیازانقلاب را مقدم بر هر چیز قرار دهیم. اتحاد عمل و همکاری موثر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اولاً به انقلاب نیرو می‌بخشد آن را در برابر تهاجمات لجام گسیخته دشمنان آن تقویت می‌کند. ثانیاً رهنمودی است علمی و مشخص که می‌تواند راهنمای عمل همه نیروهای خلق قرار گیرد. ثالثاً جریان همکاری‌های عملی حزب و سازمان با یکدیگر پیشداوری‌های نیروهای آنها را می‌ساید و آنان را از شناخت عملی و ملموس نسبت به یکدیگر برخوردار می‌سازد. اتحاد عمل ما طبقه بسیار مهمی است از مبارزه در راه وحدت ما بدون اتحاد عمل، وحدت دو سازمان، با آرام مشکلات بسیار خواهد بود. بنابراین حتی غیرعزم هرگونه اختلاف نظری در سازمان و هرگونه ابهام موجود بر سر راه وحدت دو سازمان به علت نزدیکی چشمگیر خط میان سیاسی دو سازمان گسترده‌ترین شکل اتحاد عمل میان حزب و سازمان نتها میسر است بلکه عمیقاً به سود مصالح انقلاب و مصالح طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش میهن ماست. اتحاد عمل میان ما مبتنی است بر نیازهای عاجل انقلاب و هیچ پیش شرطی نباید باعث حتی یک روز تاخیر در انجام آن گردد.

بلوم ۷ تا ۹ مرداد ۱۳۶۰ می‌پذیرد که اتحاد عمل و همکاری‌ها میان حزب و سازمان به‌گسترده‌ترین و موثرترین شکل ممکن عملی گردد. این تصمیمی بوده است درست و انقلابی. تصمیمی که ثمرات عالی آن در چند ماهه اخیر آشکار گردیده است. این ثمرات تماماً به سود انقلاب و به سود پیشبرد سیاست طبقه کارگر در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن و ارتقاء آگاهی و تشکل همه نیروهای مبارز و انقلابی و توده‌های دهها میلیونی زحمتکشان شهر و روستای میهنان بوده است.

تصمیم بلوم ۷ مرداد به اتحاد عمل حزب و سازمان درست‌ترین تصمیم در پیچیده‌ترین و بحرانی‌ترین لحظات انقلاب بوده است. کمیته مرکزی سازمان، همه کمیته‌های ایالتی، همه کمیته‌های شهر در سراسر ایران و یکایک کمیته‌های بخش تا کمیته‌های کارخانه و محل از این تصمیم درست سازمان پیروی کرده و می‌کنند.

### مشاوره و همکاری ما

### روشنگر بفرنجی‌های انقلاب است

انقلاب ایران یکی از بفرنج‌ترین و نمونه‌وارترین انقلاب‌ها در تاریخ معاصر است. اکنون هیچ کس در این ارزیابی کمترین تردیدی نمی‌کند. آنچه انقلاب در ششماه گذشته از سر گذراند، نمونه‌ای از این بفرنجی‌هاست.

مشاوره و همکاری‌های سیاسی و سازمانی حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اهم سرویسد کشف و شناخت یکایک این بفرنجی‌هاست مشاوره‌های مستمر سیاسی - در عالی‌ترین سطوح میان رهبری حزب توده ایران و رهبری سازمان ما - همه ما را از مجموعه خرد جنبش کمونیستی ایران، از تمامی تجارب آن، از تمامی زوایای آن که هر یک به مسائل می‌گرم، برخوردار می‌سازد و ما را در اتخاذ تصمیمات درست‌تر و سجدیده‌تر یاری می‌رساند. کوشش‌های مشترک ارگان‌های حزب و سازمان در تمام سطوح، برای پاسخ‌یابی مشترک برای همه مسائلی که

## قطعنامه پانزدهم اسفند ۱۳۵۹ بلنوم کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) درباره اساسی‌ترین مبانی وحدت جنبش کمونیستی ایران و مبارزه در راه تحقق این وحدت

اساسی‌ترین مبانی وحدت جنبش کمونیستی ایران همان‌مانی تاریخی - جهانی است که در جنبش جهانی کمونیستی پذیرفته می‌شود. و عبارتند از اصول جهانشمول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتاری و انطباق خلق آن با شرایط مشخص دوران ما که در اعلامیه‌های جلسات مشاوره احزاب کمونیستی و کارگری سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۰ و به‌ویژه در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری منتهی در مسکو ۱۹۶۹ انعکاس یافته است.

کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) این اصول را به‌مثابه اساسی‌ترین مبانی وحدت در جنبش کمونیستی ایران می‌پذیرد. پذیرش این مبانی توسط حزب توده ایران نیز اعلام شده است. از این نظر کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) در بلنوم ۱۲ تا ۱۵ اسفند ۱۳۵۹، پیشبرد یک مبارزه بیکر و اصولی و طبق نقشه را برای وحدت اصولی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) و حزب توده ایران، به منظور تشکیل حزب طبقه کارگر ایران را در دستور کار رهبری، گادرها و تمام اعضای سازمان قرار می‌دهد.

طبق اصول فوق، دستیابی به وحدت در استراتژی و تاکتیک انقلاب ایران که حاصل انطباق مارکسیسم - لنینیسم خلاق بر شرایط مشخصی جامعه ماست و در برنامه حزب نیلوری می‌یابد، و همچنین تأمین اصول و موازین نسبی در حیات حزبی که در اساسنامه حزب بیان می‌گردد، به‌مثابه شرط اساسی برای تشکیل و تأمین وحدت حزب طبقه کارگر ایران ابری ضروری و خدشه‌ناپذیر می‌یابد. خردجمعی، فعالیت مشترک و هدایت‌شده کمونیست‌های میهنان ضامن پیشرفت موفقیت‌آمیز این امر است. این قطعنامه که به تصویب بلنوم کمیته مرکزی سازمان رسیده است به دستور کار کنگره سازمان افزوده می‌گردد. کمیته مرکزی متعاقباً، برنامه و خط منی خود را درباره وحدت جنبش کمونیستی ایران تصویب و آن را در برنامه کنگره سازمان قرار خواهد داد. در بلنوم آتی کمیته مرکزی سازمان آن بخش از وظایف ناشی از تصویب این قطعنامه که به تأسیس کنگره برعهده رهبری سازمان قرار می‌گیرد، مورد بررسی و تصویب قرار گرفته و جهت‌اجرا به تشکیلات ابلاغ خواهد شد.

بلنوم کمیته مرکزی سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (اکثریت) پانزدهم اسفندماه ۱۳۵۹

بقیه از صفحه ۱۴

**گام سترگ رهبری سازمان در دفاع از انقلاب و تعیین ...**

اکتوبر با قطعیت می‌توان گفت که مجموعه سرامت ساوره‌ها و همفکری‌های ما در زمینه مسایل کارگری، دهقانی، جوانان، زنان، مسئله خلقی‌ها و امور سازمانی بی‌گمان نتایج مثبتی در زمینه کسب شناخت علمی‌تر و رهجویی‌های عملی‌تر برای فعالیت انقلابی ما در تمامی عرصه‌های مبارزه آورده است. امروز سمر کراغدر این ستاوره‌ها و همفکری‌ها در تولید، در کارخانه و مرزعه، در شهرها و روستاها، در چهار گوشه میهمان، در دفاع از دستاوردهای انقلاب، در عمل روزمره همه فدائیان و همه توده‌های عاقل بنده می‌شود و این نیروی بزرگ درختی است که پلنوم مرداد آفریده است. مخالفان این تصمیم فقط می‌توانند مخالفان خرد و ضعیف و مخالفان حزب توده ایران و مخالفان سازمان ما و مخالفان و دشمنان آگاه یا آگاه انقلاب بزرگ ضدامپریالیستی و مردمی ما باشند. آنان که خود را دوست ما می‌نامند، اما از ستاوره و همفکری میان ما می‌گریزند، دوست مسافری هستند. آنها فقط می‌توانند پیام‌آوران حادثی‌ها و بی‌مطقی‌ها باشند.

کمیته مرکزی همدا با همه کمیته‌های ایالتی و کمیته‌های شهرهای مختلف و همه رفقای سازمانی این تصمیم درست پلنوم مرداد را نکار ستاند. امروز دیگر تمامی واحدهای سازمانی همپراز حزب و سازمان در تمامی سطوح خود را موظف می‌یابند که در عین حال که اصیاط تشکیلاتی را موقداً مراعات می‌کند، در ستاوره و همفکری با یکدیگر، ارگان‌های خود را در احیای وظایف انقلابی‌شان باری دهد همه واحدهای سازمانی سازمان، از این مصمم درست پلنوم مرداد پشتیبانی کرده‌اند و می‌کند. همه ما به تحریر سرامت سکوی این تصمیم را لمس کرده‌ایم.

**شرکت موثر رفقای حزب****در مباحثات مربوط به وحدت**

هماگونه که در آغار گفتار توضیح دادم، در فاصله پلنوم اسفند تا آسانه مرداد، مباحثات گسترده‌ای در سازمان سیرامون مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و درباره ماهیت طبقاتی آنان جریان یافت. بحث سیرامون مسایل مربوط به برنامه و اساسنامه حزب طیفه کارگر که شرط ضروری و حتمی وحدت حری است، همور سازماندهی کافی سس برده بود. درباره تاریخ حزب و سازمان که روستگری درباره زوایای ساحه و ساساخه آن می‌شود به حکم ساسی وحدت حری ما باری رساند سز قضاوت بکدستی وجود نداس و نطقه اختلاف نظرهای کوسی محسوس بود.

در حین تریاتی به اصولی بود و نه عملی که پلنوم کمیته مرکزی سازمان بدون در نظر گرفتن این مسایل تصمیمی اتخاذ کند. مطلقاً ضروری بود که مسایل مطروحه سستر به ساحه و ستاوره گذاشته شوند. هر نوع مصمم گیری سسارده درباره موضع گیری روی هر یک از مسایل فوق، ضمن اسکه همور بطور حدی و ساقان علمی در تسکلات عمسی برده شده بود، و وحدت رهبری سازمان سز آسب‌های جدی وارد می‌ساحب. سسار سسار ضروری و مطمئی بود که مسایل فوق که در پاراکراف اول و دوم بتدالاف قطعنامه مرداد مسکس اسف به بحث و ستاوره سسستر گذاشته شود و به‌ویژه در این مباحثات با شرکت موثر رفقای حزب توده ایران صورت بندرد. هم اصرار در راه اظهارنظرهای موری و عمسی ساسفته و سسارده اصراری ساسخا و عبر اصولی بود و هم اصرار در جهت محروم کردن حزب توده ایران از شرکت مسقم در مباحثاتی که مستقماً به حزب هم سارمی‌کند.

پلنوم ۷ تا ۹ مرداد ۱۳۶۰ کمیته مرکزی سازمان به درسی و ساقاس سسولت رهبری از اظهار نظر سسارده‌روی موقعیت و مقام و موقعیت حزب و سازمان در جنبش کارگری و کومسی، از اظهار نظر روی برنامه و اساسنامه حزب طیفه کارگر ایران و از اظهار نظر روی تاریخ حزب احساب می‌وررد و سسبا سسدر می‌کرد که این مباحث لروما سبب با شرکت موثر رفقای توده‌های به بحث و ستاوره گذاشته و حل و فصل کردد. این مصمم پلنوم تصمیمی اسف مطلقاً درست، صمصی اسف از سر کمال احساس سسولت رهبری و ساسی از ساسبندی به وجدان علمی، درست‌ترین تصمیم رهبری سازمان همسن مصمم بود و هر تصمیمی جز اس اتحاد سسب مطلقاً سادرس بود.

تصمیم پلنوم تصمیمی است درست و اصولی، تصمیمی است در خدمت انقلاب و در جهت پاسخگویی به منافع طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش. برجسته‌ترین ثمر درختان این ستاوره و همفکری همانا چاره‌جویی‌هایی است که در "بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)" برای جبرگی بر دشواری‌های ایران (اکثریت) و گسترش انقلاب ایران منعکس گردیده است. "بیانیه مشترک" سمر کراغدر تصمیمات درست پلنوم مرداد در جهت اتحاد عمل و ستاوره و همفکری میان ما پیروان راستین سوسیالیسم علمی است. اکنون روشنگری‌ها و راهگشائی‌های موثر این بیانیه در وسع ترین طیف نیروهای مدافع انقلاب بارزای یافته است. مایه افتخار همه‌ماست که چاره‌جویی‌های مشترکمان این چنین توانسته است همه‌سروه‌های مدافع انقلاب را در شناخت مشکلات و دشواری‌هایی که فرا رو داریم، باری دهد.

**قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)****سیرامون وظایف مبارزه در راه وحدت با حزب توده ایران****و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مرداد ماه ۱۳۶۰**

پیرو قطعنامه پلنوم اسفند ماه ۱۳۵۹ کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره اساسی‌ترین مبانی وحدت در جنبش کمونیستی و ضرورت مبارزه در راه تحقق آن، کمیته مرکزی سازمان پس از ستاوره و تبادل نظر با کمیته‌های ایالتی و ارگان‌های مرکزی همپراز درباره وظایف مبارزه در راه وحدت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و به دنبال آن ستاوره و تبادل نظر مبدماتی رفقای کمیته مرکزی و ستاورین که پیرامین قرار پیتنهادهای هیات سیاسی و نظرات کمیته‌های ایالتی و ارگان‌های همپراز صورت پذیرفت، در مردادماه تشکیل جلسه‌داد و این قطعنامه را که تمامات وظایف وحدت دو سازمان بازمی‌گردد صادر کرد:

الف: کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) حل تمامی مسایل نظری و عملی مربوط به تدارک وحدت میان حزب و سازمان را وظیفه‌های مشترک تلقی می‌کند. لذا ضروری است تمام کوشش‌های نظری و عملی مربوط به این امر که تا امروز بطور جداگانه از جانب حزب و سازمان صورت می‌گرفت، از طریق سبسط مناسبات میان حزب و سازمان و تدارک موقت انجام پذیرد. مسائل مربوط به برنامه حزب طیفه کارگر و اساسنامه آن، ازبایی مقام و موقعیت حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جنبش کمونیستی ایران و دیگر مسائل قیامین می‌توانند و باید از طریق شرکت موثر حزب توده ایران حل و فصل گردد.

در لحظه کنونی انجام هرچه فعال‌تر وظایف دو سازمان در پیکار به خاطر حفظ، گسترش و تعمیق دستاوردهای انقلاب مستلزم سبسط مناسبات میان دو سازمان بصورت ستاوره‌های متقابل و گسترده‌ترین اشکال اتحاد عمل است. از سوی دیگر سبسط این مناسبات برای سبسط و هدایت رهبری درست ستاوره‌های سازمان به سوی درک عمیق‌تر نقش و اهمیت اتحاد عمل و همکاری نیروهای مدافع انقلاب که در لحظه کنونی شرط ضروری و پایدار نیروهای خلق در برابر توطئه‌های امپریالیسم جهانی سسرگردگی امپریالیسم امریکای و ارتجاع داخلی است و نظر به نقش تعیین‌کننده وحدت طبقه کارگر در حفظ، تداوم اتحاد همه نیروهای خلق، ضرورت گسترش اتحاد عمل و همکاری میان نیروهای حزب و سازمان به تمامی صور و اشکال ممکن بیش از پیش احساس می‌گردد.

موضع‌گیری‌های مشترک، صدور اطلاعیه‌ها، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های مشترک، برگزاری مراسم مشترک (میثتیک‌ها، نمایشنامه‌ها و سایر فعالیت‌های مشابه) کاربست سیاست مشترک در ایجاد و هدایت ارگان‌های توده‌ای و نهادهای دمکراتیک دفاع مشترک از حزب و سازمان در برابر دشمنان انقلاب و تفریق و تهمت‌های دشمنان سوسیالیسم علمی، ایجاد تشریفات مشترک و دیگر اشکال همکاری‌های طبوعانی و تبادل مستمر و گسترده اطلاعات از جمله مواردی است که در زمینه همکاری و اتحاد عمل حزب و سازمان باید مورد تاکید قرار گیرد. انتخاب این با آن مورد معین اتحاد عمل به توافق طرفین مربوط می‌شود لیکن کمیته مرکزی سازمان از اشکال قابل‌تر و موثرتر اتحاد عمل با حزب توده ایران استقبال می‌کند.

۲- وحدت فکری و سازمانی حزب طیفه کارگر قبل از همه در وحدت نظر پیرامون برنامه و اساسنامه آن تجلی می‌یابد. لذا ضروری است مسایل مربوط به برنامه و اساسنامه با شرکت رفقای سازمان و حزب در یک تشریه تئوریک و سیاسی مشترک که به طرح نظرات، انتقادات و پاسخ‌های رفقای مختلف اختصاص می‌یابد. مورد بحث قرار گیرد.

جهت تأمین مستمر وحدت نظر پیرامون کلیه مسائل تئوریک، تاریخی، سیاسی و تشکیلاتی ضروری است نظرات رفقای حزب و سازمان پیرامون مسائل فوق نیز در تشریه تئوریک سیاسی مشترک مورد بحث قرار گیرد. اشکال مشخص این سبسط اشکال بحث و همفکری میان رفقای حزب و سازمان در تمام زمینه‌ها مورد استقبال قرار می‌گیرد. اشکال مشخص این مباحثات (از قبیل جلسات مشترک، پرسش و پاسخ، کنفرانس مشترک، جلسات ستاوره و سایر تمهیدات) با توافق طرفین تعیین می‌شود.

۳- سازمان از گسترش این گفتگوها استقبال می‌نماید.

۴- برای هماهنگی در اجرای وظایف فوق، پلنوم کمیته مرکزی سازمان، تشکیل یک کمیسیون مشترک متشکل از نمایندگان کمیته مرکزی توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را ضروری می‌شاند. تشکیل کمیسیون‌های لازم در سطوح دیگر برای انجام صحیح‌تر وظایفی که در این قطعنامه تصریح شده است، نیز مورد استقبال قرار می‌گیرد.

ب: در جریان سبسط مناسبات با حزب توده ایران، کمیته مرکزی سازمان، اصول و ضوابط زیر را در تصمیمات ارگان‌های رهبری سازمان بکار می‌بندد:

۱- تا آغاز پیوسه‌های مربوط به وحدت تشکیلاتی دو سازمان که تصویب آن برعهده کنگره است، استقلال رهبری و تمامیت تشکیلاتی سازمان حفظ خواهد شد. پیوسه‌های همکاری و اتحاد عمل میان حزب و سازمان براساس حقوق برابر و اعتماد رقیبانه گسترش می‌یابد. در مناسبات میان حزب و سازمان در تمامی سطوح طرفین تابع اراده و تصمیمات ارگان‌های رهبری خود هستند.

۲- شرکت کارها، اعضا و نامزدهای عضویت در مباحثات و حل مسائل مربوط به وحدت، نتایج حاصله را مطلقاً بتر درجه اشکال تصمیمات با بیشتر می‌سازد. از این نظر ضروری است به منظور تأمین هرچه بیشتر خودرجمی در اتحاد تصمیمات، درجه قطعنامه‌ها و تفراهایی که به امر وحدت بازمی‌گردد، پس از ستاوره و تبادل نظر با کمیته‌های ایالتی و ارگان‌های مرکزی همپراز تنظیم شوند. همچنین ضروری است دیگر رفقای تشکیلات هرچه فعال‌تر در جریان مباحثات و مسائل فوق قرار گیرند.

۳- کمیته مرکزی، هیات سیاسی را به اجرای هرچه کامل‌تر مفاد این قطعنامه موظف می‌سازد. کمیته مرکزی تمام رفقای تشکیلات را به انجام هرچه فعال‌تر وظایفی که این قطعنامه برعهده آنان نهاده است فرا می‌خواند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نهم مرداد مه‌ماه ۱۳۶۰

بقیه از صفحه ۱۵

### گام سترگ رهبری سازمان در دفاع از انقلاب و تعیین ...

رهبری سازمان پیرو این تصمیم با مراجعه به رهبری حزب توده ایران از آنان خواست که برای یاری کردن مباحثاتی که در سازمان پیرامون مشخصات حزب طراز نوین طبقه کارگر جاری است، باردیگر توضیحات خود را در این زمینه در سطح جنس اعلام نماید. سازمان همچنین در خواست کرد که اسناد و مدارک حزب که جهت آشنایی با تاریخ حزب راهگساست، در یک مجموعه در سطح جنس انتشار یابد. ما تاکید کردیم که این کار قطعاً به سود اعتبار و حیثیت حزب توده ایران و تقویت اعتماد نسبت به آن عملکرد خواهد داشت. این پیشنهادات با موافقت رفقای رهبری حزب مواجه گردید. این دو مجموعه در روزهای جاری آماده عرصه به حسی گردیده است.

همچنین پیرو این تصمیم پلنوم کوشش شد که یک دوره برنامه آموزشی در سطح سازمان پیرامون مسایل مربوط به وحدت به اجرا گذاشته شود. همچنین تصمیم بر این بود که مباحثات روی مسایل فوق بطور جداگانه دنبال شود. لیکن بعد از پلنوم مرداد متأسفانه حدث غیرقابل چشم پوشی اوضاع کشور و شرایط نامساعد و مخاطره آمیز سیاسی امکان پیشبرد مباحث را در ارگانها عملاً بسیار محدود ساخت. شرایط نگوتهای بود که رهبری سازمان حتی صلاح دانست فعالیت تشکیلات را با شرایط بحرانی تاسف انگیز گذشته تطبیق دهد. این مباحث فقط در یک ماه و نیمه احرار در سطوح مختلف جریان یافته است.

### آیا تصمیمات پلنوم مرداد قانونی است؟

تصمیمات پلنوم مرداد تماماً در خارج حقوق و اختیارات کمیته مرکزی سازمان قرار دارد و تمام آنها مطلقاً قانونی است. اتحاد عمل برابر حقوق با حزب توده ایران، همفکری و مشاوره درباره مسایل مردمی و شرکت حزب توده ایران در مباحثی که به امر وحدت حزب و سازمان یاری گردد، نه تنها تصمیماتی منطقی، مسئولانه، وحدت طلبانه و تماماً صحیح به شمار می رود، بلکه تصمیم گیری پیرامون آنها فقط از حقوق و اختیارات کمیته مرکزی سازمان است. کسی که مدعی است این تصمیمات ضرورتاً در اختیار ارگانی مافوق کمیته مرکزی است، خود را نا آشنا با ابتدائی ترین موازین و ضوابط سازمانی می نماید. رهبری سازمان به آنها حق دارد، بلکه کاملاً وظیفه مند است نسبتاً به حزب توده ایران که هر دو یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی به شمار می روند بلکه به سایر نیروهای جنبه انقلاب پیشهاد کند که مشاوره و اتحاد عمل با سازمان را بپذیرند. اگر رهبری سازمان در این جهت فعالیت نکند، در برابر مستخسین خود مسئول است. همچنین است پیشنهاد منع رفقای توده ای از شرکت در مباحث، مربوط به وحدت میان ما و آنها.

پلنوم مرداد به درستی خاطر نشان می سازد که تصمیم گیری درباره وحدت سازمانی حزب و سازمان برعهده کنگره سازمانی است. کمیته مرکزی خود را کاملاً محار می سازد و باید بنسبت که نظر خود را راجع به شکل و مضمون وحدت جنس کمیونیستی ایران ارائه دهد. لیکن کارسب آن نظر رمانی امکان پذیر است که بدانند ارگانی بالاتر از کمیته مرکزی، که مستقیماً از جانب تمام ارگانهای سازمان برخوردار می شود، رسیده باشد. کنگره عالی ترس شکل حسین ارگانی است.

دسته کنگره - هلیل رودی بدین علت تصمیمات پلنوم مرداد را خارج از اختیارات کمیته مرکزی می داند که انحلال رهبری سازمان را طلب می کند. این ادعا که کمیته مرکزی حق نداند است پیرامون اجرای قطعنامه مرداد تصمیم بکند، باطل است. که تنها می تواند از دهان یک انحلال طلب سروسازد. پلنوم با احساس کمال مسئولیت نسبت به وظایفی که بر رهبری سازمان برعهده کمیته مرکزی سهاد است، تاکید می کند که حفظ استقلال رهبری و تمامیت تشکیلاتی سازمان با تشکیل کنگره امری کاملاً ضروری است و باید کمیته مرکزی به آن معتمد نماید.

دلیل راجع به این مسئله اظهار نظر نکرده که در مورد آن در پلنوم اتفاق نظر وجود نداشت. پلنوم مرداد فقط روی آن بخش از وظایفی تصمیم گرفت که ناشی از صدور قطعنامه اسفند بود و می بایست تا تشکیل کنگره و برای تشکیل کنگره پیرامون آنها تصمیم گرفته می شد. این تصمیمات همانگونه که قطعنامه مرداد خاطر نشان ساخته، عبارتند از:

۱- اتحاد عمل و همکاری میان حزب و سازمان در عرصه های مختلف سیاسی و اجتماعی در پاسخ به ضرورت های عاجل انقلاب.

۲- مشاوره و همفکری درباره مهم ترین مسایل سیاسی روز برای روشنگری پیچیدگی ها و بغرنجی های انقلاب.

۳- شرکت موثر حزب توده ایران در بحث های مربوط به وحدت به منظور بهره گیری از خرد جمعی و حصول توافق نظر فرآگیر میان حزب و سازمان. سازمان اکنون قطعنامه پلنوم اسفند و قطعنامه پلنوم مرداد را منتشر ساخته است. مطالعه دقیق این قطعنامه ها علاوه بر این که دروغ های شاخداری را که عناصر ضد سازمان درباره آنها گفته اند، افشا می کند در عین حال اثبات می کند که چرا تصمیمات مرداد تماماً تصمیماتی درست و اصولی و تماماً تصمیماتی قانونی است و چرا عدول از این تصمیمات هیچ معنایی ندارد جز مخالفت با همکاری، مخالفت با همفکری و مخالفت با حل منطقی و اصولی همه مسایل فی مابین حزب و سازمان و از همه مهم تر این قطعنامه ها نشان می دهد که چرا نقض تصمیمات مرداد سازمان شکنی محض، ارتداد و تلاش در جهت انحلال رهبری سازمان است.

مخالفت با تصمیمات مرداد، چنانچه مشکوک نباشد، چیزی نیست جز عنادی لجوجانه و خودبینانه با کوشش های مسئولانه رهبری سازمان در راه تدارک وحدت جنس کمیونیستی ایران. این عناد مطلقاً ضد وحدت، ضد کمیونیسم و ضد مصالح انقلاب است!

دسته ای که کنگره و دوستش هلیل رودی می کوشند سرهم بندی کنند، علت فرآکسیون بازی و توسل به اقدامات توطئه گرانه خود را "غلط بودن" و "غیر قانونی بودن" تصمیمات پلنوم مرداد ذکر کرده اند. آنها کینه توزانه با این تصمیمات مخالفت کرده اند، حتی حاضر شده اند برای ممانعت از اجرای ایسمن تصمیمات به هرکاری تن در دهند. آنها حتی حاضر شدند برای درهم شکستن این تصمیمات کاری کنند که دشمنان شناخته شده جنبش کمیونیستی و طبقه کارگر به یاری شان بشتابند و بیانی شان را منتشر کنند و به سود آنان تبلیغات کنند. عمل توطئه گرانه باند کشتگر هلیل رودی از یک سو مفاد تصمیمات مندرج در قطعنامه پلنوم مرداد و مخالفت این عناصر با این تصمیمات بهتر از هر توضیح دیگری می تواند روشنگر ماهیت ضد کمیونیستی حرکت آنها باشد.

تجربه عملی ۵ ماهه صحت و اصولیت تصمیمات مرداد را به روشنی به اثبات رسانیده است. تاریخ نیز نشان خواهد داد که چگونه مدافعین این تصمیمات مدافعین راستین آرمان طبقه کارگر، مدافعین راستین وحدت پیمانه طبقه کارگرند و چگونه مخالفین این تصمیمات مدافعین دروغین طبقه کارگر و مدافعین واقعی راه تفرقه پیمانه طبقه کارگرند. اکنون کمیته مرکزی سازمان یک پارچه و همصدا با همه کمیته های ابالتی و دیگر ارگان های فعال سازمان از تصمیمات مرداد دفاع می کند، به آن وفادارند و آن را در عمل روزمره خود به کار می گیرند. همه دشمنان وحدت حزب و سازمان، همه رهروان راه تفرقه و دشمنی میان بگیرترین نیروهای انقلابی (که امروز متأسفانه مرتدین سازمان ما و در رأس آنها کشتگر و همدیش هلیل رودی تصمیم به رهبری آنها گرفته اند) با تصمیمات مرداد دشمنی می کنند. این دشمنی مطمئناً ناشی از کم دانی نیست. چونکه بی بردن به درسی این تصمیمات به هیچ وجه دانش زیادی نمی طلبد. ذهن هر مارکسیست صادی به روشنی درمی یابد که ریشه این دشمنی ها در جای دیگر جستجو کند. مخالفت عودانه آن گروه با تصمیمات مرداد مطلقاً به مسئله ای کاملاً سؤال برانگیز گردیده است.

این تصمیمات پلنوم سز نمی توانست جز این باشد. پلنوم تاکید می کند بی استقلال رهبری و حذف ارگان های رهبری سازمان، نفی تمامیت تشکیلاتی سازمان و ادغام تشکیلاتی در حد اختیارات کمیته مرکزی سازمان نیست. کمیته مرکزی سازمان معتقد بوده و هست که این امر لزوماً باید توسط ارگانی مافوق کمیته مرکزی به تصویب برسد. همه این تصمیمات پلنوم منطقی، اصولی، دمکراتیک و قانونی هستند. مخالفین این تصمیمات یا از اسبوسر سازمانی بونی سزده اند و یا می کوشند با هوو جنجال و بلند کردن گرد و خاک فراوانی فضا را برای پیشبرد اعمال و اقدامات غیرقانونی مساعد سازند و یا به رهبری سازمان انسجام آن آسیب رسانند. انحلال طلبان واقعی کسانی هستند که می کوشند رهبری را از انجام وظایف رهبری بازدارند. اگر کسی یک جو عقل و انصاف در وجود خود سراغ داشته باشد، ابتدائی ترین آشنایی با موازین زندگی حزبی نیز برای ادعای به صحت و قانونیت این تصمیمات پلنوم کفایت می کند. کمیته مرکزی سازمان همصدا با تمام کمیته های ابالتی و سایر ارگان های سازمان بر درستی این تصمیمات صحه می گذارد و از آن با قاطعیت تمام دفاع می کند.

پلنوم مرداد فقط آن بخش از وظایفی را معین می کند که قطعنامه اسفند تعیین آن را برعهده پلنوم آتی کمیته مرکزی سازمان نهاده است. قطعنامه اسفند می گوید: تصویب برنامه و خط مشی وحدت در اختیار کنگره است. قطعنامه اسفند در عین حال مژک می گردد: "در پلنوم آتی کمیته مرکزی سازمان آن بخش از وظایف ناشی از تصویب این قطعنامه که تا تشکیل کنگره بر عهده رهبری سازمان قرار می گیرد مورد بررسی و تصویب قرار گرفته و جهت اجرا به تشکیلات ابلاغ خواهد شد."

می بینیم که پلنوم اسفند صریحاً ابتدا از خط مشی وحدت صحبت می کند و تصویب آن را در اختیار کنگره قرار می دهد و سپس از وظایفی صحبت می کند که تا تشکیل کنگره برعهده کمیته مرکزی قرار می گیرد و باید در پلنوم بعدی به تصویب برسد و اجرا شود. این دو قطعنامه یکدیگر متفاوتند. در سطح رهبری سازمان نیز پس از بحث های دقیق و جز به جز، این تفاوتها کاملاً مشخص گردیده اند. این تفاوتها کدامند؟

خط مشی وحدت، هدف، مضمون و شکل وحدت را توضیح می دهد. "خط مشی" معین می کند که آیا وحدت حزب و سازمان مستلزم آن است که:

۱- حزب راه خود (بسیاری ترین مواضع خود در عرصه تئوری و سیاست) را ترک گوید و به راه سازمان بسیندد؟

۲- سازمان راه خود را تغییر دهد و به راه حزب بسیندد؟

۳- به راه حزب در اساس راه طبقه کارگر است و نه راه سازمان، راه طبقه کارگر ایران هنوز معین نشده است. این راه با وحدت حزب و سازمان تازه معین می شود.

این مسئله که نام حزب باقی بماند یا نام سازمان با نام جدیدی انتخاب شود، یکی از مسایل شکلی وحدت است. خط مشی وحدت به انتخاب نام محدود نیست. خط مشی وحدت قبل از هر چیز معین می کند که وحدت محصول انتخاب کدامین راه است. راه حزب؟ راه سازمان؟ یا راه جدیدی که هنوز معین نشده است و باید معین شود؟

ما در صفحات قبل توضیح دادیم که اینها همه مسایلی بود که در فاصله اسفند تا مرداد در سطح سازمان مطرح شد. حلقه اصلی در این مباحث آن است که اولاً سمت و مضمون اصلی حول ایدئولوژیک سیاسی و ساختار تشکیلاتی سازمان از ابتدا تا امروز به سوی بیوستن به کدامین مواضع امداد یافته است؟ اساس این بحث گیری در عین خط مشی وحدت چگونه موز می گردد؟

اما پلنوم مرداد به هیچ وجه روی این مسایل اظهار نظر نکرده است. می توان یکبار دیگر قطعنامه مرداد را خواند و دمعا فهمید که درباره اینکه خط مشی وحدت حزب و سازمان کدام است. در این قطعنامه مطلقاً اظهار نظری نمی شود. پلنوم مرداد به این



نامه گروهی از اعضاء و هواداران سابق مجاهدین  
به سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

گم کرده راهان باز می آیند

انقلاب در پویش زندگی آفرینی که دارد ، همه کسانی را که دل درراه مردم و انقلاب دارند ، دیر یا زود با خود همراه می سازد . پیام انقلاب ، جان های مردمی را به وجد می آورد ، از خطاها و انحرافات پاکشان می کند و در مسیری رهنمونشان می شود که امپریالیسم بسرگردگی امریکای جنایتکار هر روز درهم شکسته تر از روز پیش فرو می باشد و پرچم استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی در سراسر جهان افراشته تر به اهتزاز درمی آید .

انقلاب دوستان نیمه راه را از خود می راند و چهره های دروغین را ، کسانی را که در پای بندی به مردم و آرمان زحمتکشان ناپیگیر و متزلزلند بیرحمانه افشا می کند و این دو روند سرشت تغییرناپذیر انقلاب است .

افتخار بزرگ برای آنهایی است که با انقلاب می مانند بر تزلزلها و تردیدهای خود فائق می آیند و خطاها و آلودگیها را به سود انقلاب از خود دور می سازند و ننگ بزرگ برای کسانی است که دل از انقلاب برمی گیرند به آرمان های مردم و زحمتکشان پشت می کنند و از آخور دشمنان مردم سر بیرون می آورند .

آنچه که در زیر می خوانید قسمت هایی از نامه ای است که گروهی از اعضاء و هواداران سابق مجاهدین خلق به سازمان ما نوشته اند . این نامه به اندازه کافی گویا هست که نیازی به توضیح نداشته باشد . ما ضمن تقدیم شادباش های برادرانه و انقلابی خود به این دوستان ، اطمینان داریم که همه نیروهای صدیقی که با دلی درگروی مردم و انقلاب از سر ناآگاهی به دام خائنینی مانند رجوی - خیابانی افتاده اند ، پیام این دوستان را خواهند شنید و در طرد و افشای باند رجوی - خیابانی با عزمی انقلابی خواهند کوشید .

طولانی بودن نامه این دوستان و صفحات محدود کار اجازه درج تمامی نامه را نمی دهد ، ما در این شماره یک قسمت از نامه این دوستان را درج می کنیم و در شماره های آینده می کوشیم که قسمت های باقی مانده نامه این دوستان را به آگاهی مردم قهرمان ایران برسانیم .

صورتی کاملا بی منطق ، اعدام گردیدند و در این میان تنها ما بودیم که بار مسئولیت را عمیق تر و سنگین تر بر شانه های خود یافتیم ، بر همین مبنای باید بگوییم که امروز انواع تضییقات بر ما وارد می شود به گونه ای که حتی جمعی از خواهران و برادران دانش آموز ما که بعضی از آنان حتی بر سر مواضع جنگ از سازمان جدا شدند با وجود مراجعه مکرر و معرفی خود به کمیته ها و دادستانی انقلاب ، از کمترین حقوق خود ، یعنی حق تحصیل محروم گشته اند و این در حالی است که از طرف موضع چپ رو نیز انواع برجسبها بر ما زده می شود از قبیل بریده ترسو ، فاقد توان مبارزاتی و ... و بعد از این نیز می دانیم که این فشارها افزایش خواهد یافت .

دوستان فدایی !

بگذارید ضمنا تذکر دهیم که برای ما امکان دسترسی مستقیم با شما وجود نداشت به همین دلیل فرستادن این نامه تا امروز یعنی بعد از چاپ بیانیه مشترک شما و حزب توده ایران که راه کنونی را پیش پای ما نهاد به تعویق افتاد و در ضمن جا دارد که اظهار نظرنمائیم که آن بیانیه را نه تنها جهت حل دشواری های انقلاب جامع و حاوی نکات مثبتی یافتیم ، بلکه متوجه شدیم که انتقاداتی که ما نسبت به حزب توده ایران داشتیم نیز در این بیانیه تا حد زیادی مورد تصحیح قرار گرفته ، که البته از دیدگاه ما این اتحاد همراه با ارائه این خط در صورت تداوم جای تریک انقلابی دارد . که امیدواریم این تریک را از جانب ما بپذیرید . چرا که ما به عنوان نیروهای مسلمان با احترام به همه معتقدان و پیروان سوسیالیسم علمی ، با توجه به اختلافاتی که نه به لحاظ علمی ، که به لحاظ فلسفی ما شما داریم ، اظهار می داریم که امروز هر گام اصولی و هر حرکت سنجیده در جهت حل مشکلات انقلاب ضد استبدادی - ضد امپریالیستی و مردمی ایران عملی است قابل تأیید و قابل حمایت و تریک با امید به پیروزی خلقمان

گسترده تر باد اتحاد و همکاری همه نیروهای مبارز راه استقلال و آزادی

پیروزی باد انقلاب ضد استبدادی - ضد امپریالیستی و مردمی ایران

مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم امریکا

زندهداد اسلام - سلام برخلق



خود با دستاوردهای علمی بیشتر آشنا خواهد گشت و به این ترتیب راه بروز چنین حرکات تروریستی ، غیرعلمی و نتیجتا خود به خودی را به صورت واقع بینانه مسدود خواهد نمود .

ب - سخن گفتن و جلوگیری از کجروی عزیزی که می دانیم هنوز به صورت پراکنده ، درون تشکیلات مجاهدین هستند ولی با مواضع سازمان موافق نبوده و برغم اعتقاد خود عمل می کنند . در اینجا لازم است تأسف خود را از اعدام چند تن از این عزیزان اعلام کنیم ، عزیزی که نه تنها هرگز دست به اسلحه های نبرده بودند بلکه از ماهها پیش به مقابله با اتخاذ چنین سیاست هایی پرداخته بودند و ما به رنجی که آنها در این راه کشیدند بخوبی آگاهیم . عزیزی که تنها به دلیل سابقه فعالیت برای مجاهدین و عدم داشتن مدرک کافی جهت اثبات نظراتشان و یا شاید عنوان نمودن مواضع فردی نهایتا بدست جریانی از سیستم که هرگز آن را دشمن خود قلمداد نمی نمودند ، به

امروز به همین دلیل ما شما را برای بیان مطالب انتخاب کردیم و با شما سخن می گوئیم ولی به هر حال روی سخن ما با متحد شما یعنی حزب توده ایران نیز هست اما نکته مهم اینکه چرا ما عده ای از هواداران سابق مجاهدین خلق بر بیان مواضع خود اصرار داریم :

الف - با اعتقاد به اینکه در مقابل موضع چپ رو ، مواضع راست روانه که امروز بسیار سعی در تقویت آن است نه تنها دردی را بر خلاف آنچه حاکمیت تصور می کند درمان نمی کند ، بلکه بطور قانونمند آن را تشدید نموده ، باعث تقویت مواضع آن عده از افراد که به این چپ روی معتقدند می گردد سعی در پیش کشیدن و مطرح نمودن مواضع اصولی تر که تا حد توان ما با بینش های علمی همراه می باشد صحیح ترین گام است . در مقابل این هر دو جریان ، موضعی که به اعتقاد ما در صورت عنوان گردیدن ، در پروسه خود محکم تر گردیده با توجه به اصول و بینش های فلسفی

بسم الله الرحمن الرحيم  
زَبَّ اُدْجَلْنِي مَدْخَلْ صَدَقِي  
وَ اُخْرَجْنِي مَخْرَجْ صَدَقِي  
وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لُدُنْكَ سُلْطَانًا  
نَصِيرًا

دوستان فدایی !

در همین جا اجازه می خواهیم که خود را بطور اختصار معرفی کنیم ، ما جریانی بودیم درون مجاهدین که هرچند پراکنده ( به دلیل شرایط درونی که امکان شکل گیری و ایجاد پیوند فکری را از بین می برد ) ولی با توجه به حد امکان موجود در مقابل سیاست های غلط سازمان به مبارزه درون تشکیلاتی پرداختیم و در این زمینه بهترین یاور ما صحت گفتارمان در صحنه واقعیت بود .

دوستان ، مسلما متوجه هستید که فضایی که ما در آن قرار داشتیم ، تا چه حد نیازمند به برخوردهای اصولی از بیرون بود و این برخوردها تا چه حد می توانست جهت مسائل مطرح شده از طرف ما موثر باشد . ... سخن کوتاه ،

از بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## پیام مابه همه نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و همزمان ارجمند  
پیام ما به شماست :

به شما مسلمانان پیرو راستین امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه مسخ محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید

به شما زحمتکشان و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی ، در راه استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید ،  
به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان آرزوهای حق‌طلبانه خود را منعکس می‌بینید .

پیام ما به همه احزاب ، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی ضدامپریالیستی و مردمی ایران از هر مسلک و عقیده‌ای است .

پیام ما ، نیز به شما هواداران راه‌گم‌کرده " مجاهدین خلق " و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که به سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جساده انقلاب به کنار افتاده‌اید .

پیام ما به همه شماست .

بیائید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران ، یعنی توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را درهم شکنیم و جبهه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گرد آوریم .

هموطنان ، برادران و خواهران همزم !

بیائید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جبهه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان پلید آن را سازمان دهیم و طومار همه توطئه‌های گنونی و آینده‌انها را درهم پیچیم !

مردم زحمتکش و میهن ما دست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته ، نظام جمهوری اسلامی برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال ، آزادی، عدالت اجتماعی را تأمین کند .

انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در یکی از مهمترین مناطق استراتژیک جهان ، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی از آن می‌گذرد ، ضربه کاری و حیران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط‌جابرانه و غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین روزهای اوج‌گیری خود ، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود برانگیخت .

امپریالیسم و ارتجاع جهانی ، به سرکردگی امریکا ، تا روزی که هنوز به عنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند ، به هیچ‌وجه نمی‌توانند با انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش سازگار باشند .

... تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری ، خودمحموری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی ، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد .

در چنین محیط‌هایی است که دشمنان مکار و کارکشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند ، با کمک آنها نبال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر تا حد ایجاد برخورد‌های خونین برادرکشی می‌رویند .

.. به نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) ، این عامل تاریخی جهانی ، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز ضدامپریالیسم و ضدبیدادگری درون یک کشور سراسر جهان را می‌توان و باید در جامعه ما بکار گرفت .

سرنوشت انقلاب ما به این امر بستگی دارد .

این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که با بدست گرفتن آن می‌توان کلاف درهم‌پیچیده را گشود و کوتاه‌ترین ، درست‌ترین و کم‌رنج‌ترین راه را برای چیره‌شدن بر دشواری‌ها یافت

بی‌اعتنایی به این ضرورت تاریخی ، انقلاب ما را در بیراهه‌ها سرگردان خواهد کرد .

برادران و خواهران همزم !

بیائید ، همه نیروهای خود را برای تحقق اتحاد بزرگ تاریخی خویش بکار گیریم فراموش نکنیم که اتحاد برنده‌ترین سلاح ما در بیکار علیه دشمنان انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام نیروی جهنمی خود را برای جلوگیری از تحقق چنین اتحادی بکار انداخته‌اند .

بر ما است که این توطئه دشمنان انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران را با ناکامی روبرو سازیم

### پایان روزهای پراکندگیست برگردید

از جنگل حماسه و ایثار  
تا انقلاب خلق  
قلب بزرگ و پرطیش تو  
با روزهای روشن آینده می‌طپید  
تسلیم‌ناپذیر  
همراه انقلاب  
در سنگر مبارزه با دشمن  
آواز رهگشای رهایی را  
خواندی و آمدی .  
هرچند در گشاکش طوفان  
انبوه بادهای مخالف  
این دشمنان راه -

این گشتی شاور دریای سرخ را  
یک چند از صداقت راهی که می‌سپرد  
آنگونه دور کرد  
اما سرشت تو

امواج سربلندی خروشان خلق را  
در پیش روی داشت .  
وز رهنمود روشن دریادلان پیر  
از بادهای هرز مخالف  
اینگونه دور گشت

تا ساحل خجسته امروز  
روشن‌تر از همیشه قد افرازد  
در چشم‌های ما  
یار عزیز من !

رزمنده منافع زحمتکشان خلق !  
در راستای وحدت و تحکیم انقلاب  
قلب کدام‌کس

آواز عاشقان تو نشنیده است ؟  
در جبهه حماسه تسولید  
همراه کارگر

دست تو کار کرد  
همراه با ترانه رنج زن برنج  
رنج تو می‌شکفت  
در سنگرمقابله ، در جبهه‌های جنگ

چشم کدام‌کس  
آواز یارپاره قلب ترا ندید  
چشم کدام‌کس ؟  
جان تو خسته نیست

اما  
برجان تو خراش جدیدیست  
از فتنه دوباره و اما ندگان راه  
راهی چنین بزرگ

راهی که در حماسه و خون و امید و خلق  
قد راست می‌کند  
و آن رهروان جنبش خلقی بزرگ را  
تا باغ پرشگوفه مقصود می‌برد .  
هرچند در گشاکش این راه پرامید  
یاران خسته‌ای  
با رای خفتگان بدآموز  
پیوندهای قلب تو با باغ سرخ را  
در راستای روشن فردای سربلند

باور نمی‌کنند  
اما صدای تو  
پرشور و پرخروش و مصمم‌تر می‌گوید:  
یاران بازمانده !  
تانتبه‌های راه

چیزی نمانده است  
پایان روزهای پراکندگیست -  
برگردید

پیروزی خجسته بسیار دیگری  
در پیش روی ماست  
آغوش مهربان من اینک  
گسترده و شکفته‌تر از پیش  
در انتظار لحظه پیوستن شماست  
امروز با ترانه پیروز خلق خویش  
ما آبروی عشق جهانیم .

ما آبروی عشق جهانیم .



### باین جنایت رسیدگی کنید!

### مهرانگیز مسعودی بصرف پایبندی

### به اعتقاد آتش در تهران اعدام شد

مهرانگیز رقیقی بود که در زندگی خود به عقاید مردم مسلمان عمیقاً احترام می گذاشت  
مغرضین او را بسبب دروغ ضد اسلام معرفی کردند

پنجشنبه پنجم آذر ماه  
۱۳۶۰ - شماره ۱۶۵۸۶  
۱۲ - مهرانگیز مسعودی فرزند ناصر - ترویج مارکسیسم در مدرسه و اهانت به اسلام در محیط زندان و تحریک زندانیان علیه اسلام و قرآن

### به این اعدام های غیر قانونی رسیدگی کنید!

فدائیان خلق ( اکثریت )	دادگاه	فدائیان خلق ( اکثریت )	دادگاه
۱- یعقوب یزدانی	بهشهر	۸- محمدرضا گلشن	شیراز
۲- علی اکبر حیدریان	بهشهر	۹- عبدالوهاب فلسفیان	شیراز
۳- محمود فضلی	بهشهر	۱۰- عبدالرسول دشتیاری زاده	بوشهر
۴- خسرو مائی	سنندج	۱۱- محمد دشتیاری زاده	بوشهر
۵- شفیق رضائی	سنندج	۱۲- حمیدرضا پریدار	تهران
۶- عادل قربانی	اردبیل	۱۳- فرزین شریفی	تهران
۷- حمید شبانی	شیراز	۱۴- مهرانگیز مسعودی	تهران

از میدان خراسان چهار راه مینا توسط واحد گشت کمیته میدان خراسان بازداشت گردید. در بازرسی از منزل وی جز تعدادی کتاب قصه کودکان، نشریه کار ( اکثریت ) و تعدادی کتاب های معمولی و یادداشت های پیرامون همین کتابها، وجود نداشت. او مدتی در کمیته میدان خراسان بازداشت بود در کمیته به مادرش گفته بود نگران وضع من نباشید من بیگناهم و بروی آزاد خواهم شد. پس از چند روز از کمیته به زندان اوین منتقل می شود. تلاش خانواده برای ملاقات با وی در اوین به جایی نمی رسد. تا اینکه

و احترام کامل به عقاید آنها به سخنان آنها گوش می داد آنها هیچگاه مهرانگیز را از خود جدا احساس نکردند در تمام تابستان پنجشنبه ها به مدرسه می رفت و در کلاس های تقویتی با دانش آموزان کار می کرد.  
مهرانگیز با تمام وجود از انقلاب و آرمان های عدالت خواهانه سازمانش دفاع می کرد. یک روز تعریف می کرد:  
پس از شهادت رجاییسی همانند میلیون ها مردم به خیابان رفتم، همه مالامال از نفوسرت به آمریکا و توطئه هایش بودند. یکبار متوجه شدم که همراه با مردم های های می گریم"  
رفیق مهرانگیز شنیده یازدهم مهر پس از بازگشت



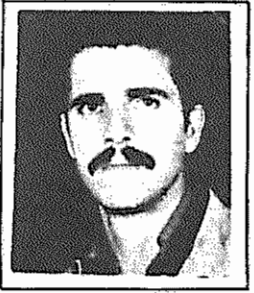
را با چهره واقعی امیرالیسم آمریکا و سایر دشمنان انقلاب آشنا سازد.  
همکاران او در مدرسه از میان مسلمانان انقلابی پیرو خط امام با اطلاع از موضع وی، صمیمانه ترین روابط را با او داشتند. با آنها به بحث و گفتگو می نشست با مناتت

نخواهد شد. مهرانگیز در مقابل مشکلات بسیار صبور و بر تحمل بود در مبارزه با مشکلات همیشه می گفت باید بتوان بر مشکلات غلبه کرد و راه را ادامه داد.  
هر جا که مهرانگیز زندگی و کار می کرد همانجا برایش سنگر دفاع از انقلاب بود. مطالعه نشریه کار و توضیح مسائل مهم آن را در میان خانواده و آشنایان وظیفه دائمی خود می دانست. با نوشتن نمایشنامه های انقلابی و اجرای آن توسط دانش آموزان می کوشید که آنها

رفیق مهرانگیز مسعودی معلم انقلابی و هوادار پر شور و خستگی ناپذیر سازمان فدائیان خلق ایران ( اکثریت ) در پنجم آذر ۱۳۶۰ در زندان اوین تیرباران شد  
خبر اعدام رفیق مهربی آنقدر غیرمنتظره بود که تا رفقا و دوستانش با خانواده او تماس نگرفتند نمی خواستند باور کنند که در این گرمگرم مبارزه و تلاش به خاطر استقرار قانون این چنین قانون پایمال گردد و در توضیح علت اعدام بنویسند: ترویج مارکسیسم. این جنایت با هیچیک از موازین قانونی قابل توجیه نیست عاملین آن باید به مردم معرفی و مجازات شوند  
رفیق مهربی در خانواده های زحمتکش بدنی آمد با درد و زحمت بزرگ شد و همراه مردم در انقلاب بزرگمان شرکت کرد. با عشق فداکاری در راه مردم معلم شد و برای خدمت بدانشا در مدارس جنوب تهران ( خزانه ۰۰ ) بجان کوشید. و در آغاز شکوفایی و خلاقیت جان شیفته و پاکش در آتش کین تیزی دشمنان انقلاب سوخت. دوستانش در خاطرات خود از رفیق مهرانگیز می نویسند:  
... او به شاگردانش که همگی از خانواده های زحمتکش و محروم جامعه بودند عشق می ورزید چهره مهربان و پر رفت او هیچگاه از نظر بچه ها و والدین آنها که ناظر تلاش شبانه روزی و مسؤلانه اش بودند محو

مادر! من هم مثل فرزند تو یک رزمنده فدایی هستم که در جبهه جنگ علیه آمریکا می جنگم مادر! هیچ ناراحت نباش! زیرا هزاران رزمنده جای خالی محمد تو را پر می کنند.

تحریک عناصر مشکوک در سپاه مردم او را از بسیج تبریز نیز اخراج کردند.  
رفیق که در مبارزه با امیرالیسم و دشمنان انقلاب ایمانی خدشه ناپذیر داشت به محض اخراج از بسیج تبریز داوطلبانه به خدمت سربازی رفت و عازم جبهه شد و سرانجام در جبهه نبرد علیه دشمنان متجاوز بسبب شهادت رسید. در روز تشییع جنازه او بیش از چهار هزار تن از زحمتکشان شهر و هواداران سازمان شرکت داشتند. در این مراسم برخی از عناصر مشکوک که به وسیله شخصی به نام " غیبی " رهبری می شدند سعی در برهم زدن نظم داشتند که موفق نشدند.  
رفیق جعفر در نامه ای که چندی پیش به مناسبت شهادت محمدرضا اکبری اسبق به مادر او فرستاده بود، چنین نوشت:



رفیق شهید جعفر حسین پور در آخرین نامه ای که از جبهه نبرد برای خانواده اش فرستاده بود چنین نوشت:

### انقلاب برایمان

### از همه چیز عزیزتر است

اسبق " و دیگر رفقا به کار تشکل هواداران در منطقه پرداخت. عشق شدید او به انقلاب، صداقت و فداکاری هایش برای هواداران سازمان در مردم فراموش نشدنی است. رفیق هنگام شروع جنگ تحمیلی در مردم به بسیج مراجعه نموده تا ضمن آموزش به جبهه اعزام شود اما مسئولان بسیج مانع ورود او شدند. ناچار وی به بسیج تبریز مراجعه کرد و در آنجا ثبت نام نمود و بسبب آموزش پرداخت اما به

رفیق جعفر حسین پور سومین شهید از میان هواداران سازمان در مردم در قریه کوهتاب در یک خانواده زحمتکش روستایی بدنی آمد. رفیق در دوران کوتاه زندگی همراهِ تحصیل به قالیبافی پرداخت پیوند او با محیط پر از رنج و ستم خویش باعث شد که خیلی زود رهرو صدیق و پرشور راه سترگ مبارزه برای رهایی زحمتکشان باشد. بعد از انقلاب، همدوش با رفیق شهید " محمدرضا اکبری

" بدانید هر روز که می گذرد به زندگی سعادتمند بیشتر امیدوار می شوم روز پیروزی بر استعمارگران و روز برقراری صلح و برابری رسیده است لذا خوشحال و امیدوار به انقلابان باشید که انقلاب برایمان از همه چیز عزیزتر است"

از صفحه ۲۸

### «چپ»

قاسم لباسچی ، خسروشاکری ، دکتر نهاوندی و سرانجام رجوی و بنی صدر . و این دو تن از حمله آتانی هستند که بی بی سی از آنها به عنوان " نیروهای چپ " نام می برد .

پس از آنکه مفهوم واقعی این " نیروهای چپ " روشن تر شد پای برنامه های بی بی سی . می نشینیم و توجه بدانها را به هواداران هنور ناآگاه ، ولی صدیق آن جریانی که خود را " مجاهدین خلق " می نامید ولی اکنون تنها می تواند از دوستان سخاوتمند بی بی سی ها بدال " چپ " دریافت دارد توصیه می کنیم

حتی بختیار با تقسیم بندی بی بی سی . موافق نیست ! او در مصاحبه خود با اعتراض ضمنی به تقسیم بندی بی بی سی که او را در گروه " مائورو " جا داده است ، در مورد احتمال همکاری با دیگر گروهها می گوید :

" بنده همیشه موافق بودم با اشخاصی که اسمشان را گذاشته اند قابل قبول . برای اینکه سرحدی هست . این میانرو چپ رو یا راست رو ، یک الفاظی است که باید مفهوم واقعی را دید که میانروز است ؟ کی چپ رو است ؟ ... در هر صورت ... با کمال میل بنده حاضر همکاری کنم با همه گروه های قابل قبول ..

چنانکه واضح است ، بختیار از " قابل قبول " برای رحن ها و بنی صدرها و نظایر آنها فراتر نمی رود . و ایس طبیعی است ، روبرا برای بختیارها ، حیواقی و اصل جیبی که نه در روی مدال ، بلکه بر واقعیت و عمل نقش بسته باشد ، غیرقابل قبول است . چپ راستین ، یعنی آن سربویی که نه در حرف بلکه در عمل به منافع واقعی توده های وسیع خلق پای بند باشد ، علیه واسنگی و غارت مبارزه کند نه قابل قبول ، بلکه نرفراگیر و دهشتناک است و درست به همین دلیل است که بختیار ، این حاسوس فرومایه " سیا " بارها و بارها خشم و کین افتخار آفرین خود

را نثار نیروهای راستین چپ در میهن بیوزنه سازمان ما و حزب توده ایران کرده است که تمام نیروها اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ایران و از جمهوری اسلامی ایران در قبال توطئه های امپریالیستی مدافعه می کنند و نوید مرگ فجیع آنها را در صورت بازگشت داده است و بازهم درست به همین دلیل است که بختیار برای آن خائینی که در کنار او علیه دستاوردهای خلق توطئه می کند ( ولی حرمت همکاری را نیز نگاه نداشته و گناه دشنامی نثار او می کند ! ) ، از " قابل قبول " فراتر نمی رود و تلویحا به بی بی سی اعتراض میکند که اگر مدال " چپ " اهدا می کند چرا بختیار را محروم ساخته است ! ؟

علی امینی از بختیار صریحتر سخن می گوید . او که په گفته بی بی سی بیش از دیگران برای ایجاد تفاهم میان سه گروه یاد شده تلاش می کند ، اصولا منکر هرگونه اختلاف غیرقابل حلی است امینی بکلی تقسیم بندی بی بی سی را بهم میریزد و در پاسخ سؤال مکرر خبرنگار که می پرسد :

" آیا واقعا شما معتقدید که یک شورای ملی در خارج می شود تشکیل داد که در آن نماینده های از گروه سلطنت طلب آزاد شفیق از گروه سازمان مجاهدین خلق ، آقای بنی صدر آقای نزیه همه درش باشند ؟ " می گوید :

" بنده مکرر گفته ام سلطنت طلب و جمهورخواه همه ممکنه با همدیگر باشند به شرطی که به عقیده بنده با تعصب ( با مسائل روبرو نشویم ) ... در این راه اختلاف سلیقه باشد این را می شود حل کرد ... نه جمهورخواه باید متعصب باشد ، نه سلطنت طلب ، نه آقای رجوی بالاخره مملکت همه جا درش دارند و اگر ما بخواهیم دمکرات باشیم و دمکراتیک فکر کنیم ، اولین کار این است که تحمل هم را زیاد داشته باشیم ، به هم نپریم و داد و فریاد نزنیم

واقعیتی دردناک است ولی واقعیت است و بر آن نمی توان بی مکافات چشم فرو بست . امینی ، پیادوی سرشناس " سیا " میان رهبر خائن و مفلولک جریانی که " داعیه تنها نیروی ضد امپریالیست جامعه ما بودن را داشت و آزاده شفیق دختر اشرف حتی تفاوت قابل توجهی قائل نیست برای او رجوی و بنی صدر این مقاله های فشرده شده آمریکا که نقش خود را ایفا کرده اند تنها کمی شلتاق می کنند ، کمی متعصبند تحمل ندارند ، شلوغ می کنند و بیپوده فریاد می زنند .

همین و بس !  
گویی امینی از زبان " سیا " به آنها می گوید :

" آقایان ! تصور کرده اید به کجا آمده اید ؟ اینجا پاریس است در خیابان آن طرف تر ، بختیار و در دیگری آزاده شفیق سکونت دارند . برای ما میان شما و آنها تفاوتی نیست . شما هم مثل آنها کار خود را کرده اید . در واقع هیچ کار نکرده اید . سازمان شما هم نه تنها به حکومت خمینی گزندی نرسانیده ، بلکه خود نیز متلاشی شده است پس آرام باشید و دمکراتیک فکر کنید . کسی شمارا به پیمودن این راه مجبور نکرده بود . ولی حال که آمده اید پس آن را تا به آخر روید ... متعصب نباشید !

اما از آنجا که ایس " چپ های نازنین " ! هنوز فریب خوردگانی رابه دنبال می کنند ، که حتی حاضرند خود را برای نابود کردن یک " آخوند بنیادگرا " تکه تکه کنند ، باید زبان ملایمت را نیز فراموش نکرد . امینی می گوید :

معتقدم آقای رجوی و جوانان ( همفکرش ) در سازندگی آتی مملکت نقش موثری خواهند داشت . ولی البته ... به نظر شخص من البته توهینیی تلقی نشود جوان هستند تجربه اداری ندارند ، اداره امور یک مقدار تجربه می خواهد ... اما نه اینکه این آقا بگوید چون من تفنگ دست گرفته ام و شخصیتی هم دارم بنام براین جایی برای دیگران نیست ، من باید پیام و من درست می گویم

مصاحبه های بی بی سی . هنوز مطالب جالب و قابل توجه بسیار دارند . بی بی سی گزارش می دهد که :

" قاسم لباسچی ( از سرمایه داران بزرگ وابسته بازار ، که به خارج از کشور گریخته است ) از اصول شورای ملی مقاومت به رهبری آقای مسعود رجوی حمایت می کند ، ولی در چند زمینه از جمله اقتصاد توحیدی و ملی کردن بازرگانی با افکار مجاهدین موافق نیست "

یک بار دیگر حملات فوق را بخوانید . نماینده سرمایه داری بزرگ وابسته ایران و بزرگ غارتگر بازار از رهبری سازمانی حمایت می کند که مدعی ریشه کن کردن سرمایه داری وابسته و برقرار کردن اقتصاد توحیدی ، یعنی ریشه کن کردن غارتگری و استثمار است ! چه کسی اشتباه کرده و فریب خورده است : قاسم لباسچی یا هواداران صدیق " مجاهدین خلق " ! چنانکه می بینید حتی طبقه غارتگر و توطئه گر سرمایه داری وابسته نیز " چپ " بودن رجوی ها را جدی نگرفته است

### تصحیح

در کار شماره ۱۴۰ ، در تایپ قطعنامه و اعلامیه کمیته مرکزی درباره اقدامات توطئه گرانه و توافق افکنانه کشتگر - هلیل رودی اشتباهاتی صورت گرفت که به این وسیله تصحیح می شود :

۱ - قطعنامه پلنوم کمیته مرکزی ، سطر پنجم : غلط : " به اتفاق ، تصمیمات زیر را اتخاذ نمود " صحیح : " به اتفاق آراء تصمیمات زیر را اتخاذ نمود "

۲ - اعلامیه کمیته مرکزی :

ستون اول ، پارگراف ششم ، سطر سوم : غلط ... به دلیل وجود تزلزلات جدی در برخورد سازمان با حادثترین مسائل انقلاب " صحیح " ... به دلیل وجود تزلزلات جدی در برخورد با حادثترین مسائل انقلاب "

و اختلاف نظرها در واقع از حد همان " تعصب " عدم تحمل " و " بی نزاکتی " فراتر نمی رود . در واقع آیا رجوی ها و سازمان " مدافع منافع خلق " آنها کدام کام ولو کوچک علیه غارتگران و نمایندگان سیاسی آنها برداشته اند ؟ آیا آنها بحال بجز کشتار و ترور شخصیت های مسلمان مدافع منافع محرومان و دشمنان سرمایه داران غارتگر ، مدافع دهقانان و خصم بزرگ مالکان چپاولگر ، کدام " مبارزه " را علیه کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان از پیش برده اند ؟ آیا واضح نیست که این شعارهای توخالی رجوی ها چیزی جز وسیله ای برای فریب جوانان پاک نهاد ولی غافل و گمراه و ساده دل ، برای کشاندن آنها به مسلخ توطئه های امپریالیستی علیه نبوده است ؟ این چگونه " چپی " است که بختیار بی میل نیست وی را هم از زمره آن بدانند ، امینی تفاوت میان این " چپ " و آزاده شفیق ها را فقط در کسی " تعصب " و " عدم تحمل " می بیند و سرمایه داری بزرگ وابسته ، پیدریخ از " اصول آن حمایت می کند ؟ ! بختیار در همین مصاحبه های رادیویی ، عصارا اهداف این طیف تقسیم ناپذیر آدمکشان و مزدوران را چنین بیان کرده است :

" یک هدف داریم کوبیدن خمینی ... از هر وسیله ای استفاده می کنیم ، با خمینی مبارزه می کنیم "

هواداران صادق ولی هنوز گمراه " مجاهدین خلق " روی سخن ما با شماست ! آیا منظور بختیار از ایس جملات از جمله شما نیستید ؟



### دوستان و دشمنان ...

نقشه از صفحه ۴

افغانستان علیه دسیسه‌های امپریالیستی صهیونیستی و مائوئیستی دفاع می‌کند. ( ۱۶ مه‌ماه ۱۳۵۹ ) در همین ارناط نیر حزب کمونیست سوریه در پیامی تحلیلی با تکرار بر اوضاع منطقه و به هم پیوستگی انقلاب افغانستان و مبارزات حق طلبانه مردم فلسطین با صراحت ضمن اعلام پشتیبانی قاطع از رهبری جدید افغانستان اعلام نمود:

" تقاضایی که از طرف حکومت افغانستان از کشور اتحاد شوروی برای حمایت سیاسی اقتصادی و نظامی به عمل آمده یک اقدام قانونی برای حفظ استقلال دولت جدید و دستاوردهای انقلاب شور آوریل ۱۹۷۸ می‌باشد. نیروهای مترقی سوریه و جهان عرب به وضوح اهداف تبلیغاتی امپریالیسم - صهیونیسم و ارتجاع را علیه افغانستان نوین درک می‌کنند دشمنان ترقی و تکامل می‌کشند نه تنها انقلاب و رژیم افغانستان را بدنام سازند ، بلکه می‌خواهند توجه عموم مردم جهان را از جنایاتی که علیه خلق عرب فلسطین و انقلاب ایران مرتکب می‌شوند منحرف سازند

معمرفدائی رهبر دولت نویناد لیبی ، در جریان دیدارش از اتحاد شوروی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ ، در پیام مشترکی که به مناسبت این دیدار منتشر شد حمایت مردم لیبی را از دولت دمکراتیک افغانستان اعلام داشت

همچنین یاسر عرفات رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین ، در پیام خود خطاب به رئیس شورای انقلاب جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌نویسد : " همبستگی و حمایت برادرانه و راستین شما از مبارزات خلق فلسطین شایان ستایش است " در این پیام آمده است :

" انقلاب شور در افغانستان برای پیروزی انقلاب فلسطین پشتوانه جدیدی است و به منزله

سنگری است بر ضد امپریالیسم ، صهیونیسم استعمار .

و نیز از سوی کمیته مرکزی جبهه آزادیبخش خلق فلسطین پیامی منتشر شد که در آن چنین آمده است که :

" .. حملات سرسختانه امپریالیسم بسرکردگی ایالات متحده آمریکا و دست‌نشانندگان ارتجاع در منطقه بر ضدانقلاب و مردم افغانستان و بر ضد انقلاب ایران و آرمان توده‌های قهرمان ایران و بر ضد منافع همسایه خلقها و نیروهای مترقی منطقه ادامه دارد "

این پیام‌های همبستگی در حواری خیل بیشتر پیام‌های دیگر ، از پیام دولت یمن دمکراتیک ، پیام نایف حواتمه دبیرکل جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین پیام کرشناگوپال منشی عمومی اتحادیه‌های کارگری سراسر هند تا پیام‌های کاسوفومی‌هان نخست‌وزیر و سوفانانگ رئیس جمهوری لاوس ، پیام حزب کارگران سودان ، حزب کمونیست سنگلادش ، کمیته دفاع از صلح جهانی ویتنام تا احزاب مترقی الجزایر حزب کمونیست زاپن و ... همه و همه بیانگر یک مطلب هستند بیانگر ندای پیوستگی همه نیروهای انقلابی علیه امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع جهانی .

اگر دول نویناد و نیروهای مترقی منطقه در کنار انقلاب شور و علیه امپریالیسم جهانی صف‌بندی کرده‌اند ، س . آی . ا . ( سیا ) با مرتجعین منطقه علیه خلق و انقلاب افغانستان توطئه‌های رنگارنگی سازمان می‌دهد . جین موشک‌های ضدتانک و ضد هوایی در اختیار باندهای ضدانقلابی افغانستان قرار می‌دهد . سلاح‌های ساخت آمریکا و مصر به‌وفور در اختیار این باندها قرار می‌گیرد ، این مزدوران در خاک مصر تعلیم می‌بینند

در خاک پاکستان اردو می‌زنند ، و برای خرابکاری به داخل افغانستان گسیل می‌شوند . دخالت آمریکا در

توطئه‌های براندازی علیه حکومت افغانستان آنچنان آشکار است که دبلی تلگراف چاپ لندن گزارش داد ، سیا برای اجرای نقشه مداخله نظامی در افغانستان بودجه هنگفتی تخصیص داده است در ملاقات الکساندر هیک ، وزیر امور خارجه آمریکا با آقا شاهی وزیر امور خارجه پاکستان آمریکا تضمین کرد که طی یک قرارداد پنج‌ساله صددها میلیون دلار به پاکستان کمک نظامی کند .

آقا شاهی صراحتا اعلام داشت که این قرارداد علیه انقلاب افغانستان است . نصرت بوتو اعلام داشت که رژیم ضیاءالحق از بودجه اهدایی از خارج برای تربیت و آموزش خرابکاران افغانسی استفاده می‌کند ، و بیش از ۸۰ اردوگاه نظامی در خاک پاکستان به توطئه‌ورزی پناهندگان افغانسی اختصاص یافته است .

برزیل سکی عربستان سعودی را علیه انقلاب شور تجهیز می‌نماید . و این چنین است که انقلاب و ضدانقلاب در منطقه حول مسئله انقلاب افغانستان و نقش آن در روند انقلاب جهانی به صف‌بندی‌های مشخص کشیده شده‌اند .

در این میان درگ برداشت بغایت نادرست و خلاف واقع جمهوری اسلامی ایران از انقلاب افغانستان موجب شده است که این جمهوری در تناقض بزرگی گرفتار آید . از یک سو جمهوری اسلامی به مثابه یک نظام ضد امپریالیستی و مردمی در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا در منطقه قرار دارد و از سوی دیگر در رابطه با انقلاب افغانستان ، عملا همان راهی را برگزیده است که آمریکا مشوق آن است این تناقض بزرگ چهره انقلاب ما را مخدوش ساخته و به اعتبار مردمی آن لطمه وارد آورده است تداوم این موضع گیری بغایت نادرست برای انقلاب ایران و منطقه خطرات عظیمی را دربر دارد ما بار دیگر نسبت به سیاست دولت جمهوری اسلامی نسبت به انقلاب افغانستان هشدار می‌دهیم و مسئولین را به تامل در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب افغانستان فرا می‌خوانیم .

ببرک کارمل در پیامی که چندی پیش به حضور رهبر انقلاب ، امام خمینی ارسال داشت ، عواقب

شوم پیروزی ارتجاع در افغانستان را یادآور شد و گفت دشمنان مشترک مردم ایران و افغانستان با این عمل :

" صلح و امنیت را در منطقه برهم می‌زنند و از سوی دیگر نقشه تعرضی سیاست آمریکا بطور ویژه‌ای علیه استقلال و انقلاب آزادیبخش اسلامی خلق قهرمان ایران قوت می‌یابد "

پیام کامل به رهبر انقلاب ایران ، چنین

نصرت بوتو اعلام داشت

که رژیم ضیاءالحق از بودجه اهدایی از خارج برای تربیت و آموزش خرابکاران افغانسی استفاده می‌کند ، و بیش از ۸۰ اردوگاه نظامی در خاک پاکستان به توطئه‌ورزی پناهندگان افغانسی اختصاص یافته است .

برزیل سکی عربستان سعودی را علیه انقلاب شور تجهیز می‌نماید . و این چنین است که انقلاب و ضدانقلاب در منطقه حول مسئله انقلاب افغانستان و نقش آن در روند انقلاب جهانی به صف‌بندی‌های مشخص کشیده شده‌اند . در این میان درگ برداشت بغایت نادرست و خلاف واقع جمهوری اسلامی ایران از انقلاب افغانستان موجب شده است که این جمهوری در تناقض بزرگی گرفتار آید . از یک سو جمهوری اسلامی به مثابه یک نظام ضد امپریالیستی و مردمی در صف مقدم مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا در منطقه قرار دارد و از سوی دیگر در رابطه با انقلاب افغانستان ، عملا همان راهی را برگزیده است که آمریکا مشوق آن است این تناقض بزرگ چهره انقلاب ما را مخدوش ساخته و به اعتبار مردمی آن لطمه وارد آورده است تداوم این موضع گیری بغایت نادرست برای انقلاب ایران و منطقه خطرات عظیمی را دربر دارد ما بار دیگر نسبت به سیاست دولت جمهوری اسلامی نسبت به انقلاب افغانستان هشدار می‌دهیم و مسئولین را به تامل در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب افغانستان فرا می‌خوانیم .

ببرک کارمل در پیامی که چندی پیش به حضور رهبر انقلاب ، امام خمینی ارسال داشت ، عواقب

خاتمه می‌یابد :

" در انتها به صراحت برادرانه اعلام می‌دارم که دولت و حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان هرگز به احادی اجازه نخواهد داد که کشور ما را به پایگاهی بر ضد انقلاب اسلامی ایران و بر ضد منافع خلق برادر ایران قرار دهند و انتظار داریم که دوستان ایرانی ما نیز روش همگونی را اتخاذ نمایند .

از صفحه ۱۹

### مهرانگیز مسعودی بصرف پایبندی ...

عدم برخورد قاطع مسئولین جمهوری اسلامی ایران جهت شناسایی ، معرفی و مجازات این عناصر هر روز ضربات بیشتری بر انقلاب وارد می‌سازد . ما با استناد به پیام اخیر امام خمینی ، بخشنامه دادستانی کل انقلاب در مورد عدم دستگیری افراد وابسته به غیرگروهک‌های محارب و سخنان آیت‌الله موسوی اردبیلی که در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد " در تظاهرات شرکت کردن موجب اعدام نیست ، و انتقاد شدید هم موجب اعدام نیست فعلا آنچه در دادگاه‌ها عمل می‌کند آن عبارت است از قیام مسلحانه یا کسی را بکشند انفجاری را بوجود بیاورد ... "

از مقامات و نهادهای مسئول بخصوص بازرسی کل کشور می‌خواهیم به این جنایت و نظایر آن رسیدگی نمایند . از مسئولین امر می‌خواهیم که عاملین این جنایت را که وقیحانه علت اعدام مهرانگیز را به صراحت " ترویج مارکسیسم " ذکر کرده‌اند و در کنار این بی‌شرمانه‌ای را که به هیچوجه به رفقای ما نمی‌چسبد ردیف نموده‌اند ، هرچه سریع‌تر به پای میز قانون بکشانند . ما خواستار آن هستیم که با اجرای قاطع پیام امام بر تکرار چنین فجایعی نقطه پایان گذارده شود . تاخیر در اجرای قانون در مورد عاملین این جنایات تکرار مداوم آنها را به دنبال دارد .

### آمریکا در تدارک ایجاد کانونهای جدید تجاوز...

بقیه از صفحه ۵

دشمن با دروغ پراکنی تلاش دارند از گسترش همکاریهای ایران با این کشورها جلوگیری نمایند.

اجرای اصلاحات بنیادین اجتماعی به سود رحمتکشان و مستضعفان جامعه و کوشش جهت استقرار حکومت قانون، ضمن تحکیم وحدت در صفوف مردم ماست. دشمنان انقلاب با خرابکاری و ایجاد تشنج و درگیری می‌کوشند از انجام این اقدامات و استقرار حکومت قانون جلوگیری نمایند. جمهوری اسلامی ایران باید با آگاهی نسبت به ترفندهای گوناگون دشمنان انقلاب، انجام اصلاحات بنیادین اجتماعی و استقرار قانونیت را جهت خنثی نمودن توطئه‌های امپریالیسم وظیفه‌ای مبرم و تاخیرناپذیر تلقی نماید. تنها حرکت در راستای تحقق آماج‌های اصلی انقلاب بزرگ مردم ایران یعنی مبارزه در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی است که می‌تواند توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکا را درهم شکسته و انقلاب را در جهت پیروزی‌های بازم بیشتر، به پیش راند.

پابرجا هستند رابطه صلح‌آمیز متقابل خواهیم داشت

اطهارات آقای احمد عزیزی که نشانگر روشن‌بینی نسبت به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا است و سیاست صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران نسبت به همسایگانش را بیان می‌کند، نباید در تدارک عملی جمهوری اسلامی ایران به خاطر درهم شکستن توطئه جدید آمریکا انعکاس یابد.

در این راه مبرم‌ترین وظیفه تحکیم پیوند انقلاب ایران با دوستان آن در سراسر جهان است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در جهت همکاری هرچه نزدیک‌تر با جبهه کشورهای پایداری و تمام نیروهای ترقیخواه منطقه سمت‌گیری نماید. کشورهای سوسیالیستی و در راس آن اتحاد شوروی بزرگترین دوستان انقلاب ما هستند. گسترش همکاری ایران با کشورهای سوسیالیستی در تمام زمینه‌ها ضمن اصلی حفظ استقلال و تمامیت ارضی میهن انقلابی ماست. امپریالیسم خبری و عوامل

عربستان گفتگوهایی را در سطح نظامی آغاز کرده‌اند که به نظر می‌رسد تحت هدایت آمریکا صورت می‌گیرد. و این تداعی کننده پیمان لغوشده سنتو است با این تفاوت که بجای ایران عربستان نقش‌دارد.

احمد عزیزی در مورد موضع ایران در قبال مسأله فوق اظهار داشت:

"بر اساس اهداف انقلاب و بر اساس ویژگی‌های سیاست خارجی خودمان به هیچ وجه در قبال حضور نظامی آمریکا و بطور کلی حضور گسترده آمریکا در کشورهای اسلامی، بخصوص در کشورهایی که هم‌مرز ما هستند نمی‌توانیم بی‌تفاوت باشیم... در این کشورها تا زمانی که اظهار خصومت یا ما نکرده‌اند و در اظهار دوستی خود

جمهوری اسلامی، شایعه پراکنی، دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی بر اساس طرح خائنه کنفرانس طاغف احتکار و خروج مواد غذایی، ترور و ناامنی، ارتباط با ضدانقلابیون افغانی... مشغولند "جماعت تبلیغ" و "سازمان وحدت بلوچ" شورای مرکزی سنت (شمس) و باند‌های ضدانقلابی افغانی در این منطقه فعالیت وسیعی دارند در مرز پاکستان بخوبی دیده می‌شود که چگونه توطئه‌های امپریالیسم مشترکا علیه دو همسایه انقلابی افغانستان و ایران صورت می‌گیرد.

توطئه جدید آمریکا را درهم شکنیم

آقای احمد عزیزی قائم مقام وزارت امور خارجه ۲۲ آذر در مصاحبه با خبرنگار اطلاعات گفت: "ترکیه و پاکستان با

در برمی‌گیرد. در مقابل، پاکستان در بندر کراچی به ناوهای هواپیمابر و کشتی‌های آمریکایی امکان رفت و آمد می‌دهد و پایگاهی در "گودر" (نزدیکی مرز ایران) در اختیار نیروهای واکنش سریع می‌گذارد. رژیم ضیاءالحق در حالی که با تاسیس شورای ایدئولوژی اسلامی و دادگاه‌های شریعت و وضع مالیات‌های عسرو ذکات دست به عوام‌فریبی می‌زند به کمک دلارهای سودی، سلاح‌های آمریکایی و چینی به گسترش درگیری با افغانستان تحریک علیه هند و توطئه‌چینی در مرزهای ایران ادامه می‌دهد. دار و دسته‌های ضدانقلابی مرزهای ایران و پاکستان به تشکیل و جمع‌آوری دسته‌های مسلح قاچاق مواد مخدر و کالاهای مصرفی و لوکس، خروج ارزه کوشش در جهت ایجاد و گسترش جو نارضایتی و بی‌اعتمادی نسبت به دولت

آشتی‌ناپذیر انقلاب ایران و تمام نیروهای انقلابی و ترقیخواه در جهان نیستند. تحکیم سوسیالیسم در لهستان، تحکیم جبهه جهانی انقلاب است. انقلاب ایران باید از این جنبه با فاطمیت دفاع نماید مواضع غیرواقعی و مفرضانه رسانه‌های گروهی جمهوری انقلاب ماست. ما امیدواریم که دولت جمهوری اسلامی وقایع لهستان را واقع‌بینانه ارزیابی کرده و مواضعی شایسته انقلاب ایران اتخاذ نماید

لهستان به دستاوردهای عظیمی نائل آمده‌اند. بدون شک ارتجاع بین‌المللی موفق نخواهد شد سیر رویدادهای تاریخی را در لهستان به عقب بازگرداند. و مردم و دولت لهستان بر این مشکلات غالب خواهند شد. دولت انقلابی جمهوری اسلامی ایران که خود از جانب امپریالیسم جهانی در معرض تهاجم روزافزون قرار دارد، باید با روشن‌بینی درک نماید آنها که امروز می‌کوشند نظام سوسیالیستی را در لهستان سرنگون سازند، جز دشمنان

حکومت نظامی ترسیده‌اند که همه درگوشی بایکدیگر حرف می‌زنند! و یا از قول همین رانندگان هلندی آمده است که شمار کشته‌شدگان وقایع لهستان بسیار زیاد است. و یا تفسیرهایی نظیر از بهار پراگ تا زمستان ورشو (کیهان ۲۵ آذر) لهستان آنسوی چهره کمونیسم (اطلاعات ۲۲ آذر) و مرثیه‌ای در سوگ دیکتاتوری پرولتاریا (اطلاعات ۲۵ آذر) که برعم خود کوشیده است مسأله را از بعد ایدئولوژیک مورد ارزیابی قرار دهد، غافل از اینکه چنین تحلیل مخدوش و غیرواقع‌بینانه‌ای به ناگزیر در سیاست‌نویسده آن را عملاً درکنار دشمنان انقلاب ایران قرار می‌دهد اکنون مردم لهستان درگیر مبارزه با یکی از مشکلات بخرنج تاریخ خود می‌باشند. آنچه در لهستان روی داد برخلاف تبلیغات محافل امپریالیستی به هیچ وجه ناشی از ماهیت نظام سوسیالیستی نیست، بلکه درست برعکس ناشی از عدم رعایت صحیح موازین سوسیالیسم علمی در زمینه ساختمان سوسیالیسم می‌باشد. ولی علیرغم این مشکلات در پرتو وجود نظام سوسیالیستی، مردم

بقیه از صفحه ۹

### دشمنان انقلاب ایران...

لهستان و همسوی با تبلیغات محافل امپریالیستی و امپریالیسم خبری ایجاد نمی‌کند روزنامه‌های پرتیراژ عصر کشور با این عناوین اقدام به درج اخبار لهستان نمودند موج سرکوب و بازداشت در لهستان بالاگرفت (اطلاعات ۲۲ آذر) ذوب آهن لهستان به اشغال کارگران درآمد (کیهان ۲۴ آذر) فرمانده روسی نیروهای پیمان ورشو در لهستان مستقر شد (اطلاعات ۲۵ آذر) این خبر به نقل از یک نشریه چاپ آمریکا درج شده است! درکنار این تیتورها عنوانین به نقل از منابع امپریالیسم خبری در مورد وقایع لهستان درج گردیده بطور نمونه کیهان ۲۸ آذر ما به نقل از خبرگزاری‌ها! می‌نویسد:

آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر در مصاحبه با خبرگزاری پارس در مورد رویدادهای لهستان اظهار داشت:

"... اعتقاد کلی دولت در این زمینه اعتقاد به اصلت ملت‌هاست و هر حرکتی که در مقابل اراده ملت‌ها بایستد و برخلاف خواست این اراده حرکت کند محکوم به شکست است ما آن را محکوم می‌کنیم..."

اما علیرغم اینکه این سخن نخست‌وزیر را هنوز نمی‌توان موضع صریح و روشن دولت جمهوری اسلامی ایران تلقی نمود و نخست‌وزیر اعلام چنین موضعی را به روشن‌تر شدن رویدادهای لهستان موکول ساخته است، مطبوعات رسمی کشور اقدام به درج سرمقالات و مطالبی نمودند که در مردم جز تلقی دشمنی و مخالفت با اقدامات قانونی دولت





پس از ماهها انتظار و به دنبال فرمان اخیر اسام خمینی منی بر تسریع در امر بازگشایی دانشگاهها، نیروهای صدیق بیرو خطامام با حدیث بیسری خواهان بازگشایی دانشگاهها شدند نحركي كه اخيرا از سوی نیروهای بیرو خطامام برای بازگشایی دانشگاهها حشم می خورد مخصوص در میان حیوانان میهمان ، دانشگاهان و تمامی نیروها و محافل انقلابی و توضیح خواهان علاقه مندی سوام با نگرانی به آینده انقلاب مورد استقبال قرار گرفته است .

امام خمینی در دیدار با مدرسین حوزه علمیه قم ( ۱۸ آذر ) گفتند :

" اگر بخواهند تغییرات اساسی در علوم دانشگاهی بدهند بیش از بیست سال طول خواهد کشید و نمی شود دانشگاهها را برای این مدت تعطیل کرد "

آیت الله منتظری نیز در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی بر همین امر صحه گذارده و تاکید کردند :

" از به تاخیر انداختن بازگشایی دانشگاهها برهیز شود و به این انتظار نشینیم که حتما به ارگان های ایده آلی در زمینه انقلاب فرهنگی برسیم ، بلکه به محض کسب آمادگی های اولیه دانشگاهها گشود شوند "

دفتر تحکیم وحدت انجمن های اسلامی و سازمان های دانشجویان سلمان و همدچنین واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی نیز در بیانیه هایی که به مناسبت سالروز شهادت دکتر مفتاح انتصار دادند با نوعی اظهار نگرانی نسبت به دست هایی که در کنار بازگشایی دانشگاهها تاکید کردند از تصمیمی گرفتارها و اعلامیه های سروهای صدیق بیرو خطامام این نگرانی به حشم می خورد . امروز دیگر آشکار است که اقدام به غایت رانار تعطیل دانشگاهها تا چه اندازه از مصالح انقلاب بدور بوده و به چه میزان بر بیکر انقلاب آسیب وارد آورده است .

کاربدستان ستاد انقلاب فرهنگی در روزهای اخیر بر فشار مردم و نیروهایی که نگران سرنوشت انقلابند

که طبعی نوابط امروز استاد به حد کافی نداریم ! اگر این کاریکتی در بازگشایی نیست پس چیست ؟

عناصه همین وضع را می توان در مورد گرینش دانشجویان نیز مشاهده کرد دانشجویان گروه های سیاسی طبق برخی تصمیمات و از آن مهمتر در عمشل همانگونه که مشاهده شده حق ادامه تحصیل ندارند . در مورد دانشجویان دیگر نیز هنوز ضابطه و رابطه مشخص شده است . دلیلی که آقایان با خونسردی برای تاخیر بازگشایی دانشگاهها یارها بدان استاد کرده اند این شواهد و نمونه های متعددد دیگر، سوالات و ابهامات بسیاری را در مورد عملکرد ستاد انقلاب فرهنگی باعث شده و نگرانی هایی را دامن زده است . این نگرانی در بیانیه واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی نیز منعکس است . در این بیانیه بسمه " اختلاف نظرها " و " خلا بزرگ " در ستاد انقلاب فرهنگی اشاره شده است

سازمان ما و حزب توده ایران چندی پیش در بیانیه مشترک خود ( آبان ماه ۶۰ ) از مسئولین جمهوری اسلامی خواسته بودند که :

" اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یک سو و عملکرد عناصر ناآگاه ، خودمحور ، تنگ نظر و واپس گرا از سوی دیگر جریان عظیم سرنوشت ساز انقلاب فرهنگی را از سمت گیری اصیل خود منحرف سازند "

برخی تصمیمات ستاد انقلاب فرهنگی بر درستی هشدار ما صحه گذارده است . بیش از پیش آشکار می شود دست هایی در این ستاد در کارند که علیرغم تاکیدات مکرر اسام خمینی و دیگر مسئولین می گوشت " انقلاب فرهنگی را از سمت گیری اصیل خود منحرف " ساخته و بازگشایی دانشگاهها را به علل مختلف به تاخیر اندازد مردم می خواهند این دستها را بشناسند و بدانند که کدام دستها در کنار بازگشایی دانشگاهها اخلال می کنند .

مردم خواهان بازگشایی بدون تاخیر دانشگاهها هستند و کسانی را که چنین آسیب بزرگی به انقلاب ما وارد آورده اند نمی بخشند

مردم می خواهند بدانند

## کدام دستها در کنار بازگشایی دانشگاهها

### اخلال می کنند؟

" طرح کزیش استاد و دانشجو " بود . کسانی که این طرح را در ستاد انقلاب فرهنگی تهیه کردند چنان ضوابط و تواندی را برای انتخاب استاد وضع کرده اند که براحتی می توان گفت با این طرح فقط تعداد معدودی می توانند در دانشگاه های ما تدریس کنند و تازه آن هم مانند تجربه ناموفق آموزش و پرورش ، کسانی را به خدمت خواهند گرفت که از حداقل صلاحیت های علمی بی بهره اند و وقتی هم مردم از مسئولان ستاد فرهنگی می پرسند . چرا در بازگشایی دانشگاهها تاخیر شده است ؟ با سر افراشته پاسخ می دهند

" آئین نامه اجرایی طرح مراجل مختلف بازگشایی نظام جمهوری اسلامی را انتشار دادند مناسفا در حال حاضرند به مملکت خدمت چه در آئین نامه اجرایی و چه در سایر طرحها تصمیمات این کاربدستان صحیح ، ندانم کاری و سنگ اندازی به اشکال متفاوت چشم می خورد . سنگ اندازی هایی که عملا هدمی جر به تاخیر انداختن بازگشایی ندارد . اگر فقط به یک مسئله از سائل دانشگاهها توجه کنیم مطلب روشن تر می شود . در مورد گرینش و استخدام استادان ، امام چند ماه پیش تذکراتی دادند . مضمون اساسی این تذکرات آن بود

اما این رهنمودها وقتی در مرحله اجرا فرا گرفت حاصلش

## درسوگ درگذشت دور رفیق توده ای و یک رفیق فدائی

### راه رفقای صمیمی و وفادار ادامه دارد

ایران سالیان سال برای همه دوستانش به مظهری از ایمان و صمیمیت بدل شده بود . در همین هفته خیر در دیناک دیگری نیز شنیدیم اطلاع یافتیم که رفیق محمد حسین نظام الاسلامی از رفقای فدایی ( اکثریت ) به علت ابتلا به سرطان درگذشته است .

محمد حسین ، ۲۲ سال داشت و در بروجرد در خانواده ای زحمتکش دنیا آمد . او شور و ایمانی بزرگ نسبت به مردم زحمتکش و انقلاب مردم ایران داشت و تا آخرین روز زندگی جوانش بیکر و سرفراز در راه انقلاب و آرمان مردم زحمتکش می رزید .

یک رن توده ای و یک کارگر توده ای و یک رزمنده جوان فدایی از میان ما رفتند . راه این رفقای صمیمی و وفادار به آرمان های مردم و سوسیالیسم ادامه دارد .



رفیق صفا از همزمان نزدیک و باورن مستقیم رفیق شهید خسرو روزبه بود . فروتنی او که از هیچ کار حزبی هر قدر به ظاهر کوچک می نمود ، ایامی نداشت و با صمیمیت و دقت و توف وظایف موله را احام می داد . زائرند همه صفا نمونه رن رزمنده ایرانی و نمونه کمونیست وفاداری بود که بیشک یادش مشوق همه رفقا خواهد بود .

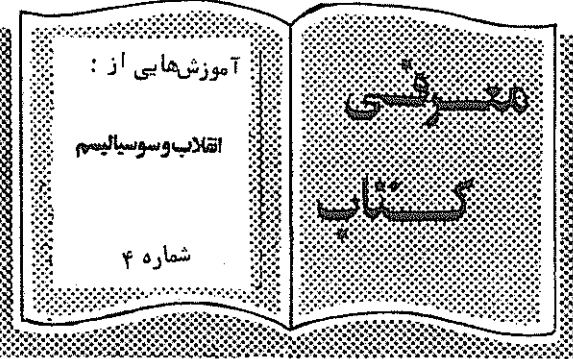
چهره درخشان " او را سالهاست که ترسیم کرده اند و در آینده هم این چهره و ضالیت ها و قهرمانی های او بی تردید ، الهام بخش هر زندان خواهد شد .

همچنین خبر رسید که رفیق توده ای ، حبیب الله متقی در اواخر آبان ماه پس از یک عمر مبارزه فداکارانه و خلوص ثابت قدمانه ، درگذشته است .

رفیق متقی یک کارگر توده ای بود که با دشواری و وفاداری به راه سرب توده

در این هفته خبر رسید که رفیق فدیمی و عذاکار و شجاع توده ای با نوصفا حائمی عمور مساور کمیته مرکزی حزب بوده ایران روز ۱۹ آذر به دنبال یک بیماری دیوار درگذشته است این خبر برای همه کسانی که این رفیق دیرینه با پس از سی و پنج سال سابقه فعالیت بی وقفه حزبی را می شناسند خبری دردناک و تکان دهنده بود .

صفحات فراموش نندی از تاریخ حزب توده ایران با نام رفیق صفا و شجاعت های خیره کننده اش پیوند دارد . در فرار برخی از رفقای افسر که پس از وقایع خراسان ریدانی شده بودند . و در فرار اعضای کمیته مرکزی حزب از ریدان در زمان رزم آرا نخست وزیر نظامی شاه ، رفیق صفا نقش ارزنده ای داشت نقشی که علاوه بر سربسور و ار خود گذشتگی کم نظیر حضور دهن و آگاهی و خلوص فراوان می طلبد .



● شماره چهارم مجموعه ارزنده آموزش‌هایی از انقلاب و سوسیالیسم شامل یکارده مقاله انتشار یافته است. این مجموعه که براساس ترجمه آخرین دستاوردهای نظری رهبران و صاحب‌نظران جنبش انقلابی جهان و بخش اساسی آن جنبش جهانی کمونیستی فراهم آمده است بدون تردید در تجهیز هرچه عمیق‌تر پیروان اصیل سوسیالیسم علمی به آموزش‌های مارکسیسم - لنینیسم نقش بسیار موثری بر عهده دارد.

اولین مقاله مجموعه اخیر تحت عنوان "جنبش بین‌المللی کمونیستی و سنن انقلابی طبقه کارگر" که توسط گروهی از نویسندگان اتحاد شوروی و تحت نظر بوریس پونوماریف تدوین گردیده مهمترین مقاله این مجموعه را تشکیل می‌دهد.

مقاله با اشاره به نقش سترگ و دوران‌ساز طبقه کارگر در پیشروی پیروزمندان انقلاب جهانی می‌گوید:

خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی بازتاب یافته است. "خط مشی عمومی احزاب مارکسیست - لنینیست تعیین کننده سمت اصلی (حرکتی) است که نیروهای جنبش انقلابی در هر مرحله خاص از تاریخ ضرورتاً باید بیشترین نیروی خود را بدان سو معطوف دارند. و این خط مشی همچنین راه و روش اولیه دست‌یابی به اهداف پیش‌بینی شده در جنبش سمت‌گیری را معین می‌سازد."

اصول اساسی این خط مشی بطور خلاصه عبارت است از: ... مبارزه علیه امپریالیسم و مبارزه برای صلح، دموکراسی، استقلال ملی و سوسیالیسم (که) مضمون (جوهر) خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی را تشکیل می‌دهد.

مقاله پس از آن به توضیح اهمیت و نقش انترناسیونالیسم پرولتری به مثابه سنگ زیربنای مبارزه طبقه کارگر پرداخته می‌نویسد "وحدت انترناسیونالیستی طبقه کارگر نقش بسیار مهمی در پیروزی مبارزات این طبقه علیه سرمایه‌داری و در نتیجه به نفع تعالی اجتماعی و تحول وسیع همه ملت‌ها ایفاء می‌کند. در این وحدت میان انترناسیونالیسم کارگری و منافع ملی رابط‌های دیالکتیکی نهفته که به وسیله مارکسیسم کشف شده است"

مقاله عالی‌ترین تجلی وفاداری به انترناسیونالیسم پرولتری را دفاع از خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی دانسته و می‌نویسد "منافع مشترک و اهداف طبقاتی طبقه کارگر جهانی دنبال نمودن خط مشی عمومی توسط جنبش کمونیستی را

اموری ضروری می‌داند. وفاداری به خط مشی عمومی جنبش، وظیفه اساسی همه سازمان‌های پرولتری است. اتحاد جنبش جهانی کمونیستی و کارگری نباید به صرف فقدان یک سازمان هدایت کننده انترناسیونالیستی تضعیف گردد. احزاب کمونیست همگی مستقل و برابرند و هر یک سیاست خویش را تعیین می‌کنند. "توضیح پیرامون خصصت خلاق مارکسیسم - لنینیسم که حاصل علمی بودن آن است" و این آموزش مارکس که همواره بررسی دقیق از شرایط تاریخی مشخص بعمل آید و تطبیق خلاق این آموزش بر شرایط تاریخی جدید توسط لنین در مبارزه با انواع گرایش‌های انحرافی بخاطر دفاع از خلاقیت و شناخت آن و تکامل این آموزش‌ها در دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم بخش دیگری از مقاله را تشکیل می‌دهد.

مقاله در پایان با جمع‌بندی از مفهوم واقعی وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم با دفاع از صحت خط مشی عمومی جنبش جهانی کمونیستی که در عمل "در جریان زندگی و موفقیت‌های حاصله توسط سوسیالیسم جهانی به اثبات رسیده است" با این جمله پایان می‌یابد که "تردیدی نیست که چنین خط مشی لنینی، کمونیست‌های جهان را ارمغانی از پیروزی‌های تازه خواهد آورد"

از مقالات پراهمیت این مجموعه مقاله‌ای است با عنوان "اصول لنینی حزب و معیارهای زندگی حزبی" نوشته و. آشانین. این مقاله همانگونه که از نام آن پیداست موازین لنینی حاکم بر احزاب طرازنویین طبقه کارگر را توضیح می‌دهد مقاله شامل چند بخش است که عبارتند از:

- ۱ - برنامه و اساسنامه.
  - ۲ - اسناد راهنمای حزب
  - ۳ - اصول تشکیلاتی حزب کمونیست
  - ۴ - معیارهای زندگی حزبی
  - ۵ - اصول رهبری حزب
- مقاله براساس مجموعه تحارب احزاب کمونیست در

رسیدند و بالعکس هرگونه کاهش در نقش حزب و هر انحراف از اصول لنینی تکامل حزب. به بازگشتی جدی منتهی می‌شود. و ممکن است برای دستاوردهای سوسیالیستی خلق نیز تهدید ایجاد نماید

با مطالعه حدی و بیگرانده مقالات این مجموعه را جهت مراکز هر چه عمیق‌تر مارکسیسم - لنینیسم و تحریکات بورژوازی و حربه بورژوازی که با پیروزی‌های روزافزون سوسیالیسم هر چه بیشتر اساس غایت دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و اصلیت! را بر تن می‌کنند به همه پیوندگان راه طبقه کارگر توصیه می‌کنیم.

انتشار سند

### اساسنامه موقت

سازمان فدائیان خلق ایران (انکثرت)

مصوب پانزدهم کمیته مرکزی  
مرداد ۱۳۶۰

بزرودی منتشر میشود

### درد

### انحلال طلبی

و-ا-لنین

سنگای مردمی

### حزب توده ایران

یعنی دو مشخصات  
حزب طرازنویین طبقه کارگر ایران

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



از یادداشت‌های فدائیان خلق در جبهه‌ها

انسانها هستند که حماسه سازند

یادداشت زیر، از یادداشت‌های رفقا است که از جبهه‌ها رسیده و مربوط به حمله ظفرمندان روز ۵ مهرماه ۱۳۶۰ است که منجر به شکست کامل محاصره آبادان گردید. در این حمله نیروهای دلاور ما پس از یک سال مقاومت و نبرد قهرمانانه، با آزاد کردن ۱۸۰ کیلومتر مربع از خاک میهن انقلابی، ۱۷۰۰ نفر اسیر از دشمن می‌گیرند و یک تیپ پیاده و دو تیپ زرهی دشمن را متلاشی می‌کنند. دشمن پس از این شکست، از شمال و شمال شرقی آبادان به طرف غرب کارون عقب‌نشینی کرد.

امروز در طول خط جبهه جنب و جوش خاصی به چشم می‌خورد. زندگی در بیرون سنگرها جارست و اینهمه حاکی از آن است که زمان تک‌رودی فرا خواهد رسید. جبهه‌های بسیج و پاسدار که ستارگی درهم ادغام شده‌ایم متعول جمع‌آوری تجهیزات نظامی خود هستیم. همه به نحوی متعول تدارک هستیم.

در سر راه در روستاهای مارد زحمتکشان عرب‌زبان را قتل‌عام کردند. مردان را اسیر و برای بیگاری به پشت جبهه منتقل کردند و به زنان تجاوز نمودند.

به انقلاب و میهن انقلابی ما را داشته و دارد. هم‌زمان ما در تمامی نقاط دنیا بدانند که ما فرزندان کارگران و دهقانان ایرانی تا آخرین نفره آماج‌های مقدس انقلاب و پاسدار خواهیم بود. و مصمم هستیم تا دشت‌ها خونین جنوب را گورستان مشاوری صدامی سازیم: مرگ بر آمریکا مرگ بر صدام

ما یک نگاه به قیامه جبهه‌ها می‌توانیم همید که همگی فرزندان روستا و کارخانه‌اند که اینک با تفنگی بر کف در جنگ میهنی از انقلاب و میهن‌شان دفاع می‌کنند.

و بعدش هم راه خود را به سوی آبادان گشودند. نهم آبادان بود که با زدن پل به روی بهم‌شیر دشمن از آب گذشت و وارد منطقه ذوالفقار شد. آبادان در شرف سقوط بود.

بچه‌ها که انگار هر کلمه از سخنان ما در هوا می‌فاییدند وقتی که حرف‌هایم تمام شد با کینه‌های عجب فریاد زدند مرگ بر آمریکا، مرگ بر صدام متجاوز... بچه‌ها را به حال خود می‌گذارم و به سویی می‌روم تا کمی با خود خلوت کنم

ساعت ۶ بعدازظهر بود که به سنگر فرماندهی فراخوانده شدم؛

اما مدتی که گذشت مرگ پیش چشم کوچک و کوچکتر شد. به سقوط آبادان فکر می‌کردم، به مردمی فکر می‌کردم که نان سفره‌شان را برای ما می‌فرستادند به پیر زنی که چند تخم مرغاش را که تمام سرمایه زندگی‌اش بود برایمان فرستاده بود. دیگر از مرگ نمی‌ترسیدم ترس از سقوط آبادان جایگزین ترس از مرگ شده بود.

رفیقم که دیلم وظیفه است به کنارم می‌آید و آهسته می‌گوید جناب سروا من می‌ترسم و شرمگین به زمین چشم می‌دوردم. سگاری روشن می‌کنم و دود تلخش را تا آخرین خانه‌های ششام می‌لعم مزه گس و تلخش در وجودم می‌نشیند.

ساعت ۶ بعدازظهر را نشان می‌دهد. تمام جبهه‌ها را جمع می‌کنم. تا آخرین هماهنگی‌ها را با جبهه‌های سپاه و بسیج بعمل آورم. تقسیم کار که می‌شود می‌گویم:

ساعت ۹ بیک می‌آید و خیلی خلاصه می‌گوید "سر ساعت ۱۰ بعد از نیمه شب روی هدف باشید"

می‌گویم: اوایل من هم می‌ترسیدم سعی می‌کنم در افق خاطراتم حوادث را مرتب کنم. پارسال ۱۹ مهر بود که عراقی‌ها پیشروی را آغاز کردند خرمشهر را بطور کمربندی محاصره کردند در فاصله حصار شرقی و مارد به روی رود کارون پلی زدند و به این سوی آمدند. تا ۱۷ کیلومتری آبادان پیش آمدند

برادران هم‌زمن مبارزات کنونی ما حری از مبارزه جبهه‌ای است جهانی علیه امپریالیسم در این مبارزه ما تنها نیستیم هم‌زمان ما هم‌اینک در السالوادور، کره جنوبی، شان آفریقا، کامبوج، نیگاراگوئه فلسطین و... علیه ارتجاع جهانی می‌رزمند ما می‌گویم تا وقتی تجاوز هست مبارزه هست برای رسیدن به دنیای صلح باید همه متجاوزین را سرخاکیان نشاند. تا وقتی امپریالیسم غارتگر هست جنگ هست. تحریک است و تشنج. شرف و عزب ما در گرو دفاع بیروزمندان در برابر هر آن کسی است که قصد تجاوز

رگبار گلوله‌های تیربار و کالیبر ۵۰ دشمن صغیرکشان از بالای سرمان می‌گذرد خمپاره‌های منور پشت سر هم شلیک می‌شوند. و قوس و قزح زیبایی بوجود می‌آورند. پیشروی تا حدود زیادی مشکل شده است. اما چاره‌ای نیست باید هرچه سریع‌تر به جلو برویم تا به موقع به خاکریز دشمن برسیم.

که حماسه می‌آفرینند. دلم می‌خواست فریاد بزنم که من نمی‌ترسم نه از مرگ نه از تانک‌های دشمن. فریاد کشیدم دشت‌ها لرزیدند و بچه‌ها حمله کردند. آن روز دشمن با ۲۷۰ کشته و ۱۰۰ اسیر به طرف میدان تیر عقب‌نشینی کرد. از آن روز به بعد آموختم که انسان‌ها مجازند در لحظات اول خطر بترسند. اما مجاز نیستند مغلوب ترس خود شوند. باید با اراده‌ای آهنین به خاطر آماج‌های مقدس بر ترس غلبه کرد.

ساعت ۱ است و مابه فاصله ۲۰ متری دشمن رسیده‌ایم. در پشت این خاکریزها تجاوزگرانی قرار دارند که بیش از یک سال در خاک‌های میهنمان جا خوش کرده‌اند و اکنون نوبت خانه‌تکانی است با یک خیز سریع تیربارچی‌های دشمن را دور می‌زنیم و وارد خاکریز عراقی‌ها می‌شویم. به اولین تانک دشمن که مانند ماری در حال خارج شدن از سنگر است که می‌رسیم دستور شلیک می‌دهم. گلوله از لوله آر. بی. چی بیرون می‌جهد و بر شن تانک فرو می‌رود تانک یکپارچه شعله می‌شود.

ساعت ۹ بیک می‌آید و خیلی خلاصه می‌گوید "سر ساعت ۱۰ بعد از نیمه شب روی هدف باشید"

با غریب شادی بی‌سیم چی دسته که پهلوئی من مرتب

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

یرامون سالروز (( بسیج علیه بیسوادی ))

## مبارزه با بیسوادی نباید بفراموشی سپرده شود!

" برای این امر لازم است که تمام بیسوادان برای یادگیری و تمام خواهران و برادران با سواد برای یاد دادن بپاخیزند و از قرطاسیازی و تشریفات اداری بپرهیزند "

(امام خمینی)

بر تنگ‌نگری و انحصارطلبی غلبه کنید و از تجارب کشورهای انقلابی پیروز درس بگیرید تا با بسیج همه نیروهای مدافع جمهوری اسلامی همه با هم بیسوادی را ریشه‌کن کنیم

هفتم دیماه روز صدور زمان امام خمینی برای سیج توده‌های علیه بیسوادی ست . نگاهی مجدد به عملکرد مبارزه با بیسوادی شان می‌دهد که برغم و شش‌های پراکنده ارگان‌های سمنی و مردمی ، تاکنون در مینه این امر مهم که رهبر انقلاب آن را " از جمله نواجح اولیه برای هرملت ، بر ردیف بهداشت و مسکن و لکه سه‌تتر از آنها ... " انسته‌اند ، کام قاطع و همی برداشته نشده است . بیسوادی میراث شوم سالها لبطه طبقاتی نظام اهنشاهی است که همچون ک بیماری جانگناه ، تا به امروز در جامعه ما باقی مانده ست به گونه‌ای که هنوز هم حدود ۶۵ درصد از مردم شور ما بیسوادند و این رقم در میان زحمتکش‌ترین و خروم‌ترین مردم میهنمان رصده بالاتری را نشان ی‌دهد .

ریشه‌کن کردن بیسوادی ستلزم برنامه‌ریزی و پیگیری مر در دو وجه بزرگسالان خردسالان است . در دو مال اخیر در زمینه آموزش خردسالان و کودکان زم‌التعلیم عمدتاً به افزایش ضای آموزشی بسنده شده ست که گرچه به‌نوبه خود قدام ضروری و مثبتی حساب می‌شود ، لیکن هه‌بوجه کافی نیست . بایان توجه است که در سیاری از کشورهای انقلابی هه‌مان که مبارزه وفقیت‌آمیزی را برای یشه‌کن کردن بیسوادی پشت بر نهاده‌اند ، با بکارگیری ناصر اصلی این مبارزه که هیه برنامه جامع ، بسیج ودهای و تربیت مداوم و ست‌سزده معلم است ، وادآموزی حتی در فضای او ز مزارع و زیر درختان و پادرها صورت گرفته است . کنون این واقعیتی است نگارناپذیر که هر سال به ایسل کمبود معلم و نه‌بودهای دیگر هزاران کودک یی‌رانی از یکی از بتدایی‌ترین حقوق خویش خروم مانده و به خیسل بیسوادان افزوده می‌شوند .

بدین معنا که با رشد جمعیت و محروم ماندن اطفال لازم‌التعلیم از تحصیل سالانه حدود ۴۰۰ هزار نفر به جمع بیسوادان کشور افزوده می‌شوند ( اطلاعات ۲۶ شهریور ۶۰ ) از سوی دیگر در زمینه آموزش بزرگسالان نیز پس از گذشت حدود سه سال از انقلاب هنوز اقدام موثر و اساسی صورت نگرفته است .

\*

نیاز به داشتن برنامه و بسیج توده‌ای

پس از پیام امام در هفتم دیماه ۵۸ مساله مبارزه با بیسوادی در دستور کار دولت جمهوری اسلامی قرار گرفت و به دنبال آن با تصویب شورای انقلاب " نهضت سوادآموزی " تشکیل گردید برپایی این نهاد انقلابی به منظور آن بود که در کنار آموزش و پرورش بار عمده مبارزه با بیسوادی

یعنی آموزش بزرگسالان را بدوش کشیده در جهت تحقق اصل سیام قانون اساسی کام بردارد . بر طبق این اصل : " دولت موظف است وسائل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسائل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور بطور رایگان گسترش دهد . " نهضت در آغاز کار خود با نیروی عظیمی از مشتاقان خدمت صادقانه به انقلاب روبرو گردید اما به علت بی‌برنامگی‌ها و برخورد‌های تنگ‌نظرانه نه تنها نتوانست از این نیروی عظیم بهره گیرد ، بلکه با تنیدن پله‌های به دور خود که هر روز تنگ‌تر می‌نمود عملاً از فعالیت پیش‌رونده و فراگیر بدور ماند . " نهضت " اخیراً دریافته است که بدون داشتن برنامه‌ای هدفمند اساساً مبارزه با بیسوادی ناممکن است و از این رو در ۲۶ شهریور سال جاری طرح بسیجی سوادآموزی " را به عنوان برنامه کار خود اعلام می‌دارد . این طرح اگرچه حاوی نکات مثبتی است که ما بیست‌ش از این به آن پرداخته‌ایم ، در بنیانی‌ترین وجوه خود دارای اشکالات و ضعف‌های جدی است . طرح مزبور را اینکه از

" بسیج توده‌ها " سخن می‌گوید ، اما با تلقی محدود و تنگ‌نظرانه‌ای که از آن ارائه می‌نماید ، عملاً مبارزه با بیسوادی را نیز در انحصار باسوادان مکتبی قرار می‌دهد و در نتیجه بهره‌نگرفتن از نیروی عظیم توده‌های معلم دانشجو و دانش‌آموز و سایر داوطلبان مومن به انقلاب با کمبود نیرو مواجه شده است . ما همانگونه که در کار ۱۲۹ گفتیم دست‌یافتن به کلیه آرمان‌های انقلاب بدون مبارزاتی پیگیر برای ریشه‌کن کردن بیسوادی و بدون بهره‌گیری از نیرو و توان توده‌ها ، غیرمقدور و خیال‌پردازانه است پندگیری از گذشته و تجربه کشورهای انقلابی همه و همه موبد آن است که بدون داشتن برنامه‌ای واقع‌بینانه بدون بسیج توده‌ای و بدون پیگیری مسئولانه و نظارت دقیق دولت ، مبارزه کامل و ریشه‌ای با بیسوادی امری غیرممکن است . مردم باید حضور " نهضت " را لمس کنند و نقش واقعی خویش را در آن ایفا نمایند . تنها با استفاده از تمامی امکانات و نیروهای انقلاب است که می‌توان به این نیاز مبرم انقلاب پاسخ گفت

## انسانها...

بقیه از صفحه ۲۶

پیام می‌فرستد متوجه می‌شوم که یکی از بچه‌ها با آر . پی چی . یک تانک دیگر را زده است . خود را به او می‌رسانم و در آغوش می‌گیرم دو تانک دیگر عراقی نزدیک به هم در سنگرها آرام خوابیده‌اند و تکان نمی‌خورند . دو نفر آر . پی . چی زن را مامور می‌کنم که اگر خواستند حرکتی و یا آتش‌بکنند آنها را بزنند والا نزنند تا سالم به دست ما بیفتند . برمی‌گردم تا پیام درخواست مهمات را به بی‌سیم چی بدهم بی‌سیم چی از ناحیه شکم و پا تیرخورده و به زمین افتاده است و از آن همه غریب‌و شادی جز طرحی بیرنگ از لبخند بر لبان تیرماش نیست . محصل زخم را فوری می‌بندم تا او را به کنار خاکریز ببرم می‌گویم : من حال خوب است شما

بچه‌ها مهمات را تقسیم کرده‌اند . خون را که می‌بویم عطرگندم‌زاران دارد . بلند می‌شوم . احساس می‌کنم که قد کشیده‌ام همچون درخت پرشاخ و برگی در تمامی جنبه‌های میهنم . فریاد می‌زنم احساس می‌کنم نعره تانک‌ها در فریادم خاموش می‌شوند . احساس می‌کنم رفیق‌از کنار خاکریز بر تمامی دشت ایستاده است و نظاره می‌کند دشمن بطور کل غافلگیر شده است و رشته‌کارها از دستش خارج شده است ۲ نفر از بچه‌های بسیج تبریز در یورش به داخل سنگرچی تیرباردشمن به شهادت می‌رسند اما تیرباران‌کاری می‌اندازند . پیش زخمی‌ها برمی‌گردم یکی دیگر از بچه‌ها شهید می‌شود . آنقدر درگیر نبرد هستیم که گرگ و میش صح را احساس نمی‌کنیم . دشمن در حال فرار است . بچه‌ها را سوار جیب توپدار ۱۰۶ و تانک‌های چیفتن می‌کنیم و به تعقیب دشمن بزدل می‌پردازیم .

به سوی یل مارد که از نظر نظامی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد حرکت می‌کنیم هر قدمی که برمی‌داریم ، نگاهی از خاک میهن انقلابی‌مان آزاد می‌شود . بی‌اختیار به یاد ۲۲ بهمن می‌افتم که همه ما هم یک‌باره و متحد دشمن مشترک را درهم کوبیدیم . در جنبه‌های دیگر با آتش شدید توپخانه خودی ، نیروها بعد از گذشتن از حاشیه حاده آبادان ماهشهر کارخانه شریاستوریزه در شمال غربی آبادان را آزاد می‌کنند . دشمن همچنان به طرف حصار شرقی حداقل کارخانه پاستوریزه و مارد عقب‌نشینی می‌کند . دود غلیظی تا شب از انهدام وسائل زرهی دشمن سراسر شمال آبادان را در خود گرفته است صدای رفیق از دوردست‌ها می‌آید و در گوشم می‌پیچد . دیگر نمی‌ترسم رفیق ! صدا می‌رود و در بی‌انتها محو می‌شود .

آبادان ساعت ۱۰ جمعه هفتم مهرماه ۱۳۶۰



